



انحقوقو لبر انقشیا لریو ال سازمان  
International Development Law Organization  
Organisation Internationale de Droit du Développement  
سازمان بین المللی انکشاف حقوق

حقوق جزای اختصاصی بر مبنای کود جزای ۱۳۹۶

(۶)

## جرایم سرقت و غصب

Larceny and Usurpation

سرطان ۱۳۹۸

تهیه و ترتیب: سازمان بین المللی انکشاف حقوق (IDLO)

کابل، افغانستان

وب سایت: [www.idlo.int](http://www.idlo.int)

در مورد این جزوه

## در مورد این جزوه

تمام مواد و مندرجات این جزوه در مطابقت با قوانین افغانستان ترتیب گردیده است. به منظور اطمینان از مطابقت با تعدیلات جدید در قوانین افغانستان لازم است این جزوه در فواصل زمانی معین مورد بازنگری قرار گیرد. حق هر نوع تغییر جزئی یا کلی در این جزوه مربوط به سازمان بین‌المللی انکشاف حقوق (IDLO) می‌باشد.

تمام موادی که محتوی این کتاب را تشکیل می‌دهد برای استفاده شخصی و غیر تجارتي شما است. حق طبع و نشر این مواد برای سازمان بین‌المللی انکشاف حقوق (IDLO) محفوظ است.

## قوانین مورد استفاده:

۱. قانون اساسی، منتشره جریده رسمی شماره ۸۱۸ سال ۱۳۸۲
۲. کود جزا، منتشره جریده رسمی شماره ۱۲۶۰، مؤرخ ۲۵ ثور ۱۳۹۶
۳. قانون مدنی، منتشره جریده رسمی شماره ۳۵۳، مؤرخ ۱۵/۱۰/۱۳۵۵.
۴. قانون کار، منتشره جریده رسمی شماره ۹۶۶ مؤرخ ۱۶ قوس ۱۳۸۷.
۵. قانون تنظیم امور زمینداری، منتشره جریده رسمی شماره ۱۲۵۴ مؤرخ ۲۶ حمل سال ۱۳۹۶.
۶. قانون حمایت حقوق مخترع و مکتشف، منتشره جریده رسمی شماره ۹۵۶، مؤرخ ۱۳۷۸/۵/۵.

## فهرست موضوعات

مقدمه: ..... ۱

### فصل اول

#### جرم سرقت

- مبحث اول: کلیات جرایم علیه اموال: ..... ۵
- گفتار اول: شناسائی جرایم علیه اموال: ..... ۵
- گفتار دوم: جرم انگاری تجاوز علیه اموال در کود جزا: ..... ۹
- مبحث دوم: تعریف سرقت: ..... ۱۰
- گفتار اول: تعریف سرقت در کود جزا: ..... ۱۰
- گفتار دوم: تعریف سرقت در قانون جزا: ..... ۱۱
- مبحث سوم: عناصر جرم سرقت: ..... ۱۳
- گفتار اول: عنصر قانونی جرم سرقت: ..... ۱۳
- گفتار دوم: عنصر مادی جرم سرقت: ..... ۱۴
- گفتار سوم: عنصر معنوی جرم سرقت: ..... ۴۵
- مبحث پنجم: سرقت در کود جزای افغانستان: ..... ۵۵
- گفتار اول: مصادیق جرم سرقت در کود جزا: ..... ۵۷
- گفتار دوم: جرایم در حکم سرقت در کود جزا: ..... ۷۱
- گفتار سوم: سرقت به اثر اکراه یا تهدید به استعمال سلاح در کود جزا: ..... ۷۳
- گفتار چهارم: جزای جرم سرقت در کود جزا: ..... ۷۶
- گفتار پنجم: رد مال مسروقه یا قیمت آن: ..... ۸۹
- نتیجه گیری فصل اول: ..... ۹۲

### فصل دوم

#### جرم غصب اموال منقول

- مبحث اول: تعریف غصب اموال منقول: ..... ۹۸
- مبحث دوم: عناصر تشکیل دهنده ی جرم غصب اموال منقول: ..... ۱۰۳
- گفتار اول: عنصر مادی جرم غصب اموال منقول: ..... ۱۰۳

۱۰۸	گفتار دوم : عنصر معنوی: .....
۱۱۰	گفتار سوم: تفاوت میان جرم غصب اموال منقول و جرم سرقت: .....
۱۱۱	گفتار چهارم: فرق بین جرم غصب و جرم تهدید: .....
۱۱۳	مبحث سوم: مجازات غصب اموال منقول: .....
۱۱۵	مبحث چهارم: جرم اخذ جبری سند، امضاء، مهر یا نشان انگشت: .....
۱۱۵	گفتار اول: تعریف اصطلاحات: .....
۱۱۷	گفتار دوم: وصف جرم عمل مندرج ماده ۷۱۳ کود و مسایل مرتبط به آن: .....
۱۲۰	مبحث پنجم: چپاول گری (نهب): .....
۱۲۲	نتیجه گیری فصل دوم: .....

## فصل سوم

### جرم غصب زمین و اموال غیر منقول

۱۲۷	مبحث اول: تاریخچه جرم انگاری غصب اموال غیر منقول در افغانستان: .....
۱۲۷	مبحث دوم: تعریف جرم غصب زمین و اموال غیر منقول: .....
۱۲۸	مبحث سوم: عناصر جرم غصب زمین: .....
۱۲۹	گفتار اول: عنصر مادی جرم غصب زمین: .....
۱۳۴	گفتار دوم : عنصر معنوی .....
۱۳۵	مبحث چهارم: مجازات جرم غصب زمین: .....
۱۳۵	گفتار اول: جزای حالت عادی جرم غصب زمین: .....
۱۳۷	گفتار دوم: جزای حالات مشدده جرم غصب زمین: .....
۱۳۹	گفتار سوم: آثار حقوقی صدور حکم جزایی در مورد غصب: .....
۱۴۰	گفتار چهارم: تعدد جرم در غصب زمین: .....
۱۴۰	گفتار پنجم: جرایم در حکم غصب: .....
۱۴۲	نتیجه گیری فصل سوم: .....
۱۴۴	نتیجه گیری عمومی: .....
۱۴۸	مآخذ: .....

## مقدمه:

مال، قوام زندگی انسانهاست و بدون آن، معیشت آنها یا ناممکن و یا با مشقت به پیش خواهد رفت، از همینجاست که قانون آنرا مورد حمایت قرار داده و تجاوز علیه اموال، اعم از عمومی، دولتی و خصوصی را جرم پنداشته و برای مرتکبین آن، مجازات پیش‌بینی کرده است، زیرا تجاوز بر مال، صاحب مال را متضرر می‌سازد و قانون وظیفه دارد تا از متضررین حمایت کند.

همانطوری که اموال از حیث مالکیت، به اموال شخصی، دولتی و عمومی، و از حیث نوعیت، به اموال منقول و غیر منقول تقسیم می‌شوند، انواع تجاوز علیه اموال نیز متعدد و دارای اوصاف جرمی متفاوت می‌باشد؛ تجاوز علیه اموال دولتی و عامه، دارای اوصاف جرمی اختلاس، غدر و استیلاء بوده می‌تواند، اما تجاوز علیه اموال خصوصی، اوصاف جرمی چون سرقت، فریبکاری و خیانت در امانت را بخود می‌گیرد، بعضی اوصاف جرمی دیگری وجود دارند که هم بر تجاوز علیه اموال عامه و دولتی، و هم بر تجاوز علیه اموال خصوصی، اطلاق می‌شوند، مانند غصب، تخریب و اتلاف. در این جزوه آموزشی راجع به جرائم علیه اموال خصوصی، و بطور مشخص، راجع به جرم سرقت و جرم غصب، بحث صورت گرفته است، و مسائل مربوط به این دو نوع جرم در روشنایی احکام کود جزای ۱۳۹۶ و دیگر قوانین ذیربط، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

## فصل اول

### جرم سرقت

#### اهداف:

در پایان جلسه‌ی آموزش، اشتراک‌کننده‌گان قادر خواهند بود تا:

- ☞ کلیات جرائم علیه اموال چون، نکات مشترک میان انواع جرایم علیه اموال، سیاست جزائی جرایم علیه اموال را شناسایی کنند؛
- ☞ مواد کود جزا، مربوط به جرم سرقت را تحلیل و تجزیه کنند؛
- ☞ جرم سرقت را تعریف، و حالات مشابه سرقت را از غصب، جدا سازند؛
- ☞ عناصر تشکیل دهنده‌ی جرم سرقت را تشخیص درست نمایند؛
- ☞ قضایای جزایی مربوط به سرقت را در پرتو کود جزا، وصف جرمی صحیح بدهند؛
- ☞ حالات مشدده‌ی جرم سرقت را از حالات عادی آن، تفکیک، و جزاهای پیش‌بینی شده‌ی هر یک را تطبیق صحیح نمایند؛ و
- ☞ ملاحظات مطروحه در کود جزا پیرامون جرم سرقت را شناسائی، تحلیل و ارزیابی نموده، با حل نمودن قضایای فرضی و سوالات مباحثی، و با وارد نمودن تفکرهای انتقادی، قدرت تحلیل و ارزیابی حقوقی خویش را قویتر و ظرفیت و توانایی‌های مسلکی خویش را بلند بپزند.

## عناوین:

- کلیات جرایم علیه اموال.
- شناسائی جرایم علیه اموال.
- جرم انگاری تجاوز علیه اموال در کود جزای ۱۳۹۶.
- تعریف سرقت.
- سرقت مستوجب مجازات تعزیری.
- عناصر جرم سرقت.
- سرقت در کود جزای افغانستان.
- مصادیق جرم سرقت در کود جزا.
- جرایم در حکم سرقت در کود جزا.
- سرقت به اثر اکراه یا تهدید به استعمال سلاح در کود جزا.
- جزای جرم سرقت در کود جزا.
- رد مال مسروقه یا قیمت آن.



## فصل اول

### جرم سرقت

سرقت پدیده ای است که علاوه بر صاحب مال، جامعه‌ی انسانی را متضرر می‌سازد، از همین رو، هرگونه تعدی بر حق مالکیت، مورد تنفر جامعه بوده و سرقت در همهٔ آیین‌ها و قوانین زندگی ملت‌ها، منع شده و برای مرتکب آن مجازات تعیین گردیده است. امروزه، در قوانین کشورها با یک نوع سرقت بر نمی‌خوریم، بلکه انواع مختلفی از سرقت که هر یک شرایط و مجازات جداگانه‌ای دارد، در این قوانین پیش‌بینی شده است، از این میان، در قوانین جزایی افغانستان نیز می‌توان از سرقت عادی (بدون احوال مشدده) سرقت مشدده، سرقت توأم با اکراه یا تهدید به استعمال اسلحه، سرقت آثار تاریخی، سرقت مواد هسته‌وی، سرقت نمبر پلیموت و سرقت سایبری نام برد، این تنوع، قانونگذار را واداشته تا انواع مختلف جرم سرقت را جرم‌انگاری نماید و جزای آنرا متناسب با خفت و شدت جرم و میزان ضرر وارده بر مجنی‌علیه، تعیین نماید، علاوه بر آن، قانونگذار جهت مبارزه بهتر با این پدیده، اشکال دیگری از جرایم مرتبط به جرم سرقت را نیز جرم‌انگاری نموده است تا طرق افزایش ارتکاب آنرا مسدود سازد. برای توضیحات بیشتر، مباحث زیر را مطالعه کنید.

## مبحث اول: کلیات جرایم علیه اموال:

کلیات جرایم علیه اموال، شامل شناسایی جرایم علیه اموال (گفتار اول) و سیاست جرم انگاری تجاوز علیه اموال در کود جزای ۱۳۹۶ (گفتار دوم) می‌شود.

## گفتار اول: شناسایی جرایم علیه اموال:

مراد از جرایم علیه اموال، جرائمی هست که به اثر آن، آن عده از حقوق دیگران که دارای ارزش مالی هست، در معرض تجاوز و یا تهدید به خطر قرار می‌گیرد، این حقوق، هر آن حقی که ارزش و اهمیت اقتصادی داشته باشد، را نیز شامل گردیده و با همین شاخص، جرایم علیه اموال از جرایم علیه اشخاص، تفکیک می‌گردد.

تفکیک میان جرایم علیه اموال و جرایم علیه اشخاص، به معنای نبود رابطه میان آنها نیست، زیرا آشکار است که ضرر جرایم علیه اموال، ازین رو به شخص میرسد که ذمه مالی<sup>۱</sup> آنان را هدف قرار می‌دهد، و شکی نیست که میان "ذمه" و "شخصیت" انسان، ارتباط تنگاتنگی وجود دارد، زیرا هر شخص "ذمه" ای دارد، و غالباً "ذمه" برای "اشخاص" نسبت داده می‌شود، علاوه بر آن، در برخی جرایم، ممکن است هر دو حق (ذمه مالی و شخصیت انسان) مورد تجاوز قرار گیرد، مانند جرم سرقت توأم با اکراه، یا جرم سرقت مسلحانه که در آن حق ملکیت و حق سلامتی جسمی، هر دو همزمان در معرض خطر قرار می‌گیرد.

## مطلب اول: نکات مشترک میان جرایم علیه اموال:

میان جرایم علیه اموال اعم از سرقت، غصب، نهب، خیانت در امانت، فریبکاری، تخریب و اتلاف، نکاتی مشترک وجود دارد که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود.

<sup>۱</sup> - مراد از ذمه، محل اعتباری است که حقوق و وجائب مالی شخص به آن تعلق می‌گیرد.

وقوع جرایم علیه اموال، مستلزم تحقق دو شرط است: ۱- «ثبوت ملکیت غیر در مال مورد تعدی» و «عدم رضایت صاحب مال مورد تعدی». شرط اول مربوط مال، و شرط دوم مربوط صاحب مال می‌شود، که هر دو را در زیر توضیح می‌دهیم.

#### ۱. ثبوت ملکیت غیر در مال مورد تعدی:

اصل بر آن است که در جرایم علیه اموال، مال دیگران مورد تعدی قرار می‌گیرد، بنابراین، ثبوت ملکیت مال مورد تعدی برای شخص یا اشخاص دیگر، شرط ارتکاب این جرم است، زیرا اگر مال، ملکیت خود معتدی (مرتکب) باشد، جرم تجاوز علیه مال، صورت نگرفته است.

#### ۲. عدم رضایت صاحب مال مورد تعدی:

همانطوری که ثبوت ملکیت غیر در مال مورد تعدی، شرط اول وقوع جرایم علیه اموال بود، عدم رضایت صاحب مال مورد تعدی، شرط دوم وقوع آن است، زیرا رضایت صاحب مال به وقوع فعل، به این معنی خواهد بود که صاحب حق خواسته است حق خویش را توسط غیر، اعمال نماید، و در همچون حالت، وقوع جرم، خارج از تصور است. البته در رابطه به رضایت ظاهری و یا حقیقی و موضوعات مرتبط به آن، حین بحث روی عناصر جرم سرقت، تفصیل و جزئیات بیشتری ارائه خواهد شد.

#### نکته:

در رابطه به موارد ۱ و ۲ که در بالا بیان شد، ناگفته نباید گذاشت که تصرف شخص بر مال خود یا مال غیر بطور مطلق جواز ندارد، بلکه در صورت تخطی از حد مشروع یا سوء استفاده از مال، متصرف، مجرم پنداشته می‌شود. برای مثال: ماده ۳۴۴ کود جزاء، در رابطه به حریق عمدی مال، چنین تصریح می‌کند: «شخصی که عمداً مال منقول یا غیر منقول را به مقصد ضرر رسانیدن به خود یا دیگران، آتش بزند، به حبس قصیر محکوم می‌گردد.»

همچنان، تصرف مالک در مال و ملکیت خود که حق دیگران به آن تعلق داشته باشد، جواز ندارد، مانند تصرف در مال مرهونه توسط راهن، و تصرف مالک در مالی که تحت حجز یا تصرف قضا قرار داشته باشد، به همین ترتیب؛ سرقت اسناد تسلیم داده شده به قضاء، هرچند سرقت توسط مالک اسناد متذکره صورت گرفته باشد<sup>۱</sup>. ماده ۷۲۴ کود جزای افغانستان نیز در زمینه حکم مشابهی دارد.<sup>۲</sup>

### مطلب دوم: سیاست قانونگذاری در حمایت از اموال:

با اشاره به مواد ۷۱۲ و ۷۱۶ کود جزای سال ۱۳۹۶ و مواد ۲۲۷۲ و ۲۲۸۸ قانون مدنی سال ۱۳۵۵، ملاحظه می‌شود که قوانین متذکره در برخی موارد، اموال را مورد حمایت یکسان قرار نداده‌اند، این عدم تساوی در حمایت اموال در دو عرصه (جزائی و مدنی) قابل ملاحظه است که آنرا در زیر توضیح می‌دهیم.

<sup>۱</sup> - حسنی، نجیب، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، ص ۸۰۴، دار نافع للطباعة والنشر، ۱۹۸۷، القاهرة.

دیده می‌شود که این نظریه در چند مورد در کود جزای افغانستان نیز به نحوی انعکاس یافته و بدان حکم شده است، در رابطه به آن میتوان به بند (۲) ماده ۴۵۸ کود جزا که تحت عنوان سرقت اسناد رسمی، بیان و طی آن گفته شده است که "سارق یا تلف کننده و پنهان کننده اشیای مندرج فقره (۱) این ماده به حبس متوسط محکوم می‌گردد" اشاره کرد، زیرا قانون گذار درینجا بطور مطلق از مجازات سارق این اسناد نام برده است، بدون اینکه تفکیک نماید که سارق، اسناد متعلق به خود را سرقت نموده است یا از دیگران را، به همین منوال در ماده ۴۷۱ این کود و تحت عنوان "سرقت، پنهان یا اتلاف اموال به قصد تضلیل قضاء" نیز همین روش بکاربرده شده و سارق اموال یا اشیای جرمی تسلیم داده شده به محکمه یا مامورین ضبط قضائی به حبس قصیر و مجازات نقدی محکوم گردیده است، بدون اینکه میان سرقت توسط مالک اموال مذکور یا دیگران تفکیکی صورت گیرد، بناء دیده می‌شود که ماده های مذکور تأیید کننده همین نظریه است که تعلق گرفتن حقوق دیگران، به مال یک شخص، شخص مذکور را از تصرف مطلق یا آزادانه در همان مالش باز میدارد.

<sup>۲</sup> - ماده ۷۲۴ کود جزاء در زمینه چنین تصریح می‌کند: «اعمال ذیل در حکم خیانت در امانت شناخته شده، مرتکب به حبس قصیر یا جزای نقدی از ده هزار تا شصت هزار افغانی، محکوم می‌گردد:

۱- در صورتی که مالک مال منقول که اموال او به حکم قانون یا قرار محکمه تحت حجز قرار گرفته یا تحت تصرف قضا گذاشته شده باشد مال را به سؤ نیت برای خود یا منفعت شخص دیگری استعمال یا در آن تصرف نماید یا آن را پنهان کند یا برای شخصی که در مال مذکور حق مطالبه را از وی داشته باشد تسلیم نکند، به نحوی که منظور اجراءات اتخاذ شده در مورد مال بر آورده شده نتواند.

۲- در صورتی که گرو گیرنده مال مرهونه را نزد مالک آن به امانت بگذارد و مالک مذکور برای خود یا منفعت خود یا منفعت شخص دیگر آن را به سؤ نیت استعمال یا بر خلاف مقصدی که به او سپرده شده، در آن تصرف نماید.»

### فرع اول: سیاست جرم انگاری تجاوز بر اموال در کود جزا:

سیاست جرم انگاری بر تجاوز علیه اموال در کود جزای افغانستان متفاوت است؛ به گونه‌ی که اموال منقول نسبت به اموال غیر منقول، مورد حمایت بیشتر قرار گرفته است. برای مثال: در ماده ۷۰۹ کود جزا، مشاهده می‌شود که برای سرقت اموال کم بها (که قیمت آن کمتر از پنج هزار افغانی باشد)، حبس قصیر یا جزای نقدی از ده هزار تا شصت هزار افغانی، تعیین گردیده است، اما در غصب زمین، در صورتی که ارزش زمین تا سه صد هزار افغانی باشد، جزای آن حبس قصیر است (فقره ۱ ماده ۷۱۶ کود جزا). ملاحظه این است که تناسب میان ارزش حق مورد تعدی و جزای آن در اموال منقول و غیر منقول، وجود ندارد؛ تجاوز بر مال منقولی که ارزش آن کمتر از پنج هزار افغانی است، و تجاوز بر مال غیرمنقولی که ارزش آن تا سه صد هزار افغانی است، یکنوع جزا (حبس قصیر) تعیین شده است. همچنین در جزء ۳ ماده ۷۱۲ و اجزای ۲ و ۳ ماده ۷۱۶ کود جزا، ملاحظه می‌شود که غصب اموال منقولی که ارزش آن بیش از ده هزار تا یک صد هزار افغانی باشد، و غصب اموال غیرمنقولی که ارزش آن بیش از سه صد هزار تا پنج میلیون باشد، برای هر دو، حبس متوسط تعیین گردیده است.

### فرع دوم: سیاست قانونگذاری در حمایت از اموال در قانون مدنی:

حمایت از اموال در قانون مدنی نیز یکسان نیست؛ اموال منقول نسبت به اموال غیرمنقول، مورد حمایت بیشتری قرار گرفته است. برای مثال: در ماده ۲۲۷۲ قانون مدنی، ملاحظه می‌شود که صحت دعوای دفع تعرض بر عقار را مشروط بر تداوم حیات برای مدت یک سال کامل دانسته، و چنین تصریح می‌کند: «شخصی که حیات عقاری را بدست آورده و حیات او مدت یک سال کامل دوام نماید و بعداً بر حیات او تعرض واقع شود، می‌تواند در خلال مدت یکسال دعوی منع این تعرض را اقامه نماید.» در حالی که نظر به ماده ۲۲۸۸ قانون مدنی، حیات اموال منقول از آغاز و بدون تداوم میعاد زمانی معین، تملک را افاده می‌کند، مشروط بر این که توأم با حسن نیت و متکی به اسباب صحیح باشد، ماده چنین صراحت دارد: «شخصی که مال منقول یا حق عینی را بر مال منقول یا سندی که بنام حامل آن اعتبار داشته باشند به استناد اسباب صحیح توأم با حسن نیت حایز شود، مالک آن شناخته می‌شود.»

تفسیر درست برای اینگونه سیاست قانونگذاری، همین خواهد بود که قانون گذار خواسته است تا میان حمایت های وارده در کود جزاء و قانون مدنی در نظر گرفته شده است، نوعی از هماهنگی و تناسب رعایت گردد، زیرا مالک اموال غیرمنقول از اجراءات حمایتی دیگری برخوردار است که در دعوای حیازت مطرح می شود، طوری که حائز اموال غیرمنقول نمی تواند از قاعده ("الحیازة فی المنقول سند الملكية" حیازت مال منقول سند بر ملکیت آن است) استفاده نماید، همچنان طبیعت و ثبات اموال غیرمنقول طوری است که از بسا خطرات و تجاوزاتی که عادتاً مال منقول به آن مواجه و یا در معرض آن قرار دارد، در امان می باشد.

قابل ذکر است که شناخت سیاست جزایی در جرایم علیه اموال، و دانستن موارد تشدید حمایت یا تساهل در آن، برای خارنوالان و قضات، حایز اهمیت است، زیرا آنها با شناخت این سیاست قادر خواهند شد پیرامون رسیدگی به جرایم علیه اموال و تعیین مجازات متناسب، تصمیم مناسب اتخاذ نمایند.

### گفتار دوم : جرم انگاری تجاوز علیه اموال در کود جزا:

کود جزای افغانستان جنس اموال اعم از: عمومی، دولتی و خصوصی را مورد حمایت قرار داده و برای تجاوز کننده گان بر آن، مجازات تعیین نموده است. جرایم ضد اموال، در باب نهم کود جزا، در هشت فصل و ۵۴ ماده (مواد ۶۹۹ تا ۷۵۲) تنظیم گردیده است. جرایم مذکور شامل سرقت، غصب و نهب اموال منقول (فصل اول)، غصب زمین و اموال غیر منقول (فصل دوم)، خیانت در امانت (فصل سوم)، فریبکاری (فصل چهارم)، اخفای اشیای ناشی از جرم (فصل پنجم)، جرایم علیه آثار تاریخی یا فرهنگی (فصل ششم)، تجاوز بر حقوق ملکیت های فکری (فصل هفتم)، و جرایم تخریب، اتلاف و انتقال (فصل هشتم) می باشد. بحث در مورد تمام جرائم ضد اموال از حوصله این جزوه آموزشی خارج است، لذا جزوه حاضر به جرایم سرقت و غصب - که به اساس نتایج نیاز سنجی، در صدر نیاز های مساعدین حقوقی، خارنوال و قضات قرار گرفته، اختصاص داده شده است.

## مبحث دوم: تعریف سرقت:

نظر به فقره (۲) ماده ۶۹۹ کود جزا، هرگاه در جرم سرقت شرایط اقامه حد تکمیل نگردد<sup>۱</sup> یا به نحوی از انحا جزای حد سرقت ساقط شود، مرتکب تعزیراً مطابق احکام این فصل مجازات می‌گردد. نظر به اینکه موضوع جزوه آموزشی حاضر، بحث روی جرایم تعزیری می‌باشد، لذا ابتداء تعریف سرقت در کود جزا را بیان و سپس آن را با تعریف سرقت در قانون جزای ۱۳۵۵ مقایسه خواهیم نمود.

## گفتار اول: تعریف سرقت در کود جزا:

ماده ۶۹۹ کود جزای ۱۳۹۶، سرقت را چنین تعریف کرده است: «سرقت عبارت است از گرفتن مال منقول ملکیت غیر، بدون رضایت به مقصد تملک.»

۱ - هرچند قضات و حارنوالان کشور، مفهوم و حکم این ماده کود جزا را همواره به خاطر دارند، با آن هم، از باب تذکر و تقریب موضوع در اذهان خواننده گان محترم، قابل یادآوری میدانم که: فقهاء سرقت مستوجب حد را چنین تعریف نمودند که: «هِيَ أَخْذُ مُكَلَّفٍ خُفِيَةً قَدْرَ عَشْرَةِ دَرَاهِمٍ مَضْرُوبَةٍ مُحَرَّرَةٍ بِمَكَانٍ أَوْ حَافِظٍ» ، سرقت عبارت است از گرفتن مالی که ارزش آن ده درهم شرعی باشد، بطور خفیه از مکان محفوظ توسط شخص مکلف.

قیود یا مشخصات اساسی این تعریف:

۱. نحوه گرفتن مال: مال باید بطور خفه گرفته شده باشد. گرفتن مال غیر بطور آشکار، از دید فقهاء، سرقت نیست.
۲. ارزش مال گرفته شده: ارزش مال مسروقه باید ده درهم شرعی باشد؛ یک درهم شرعی مساوی به ۲'۹۷۵ گرام نقره، و ده درهم مساوی به ۲۹'۷۵۰ گرام نقره (تقریباً سی گرام) می‌شود، حد اوسط قیمت فی گرام نقره در بازارهای جهانی ۰,۶۰ دالر، یعنی در حدود چهل و پنج افغانی می‌باشد که در مجموع قیمت ده درهم شرعی (نصاب جرم سرقت) مساوی به ۱۳۳۹ افغانی، می‌شود، به این معنی که اگر قیمت مال مسروقه، کمتر از مبلغ مذکره باشد، گرفتن همچون مالی از دیگاه فقهاء، سرقت مستوجب حد نیست.
۳. محلی که مال از آنجا گرفته شده است: محلی که مال از آنجا گرفته شده است باید مصون باشد، بنابراین، اگر مال از محلی که مصون نیست و نگهبانی بر آن وجود ندارد، گرفته شده باشد، این عمل از دیگاه فقهاء، سرقت مستوجب حد نیست.
۴. شخصی که مال را گرفته است: مرتکب باید مکلف باشد، یعنی عاقل و بالغ باشد. بنابراین، ارتکاب این عمل توسط صغیر یا مجنون، از این حکم خارج است.

بناء هرگاه ارتکاب جرم سرقت، به نحوی صورت گیرد که در تعریف فقهاء گنجانیده شده و فقهاء آنرا مستوجب حد خوانده اند، چنین نوع رفتار جرمی سرقت تعزیری دانسته نشده و رسیدگی به آن طبق کود جزا صورت نخواهد گرفت.

قیود تعریف: قیود تعریف فوق شامل (گرفتن، مال بودن مسروقه، منقول بودن مال، ملکیت غیر بودن مال، عدم رضایت صاحب مال و گرفتن مال به قصد تملک) می‌باشد، که هر یک را در زیر توضیح می‌دهیم:

- ۱- گرفتن: گرفتن، فعل است و از همین رو، سرقت از جمله جرایم ارتكابی محسوب می‌شود. گرفتن یکی از عناصر مادی و تشکیل دهنده جرم سرقت می‌باشد که در محلش راجع به آن بحث خواهیم کرد.
- ۲- مال بودن مسروقه: مطابق ماده ۴۷۲ قانون مدنی، مال عبارت است از عین و یا حقی که نزد مردم قیمت مادی داشته باشد. بنابراین، اشیایی که قیمت مادی ندارد، موضوع جرم سرقت بوده نمی‌تواند.
- ۳- منقول بودن مال: اموال غیر منقول، موضوع جرم سرقت واقع نمی‌شود.
- ۴- ملکیت غیر بودن مال: اگر ثابت شود که مال گرفته شده، ملکیت خود مرتکب بوده یا ملکیت هیچ شخصی در آن ثابت نیست، این عمل، سرقت محسوب نمی‌شود.
- ۵- بدون رضایت: گرفتن مال منقول ملکیت غیر به مقصد تملک با رضایت او، سرقت محسوب نمی‌شود.
- ۶- به قصد تملک: گرفتن مال منقول ملکیت غیر، بدون رضایت او به مقصد استعمال یا مقاصد دیگری غیر از تملک، سرقت محسوب نمی‌شود، اما ناگفته نباید گذاشت که درین راستا طی مطالب بعدی جزئیات بیشتری ارائه خواهد شد.

### گفتار دوم: تعریف سرقت در قانون جزا:

با وجود اینکه قانون جزای ۱۳۵۵ توسط کود جزا، ملغی گردیده است و نیازی به مراجعه به احکام آن نیست، اما در اینجا تعریف سرقت از دیدگاه قانون مذکور را بخاطر مقایسه با تعریف سرقت در کود جزا، و فهم بهتر سرقت، ذکر می‌کنیم. سرقت در فقره دوم ماده ۴۵۴ قانون جزای ۱۳۵۵، چنین تعریف



شده بود: «به مقصد این قانون، شخصی که مال منقول و متقوم ملکیت غیر را بطور خفیه بگیرد، سارق شمرده میشود.»<sup>۱</sup>

قیود تعریف: تعریف سرقت در قانون جزای ۱۳۵۵ نیز دارای قیودی می‌باشد، و در اینجا فقط قیودی را ذکر می‌کند که در تعریف سرقت در کود جزای ۱۳۹۶ ذکر نشده است.

۱- متقوم بودن مال: اصطلاح متقوم، یک اصطلاح فقهی است که مفهوم آن نیز در کتب فقه بیان شده است؛ مال متقوم عبارت از مالی است که دارای ارزش مالی بوده و استفاده‌ی آن جواز داشته باشد<sup>۲</sup>، و به تعبیر دیگر؛ مال متقوم آن است که دارای ارزش مالی بوده و تلف کردن آن مستوجب ضمان باشد<sup>۳</sup>. بنابراین، مالی که استفاده از آن جواز ندارد، غیر متقوم بوده و موضوع جرم سرقت قرار نمی‌گیرد، مانند شراب، گوشت حیوان خود مرده و امثال آنها.

۲- گرفتن مال بطور خفیه: منظور از خفیه بودن درینجا (قانون جزا) و در مجموع در حقوق جزا در موضوع سرقت، غافلگیری و پنهان کاری سارق است، نه اینکه اگر مال بطور خفیه گرفته نشود، سرقت دانسته نمی‌شود، چون دیده می‌شود که قانون جزا سرقت با اکراه را نیز " سرقت " گفته است، در حالیکه ممکن نیست سرقت با اکراه به طور خفیه صورت گیرد.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> - قانون جزا، جریده رسمی شماره ۳۴۷ سال ۱۳۵۵، نشر وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان

<sup>۲</sup> - البورنو، محمد صدقی، موسوعة القواعد الفقهية، انتشارات التوبة، ریاض، چاپ اول ۱۹۹۷م، ج ۱، ص ۹۸..

<sup>۳</sup> - بدائع الصنائع، ج ۷، ص ۱۷. فتح القدیر، ج ۴، ص ۲۳۰

<sup>۴</sup> - برخی از استادان حقوق در رابطه به شرط مخفی بودن سرقت چنین گفته اند: اگرچه مخفیانه و پنهانی بودن جزء شروط مقرر قانونی برای سرقت شمرده شده است، لیکن قید پنهانی بودن ممکن است سرقت هایی که به صورت کاملاً آشکارا و در علن صورت می‌گیرند را از شمول سرقت خارج نماید.

لیکن حقوقدانان پنهان بودن را اینگونه تفسیر کرده اند که سرقت بدون آگاهی و رضایت صاحب مال صورت گرفته باشد و مرتکب با توسل به پنهان کاری اقدام به سرقت اموال دیگری نموده باشد. <https://www.talebilawyer.ir/۲۰۱۷/۰۱/۲۳> /سرقت/

### مبحث سوم: عناصر جرم سرقت:

چنانچه قبلاً اشاره شد، سرقت از جمله جرایم حدود بوده و نظر به ماده ۲ کود جزا، جرایم حدود نخست از دیدگاه فقه حنفی بررسی می‌شود؛ در صورتی که شرایط اقامه حد تکمیل باشد، مرتکب مطابق احکام فقه حنفی مجازات می‌گردد. هرگاه در جرم سرقت شرایط اقامه حد تکمیل نگردد یا به نحوی از انحا جزای حد سرقت ساقط شود، مرتکب تعزیراً مطابق احکام فصل اول باب نهم کتاب دوم کود جزا، مجازات می‌گردد. (ماده ۶۹۹ کود جزا)

شرایط اقامه حد سرقت، و حالاتی که جزای حد سرقت ساقط می‌شود، در کتب فقه حنفی به تفصیل بیان شده است، و خواننده می‌تواند به آنها مراجعه کند.<sup>۱</sup> نظر به اینکه جزوه حاضر، به شرح و تحلیل کود جزا اختصاص داده شده و جرایم تعزیری را مورد بحث قرار می‌دهد، بنابراین، در سطور بعدی، عناصر جرم سرقت (تعزیری) را فقط از دیدگاه کود جزا، بحث خواهیم نمود:

جرم سرقت دارای سه عنصر (قانونی، مادی و معنوی) می‌باشد که هر یک را در گفتارهای جداگانه بحث خواهیم کرد.

### گفتار اول: عنصر قانونی جرم سرقت:

عنصر قانونی جرم عبارت از تصریح عمل جرمی و جزای معین آن در کود جزا می‌باشد.<sup>۲</sup> هیچ عملی جرم شمرده نمی‌شود مگر اینکه کود جزا عمل مذکور را قبل از ارتکاب آن، جرم شمرده باشد، و هیچ جزایی را نمی‌توان تطبیق نمود مگر اینکه در کود جزا تصریح شده باشد.<sup>۳</sup> جرم بودن سرقت در مواد

<sup>۱</sup> - علاوه بر کتب فقهی مذاهب رایج و متعارف اسلامی، برای معلومات اختصاصی، و مقایسه وی بیشتر، علاقه مندان میتوانند به نوشته‌های معاصر ذیل نیز مراجعه نمایند: ابوزهره، محمد، الجریمة والعقوبة فی الفقه الاسلامی، ص ۲۸۰-۲۹۱، دار الفکر العربی، القاهرة، العوده، التشریح الجنائی الاسلامی مقارناً بالقانون الوضعی، ص: ۷۷۰-۷۸۱، دار الکاتب العربی، بیروت. نجیب حسنی، التشریح الجنائی الاسلامی، ص ۳۵ و ۳۴۷، (نسخه پی دی ایف، بدون غلاف).

<sup>۲</sup> - ماده ۳۲ کود جزا.

<sup>۳</sup> - فقره‌های (۱) و (۲) ماده ۷ کود جزا.

۶۹۹ تا ۷۱۰ کود جزا تصریح گردیده و جزای آن نیز معین شده است. بنابراین گفته می‌توانیم که عنصر قانونی جرم سرقت، مواد ۶۹۹ تا ۷۱۰ کود جزا می‌باشد.

### گفتار دوم: عنصر مادی جرم سرقت:

با اشاره به تعریف عنصر مادی جرم در بخش عام کود جزا، میتوان گفت که: اجزای عنصر مادی جرم سرقت شامل فعل، موضوع فعل، کیفیت فعل (عدم رضایت مالک)، نتیجه و رابطه سببیت می‌شود؛ قابل ذکر است که برخی از امور در شکل گیری عنصر مادی جرم سرقت تأثیر گذار نیست ولی ممکن سبب تحقق حالات مشدده جرم سرقت گردد مانند شخصیت فاعل و تعداد آنها، محل ارتکاب جرم سرقت، زمان ارتکاب جرم سرقت، وسایل استفاده در جرم سرقت، نحوه ارتکاب جرم سرقت. بنابراین، ذیلاً نخست اجزای عنصر مادی را مورد بررسی قرار می‌دهد سپس موضوعاتی را که از اجزای عنصر مادی پنداشته نمی‌شوند.

### مطلب اول: اجزای عنصر مادی جرم سرقت:

#### الف: رفتار جرمی سرقت:

رفتار جرمی در جرم سرقت، گرفتن است؛ گرفتن مال منقول ملکیت غیر بدون رضایت او به مقصد تملک. کود جزای افغانستان کلمه "گرفتن" را بطور مطلق و بدون قید، ذکر کرده است، بنابراین، گرفتن مال ملکیت غیر بدون رضایت او به مقصد تملک، بطور خفیه یا بطور آشکار، سرقت شمرده می‌شود، اما در قانون جزای ۱۳۵۵ افغانستان فعل گرفتن با قید "خفیه" ذکر شده بود. همچنان انتقال مال از حیازت مالک آن به حیازت شخص دیگر، از لوازم گرفتن است، بنابراین، سرقت، تجاوز بر ملکیت و حیازت است. معیار در اخراج مال از حیازت مالک؛ خاتمه دادن به تسلط و تصرفات مالکانه‌ی اوست، و معیار در انتقال مال در حیازت خود سارق یا شخص دیگر؛ تسلط یافتن حائز جدید و راه یافتن او به تصرف در آن است که از مقتضیات حیازت مال باشد؛ یعنی بتواند در مال مذکور تصرف مالکانه و آزادانه داشته باشد. شرط نیست که مال مسروقه برای دائم یا مدت طولانی در حیازت سارق قرار داشته باشد، بلکه با قرار گرفتن مال ولو برای مدت کم، تحقق می‌یابد، به عبارت دیگر، حیازت و تسلط فعلی

سارق در سرقت شرط تحقق سرقت نیست، بلکه ممکن است سرقت با اخراج مال از حيازت صاحب مال، نظر به تعريف سرقت، تحقق يابد و تسلط دائمی او شرط نیست، در حالاتی هم ممکن است سارق بعد از سرقت مال را تلف نماید، اما اگر مال از حيازت مالک خارج و در حيازت سارق ولو برای مدت کم، قرار نگیرد، عمل وی جرم سرقت محسوب نمی شود.

برخی از دانشمندان حقوق باتايد اين مطلب چنین گفته اند که: مجرد گرفتن مال و اخراج آن از حيازت مالک، بدون اینکه تحت حيازت جدیدی قرار گیرد، سرقت پنداشته نمیشود، مانند اینکه کسی پرنده یا حیوانی را از قفس یا بند آزاد سازد، یا اینکه مالی را طوری در همان جای آن تخریب و تلف سازد، که قابلیت تحت حيازت قرارداد را از دست بدهد، پس در این صورت سرقت پنداشته نمیشود. اما اگر عملی را انجام دهد که از مقتضیات حيازت بوده و به نحوی اعمال تصرف و سلطه پنداشته شود، در آن صورت سرقت نامیده خواهد شد، مانند اینکه شخصی داخل فروشگاه گردیده و مواد خوراکی را بدون رضایت مالک آن برداشته و بخورد، و یا آنرا به حیوانی بدهد.<sup>۱</sup>

### فعالیت شماره (۱)

#### قضایای فرضی با سوالات مباحثی:

(۱) شخصی یک سیت موبایل (تلفون همراه) را بطور خفیه و بدون رضایت دکاندار، به مقصد تملک از داخل دکان گرفت و آنرا در بازار به فروش رساند و پولش را مصرف کرد، از اینکه دکان مجهز با کمره‌های مخفی بود بعد از چند روز، سارق گرفتار و تحت تعقیب عدلی قرار گرفت.

(۲) شخصی یک سیت موبایل را بطور خفیه و بدون رضایت دکاندار، به مقصد تملک از داخل دکان گرفت، وقتی از دکان برون می شد، صاحب دکان از قضیه آگاه شد و به تعقیبش دوید، سارق موبایل را روی زمین انداخت و فرا کرد، و بالاخره گرفتار و تحت تعقیب عدلی قرار گرفت.

<sup>۱</sup> - نجیب حسنی ۸۴۰/۲.

(۳) شخصی سوار موتر ملی بس بوده و به مقصد سرقت، پول‌های خانمی را از کیفش بر می‌دارد، اما همین‌که متوجه می‌شود که شخصی دیگری از راکبین ملی بس وی را دیده و به جرم وی پی برده است، پول دزدیده شده را در جیب مسافر دیگری می‌اندازد، مرتکب گرفتار و تحت تعقیب عدلی قرار می‌گیرد.

(۴) شخصی می‌خواست یک پایه گلدانی که با آب طلا ملمع شده بود از داخل دکان بدزدد، گلدان هنگام گرفتن به زمین افتید و شکست، شخص فرار کرد و دکاندار و مردم به تعقیب او دویدند، او گرفتار و تحت تعقیب عدلی قرار گرفت.

(۵) شخصی می‌خواست پرنده‌ای قیمت بهایی را از داخل قفس بدزدد، هنگامی که دروازه قفس را باز کرد، پرنده پرید و رفت، شخص گرفتار و تحت تعقیب عدلی قرار گرفت.

#### سوالات:

یکم: در کدام یک از قضایای فوق، مال در حیازت مرتکب قرار گرفته است؟

دوم: وصف جرمی هریک از قضایای فوق را تشخیص کنید؟

#### پاسخ‌های احتمالی فعالیت شماره (۱)

پاسخ یکم: در قضایای شماره (۱، ۲ و ۳) مال از حیازت مالک خارج و در حیازت سارق در آمده است، با وجود اینکه مال مسروقه در قضایای شماره (۲ و ۳) به مدت بسیار کم نزد سارق قرار داشت، زیرا زیاد بودن زمان حیازت، شرط تحقق سرقت نیست.

در قضیه (۴) و (۵) مال در حیازت مرتکب داخل نشده است.

پاسخ دوم: وصف جرمی قضایای (۱)، (۲) و (۳) سرقت است.

قضایای (۴) و (۵) دو وصف جرمی بخود می‌گیرد: ۱- شروع به جرم سرقت (ماده ۴۷ ک.ج) . ۲- جرم تخریب و اتلاف (مواد ۷۴۹ و ۷۵۰ ک.ج).

نظر شما راجع به این پاسخ چیست؟

نوت:

سپردن مال در حکم گرفتن مال نیست؛ هرگاه شخصی مال منقول ملکیت خود را به دیگری بطور قرض، امانت، عاریت یا اجارت بسپارد، اما شخص گیرنده آنرا بدون رضایت مالک، به مقصد تملک، مخفی کند و به مالکش بر نگرداند، اینگونه رفتار، وصف جرمی سرقت را ندارد، بلکه وصف جرمی دیگری را به خود می‌گیرد.

**ب: موضوع جرم سرقت:**

موضوع جرم، چیزی است که جرم بالای آن واقع می‌شود. نظر به فقره (۱) ماده ۶۹۹ کود جزا، فقط مال منقول، که ملکیت غیر باشد موضوع جرم سرقت قرار گرفته می‌تواند. بنابراین، اموال غیر منقول یا منافع، و یا اموال منقول ملکیت خود انسان، نمی‌تواند موضوع جرم سرقت قرار گیرد. شرح جزئیات مربوط به موضوع جرم سرقت (مال منقول) قرار زیر است.

**فرع اول: تعریف مال:**

طبق تعریف سرقت، موضوع سرقت باید مال باشد، با وجود اینکه، مفاهیم مدنی در مجموع از مفاهیم جزایی کاملاً جدا می‌باشد ولی در جرایم علیه اموال به دلیل آنکه، رفتار مجرمانه مرتکب، موجب ضرر مالی بر مجنی علیه می‌شود، ارتکاب جرم، پیوندی با مال پیدا می‌کند. از این جهت قاضی در بررسی وقایع جرمی مرتبط به نقض یک رابطه مالی (جرایم علیه اموال) نیازمند مراجعه به حقوق مدنی است ازینرو در ارتکاب سرقت نیز، برای شناسائی "مال" بودن یا نبودن شیء سرقت شده، باید با به تعریف

مال در قانون مدنی افغانستان نگاه کرد. طبق ماده ۴۷۲ قانون مدنی: «مال عبارت است از عین و یا حقی که نزد مردم قیمت مادی داشته باشد.» از این تعریف فهمیده می‌شود که مال دارای دو عنصر می‌باشد: ۱- عین دارای قیمت مادی، و ۲- حق دارای قیمت مادی.

۱- عین چیزی است که قابلیت لمس را داشته باشد، مانند پول نقد، زیورات، ساعت، موبایل، لپ تاپ، موتر، تیل، گاز، آب<sup>۱</sup> و امثال آنها. اعیان می‌توانند جامد، مائع یا گاز باشند. بنابراین، هر عینی که قیمت مادی داشته باشد، موضوع جرم سرقت واقع شده می‌تواند.<sup>۲</sup>

۲- حق: «حق عبارت از امتیازی است که قانون در اختیار شخص قرار داده و آنرا از طرق گوناگون تضمین کرده است»<sup>۳</sup>. حق به مالی و غیر مالی تقسیم می‌شود؛ حق مالی آن است که اجرای آن مستقیماً برای دارنده، ایجاد منفعتی نماید که قابل تقویم به پول باشد، مانند حق چاپ کتاب که مستقیماً برای مؤلف آن ارزش پولی دارد. حق غیر مالی آن است که اجرای آن نفعی که مستقیماً قابل تقویم به پول باشد، ایجاد نمی‌کند، مانند حقوق ارتفاق<sup>۴</sup>. حق غیر مالی، موضوع سرقت قرار نمی‌گیرد. برای مثال: کسی که نوبت استفاده از آب (حق حقابه) دیگری را بدون رضایت او می‌گیرد، سارق شمرده نمی‌شود. در موارد دیگری نیز، گاهی هم حق مالی، مورد تعدی قرار می‌گیرد، مانند این که شخصی بدون رضایت مؤلف، کتاب او را چاپ و به فروش می‌رساند، اما در این حالت وی سارق محسوب نمی‌شود، بلکه قانون‌گذار این عمل را وصف جرمی دیگری غیر از سرقت، یعنی "تجاوز بر حقوق ملکیت های فکری" داده است.

- افکار: افکار، موضوع جرم سرقت واقع نمی‌شود؛ اگر شخصی افکار و نوشته های شخصی دیگری را به خود نسبت بدهد یا از فنون هنری دیگری چون میناتوری و غیره استفاده نماید،

<sup>۱</sup> - آب جوی یا دریا، موضوع جرم سرقت واقع شده نمی‌تواند بخاطری که در حیازت شخص معینی نیست، اما اگر کسی آب را ذخیره نموده یا آنرا در داخل یک ظرف تحت حیازت خود قرار دهد، در آنصورت موضوع جرم سرقت قرار گرفته می‌تواند.

<sup>۲</sup> - حسنی، نجیب، شرح قانون العقوبات المصری، ص ۸۱۳-۸۱۴

<sup>۳</sup> - ثقت الاسلام، محی الدین، معمار و قانون، ص ۲۱، چاپ اول ۱۳۹۲، ناشر: البرز فردانش

<sup>۴</sup> - همان، ص ۲۲-۲۳

عمل او وصف جرمی سرقت را ندارد، اما گرفتن کتابی که همان شخص افکارش را در آن درج نموده است، بدون رضایت او و به مقصد تملک به خود بگیرد، سرقت محسوب می‌شود.

- منافع: منافع، موضوع جرم سرقت قرار نمی‌گیرد؛ اگر کسی بدون پرداخت کرایه، از چوکی موتر سرویس شهری استفاده نماید، یا مواد غذایی خود را بالای اجاق دیگری گرم کند، یا نوشابه خود را در یخچال دیگری برای سرد شدن، بدون رضایت آنها بگذارد، عمل او، سرقت شمرده نمی‌شود.<sup>۱</sup>

خلاصه اینکه؛ حقوق، افکار و منافع، موضوع جرم سرقت قرار نمی‌گیرد، مگر اینکه به اشیای مادی تعلق بگیرد، طوری که منبع حصول اشیای مادی، یا وسیله اثبات آن قرار بگیرد، در آنصورت، موضوع جرم سرقت قرار می‌گیرد، مانند امتیاز انترنت، کریدت خدمات مخابراتی، چک، چاپ کتاب و امثال آنها.

فرع دوم: اشیایی که حقوق مالی بر آنها مرتب می‌شود:

در رابطه به اشیایی که حقوق مالی بر آنها مرتب می‌شود، مواد ۴۷۳، ۴۷۴ و ۴۷۵ قانون مدنی چنین تصریح می‌کند:

ماده ۴۷۳: «اشیایی که بمقتضای طبیعت و یا بحکم قانون مورد داد و ستد قرار گیرد، حقوق مالی بر آن مرتب شده می‌تواند».

ماده ۴۷۴: «اشیایی که بمقتضای طبیعت مورد داد و ستد قرار گرفته نتواند عبارت از اشیایی است که هیچ شخصی نمی‌تواند حیات آنرا بخود اختصاص دهد.» مانند شعاع آفتاب، آکسیجن هوا، انسان، اعضای بدن و خون او و امثال اینها. اما اگر قانون، داد و ستد همچو اشیا را جواز بدهد؛ مانند جواز ذخیره کردن شعاع آفتاب و آکسیجن هوا و تحت حیات قرار داد آن، یا ذخیره کردن خون انسان در بانکها و فروش آن. در اینصورت، حقوق مالی بر آن مرتب می‌شود، و مفاد ماده ۴۷۳ بر آن صدق می‌کند، و موضوع جرم سرقت نیز قرار گرفته می‌تواند. بنابراین، اگر کسی شعاع آفتاب ذخیره شده یا

<sup>۱</sup> - حسنی، نجیب، شرح قانون العقوبات المصری، ص ۸۱۷.



آکسیجن ذخیره شده‌ی غیر را بدون رضایت او به مقصد تملک بگیرد، عمل او سرقت محسوب می‌شود.

ماده ۴۷۵: «اشیایی که بحکم قانون مورد داد و ستد قرار گرفته نمی‌تواند عبارت از اشیایی است که حقوق مالی بر آن قانوناً مرتب شده نمی‌تواند.»

بنا برآن، هر چیزی که از نظر شرع و قانون و عرف مردم قابل تقویم به پول بوده و نزد مردم مورد مبادله و داد و ستد قرار گیرد، مال دانسته شده و بالتبع، موضوع جرم سرقت قرار نیز گرفته می‌تواند.

به عبارت دیگر، مراد از مال درینجا هر آنچه است که محل حق عینی قرار گرفته و قابلیت تملک را داشته باشد، و چنانچه قبلاً اشاره شد، در تعریف مال تفاوتی در دیدگاه قانون مدنی و جزائی دیده می‌شود، زیرا از دیدگاه قانون مدنی آنچه که قانوناً قابل تداول و معامله نباشد، هیچگونه حقوق مالی بر آن مرتب نمی‌گردد، اما از دیدگاه حقوق جزاء، همچو اموالی هرچند قابلیت تملک برای افراد را نداشته باشد، اما دولت بالای آنها حق ملکیت داشته و سرقت آنان جرم پنداشته می‌شود، مانند سرقت اسلحه و یا مواد مخدر. یعنی لازم نیست که حیازت مال مسروق از نظر قانونی مباح باشد، بلکه ممکن است حیازت آن از نظر قانون جرم باشد، در این صورت اگر این گونه اموال متعلق به غیر باشد، سرقت قابل تحقق است، مانند سرقت سلاح غیر قانونی.

نکته: چیزی که وصف مال را به خود نمی‌گیرد، موضوع جرم سرقت واقع نمی‌شود؛ پنهان نمودن طفل یا اختطاف او، وصف جرمی سرقت نه، بلکه وصف جرمی دیگری را به خود می‌گیرد.

### فعالیت شماره (۲)

قضایای فرضی با سوالات مباحثوی:

(۱) شخصی که در خانه اش انرژی برق دولتی وصل نیست، از طرف شب یک لین را به کیبل برق عمومی یا به لین برق همسایه - بدون آگاهی او - وصل می‌کند و تا صبح از انرژی برق استفاده می‌نماید.

(۲) شخصی که در خانه اش انرژی برق دولتی وصل است و استفاده گزاف می‌کند، اما قبل از میتر خوانی، امپیر میتر را عقب می‌راند تا مصرف را کم نشان دهد.

(۳) شخصی که نل آب دولتی در خانه اش وصل است و از آن استفاده گزاف می‌کند، اما قبل از میتر خوانی امپیر میتر را عقب می‌راند تا مصرف را کمتر نشان دهد.

سوال: در کدام یک از قضایای فوق، جرم سرقت واقع شده است، و موضوع آن چیست؟

پاسخ‌های احتمالی فعالیت شماره (۲)

در قضیه شماره (۱) جرم سرقت واقع شده است، و موضوع آن عین دارای قیمت مادی می‌باشد، زیرا انرژی برق قابلیت حیات و انتقال را دارد. اما در قضایای شماره (۲) و (۳)، جرم سرقت واقع نشده است، زیرا استفاده از انرژی برق در قضیه (۲) و استفاده از آب در قضیه (۳) به اساس یک اتفاق صورت گرفته است، اما مستهلک آنرا بر خلاف توافق، استفاده کرده است. این عمل سرقت نبوده بلکه وصف جرمی دیگر را بخود می‌گیرد. (نجیب محمود حسنی، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، ص ۸۱۴-۸۱۵)

### فعالیت شماره (۳)

سوال مباحثی:

آیا اشیایی چون امتیاز انترنت، کریدت خدمات مخابراتی، ATM کارت، چک و امثال آنها، موضوع جرم سرقت واقع شده می‌توانند؟ اگر جواب شما بلی باشد، آیا موضوع آن جرایم اعیان دارای قیمت مادی هستند یا حقوق دارای قیمت مادی؟

پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۳)

اشیای مندرج سوال مباحثی فعالیت شماره (۳) موضوع جرم سرقت، واقع شده می‌توانند. اشیای مذکور حقوق دارای قیمت مادی هستند.

### نظر شما راجع به این پاسخ چیست؟

#### فرع سوم: مادی بودن یا محسوس بود مال:

کلمه "مال" غالباً این ذهنیت را ایجاد می‌نماید که مال مذکور باید دارای وجود محسوس بوده قابلیت لمس را داشته باشد، خواه جامد باشد یا مایع. سوال قابل طرح این است که آیا برق شی مادی است و موضوع جرم سرقت قرار می‌گیرد یا خیر؟ در گذشته، این تردید بین حقوقدانان وجود داشت، و از همین رو به دو گروه مخالف و موافق تقسیم گردیدند؛ در نظام حقوقی فرانسه و ایتالیا رویه بر این است که "نیروی برق می‌تواند موضوع سرقت قرار گیرد"<sup>۱</sup>. در آلمان، مطابق قانون خاص (۹ اپریل سال ۱۹۰۰ میلادی) برق، موضوع سرقت قرار می‌گیرد.<sup>۲</sup> دادگاه‌های انگلستان در یکی از پرونده‌های که در سال ۱۹۷۵ هـ.ش مورد تصمیم‌گیری قرار گرفت، برق را "مال" محسوب نکرده، و در نتیجه، آن را قابل دزدیدن ندانستند.<sup>۳</sup> اما این دیدگاه بعداً تغییر یافته و قانونگذاران این کشور، طبق ماده دهم "قانون سرقت" ۱۹۱۶ میلادی، سرقت نیروی برق را نوعی از انواع سرقت پذیرفتند.<sup>۴</sup>

در نظام حقوقی مصر، برق، می‌تواند موضوع جرم سرقت قرار گیرد، زیرا نیروی برق، تحت تصرف تولیدکننده آن بوده و خود می‌تواند آنرا طور دلخواه استفاده و یا تحت تصرف دیگران قرار دهد، بناءً بر قابلیت ملکیت و حیازت را دارا بوده و ممکن است از جای به جای دیگری و از حیازتی به حیازت دیگری انتقال یابد، ازین رو قابلیت سرقت را پیدا خواهد کرد. محکمه تمیز مصر در یکی از فیصله‌هایش چنین حکم نموده است: اصطلاح "منقول" نیروی برق را نیز شامل می‌شود، زیرا مراد از منقول

<sup>۱</sup> - محمودی جانکی، فیروز، رهنمود ماکس پلانگ برای حقوق جزای اختصاصی افغانستان، ۱۳۹۱ ص ۱۶۳. و جندی، عبد الملک بک، الموسوعه الجنائیه ج ۴ ص ۲۰۴ به نقل از احکام صادره ی محاکم فرانسه از جمله محکمه Troyes بلتان و دیگر

<sup>۲</sup> - جندی، عبد الملک بک، الموسوعه الجنائیه ج ۴ ص ۲۰۴ به نقل از احکام صادره ی محاکم فرانسه از جمله محکمه Troyes بلتان و دیگر

<sup>۳</sup> - صادقی، حسین میر محمد، جرایم علیه اموال و مالکیت جاب چهل و سوم، نشر میزان، ۱۳۹۴، ص ۲۵۴

<sup>۴</sup> - جندی، عبد الملک بک، الموسوعه الجنائیه، الجزء الرابع ص ۲۰۴

هر آن چیزی است که دارای قیمت مادی بوده، قابلیت تملک، حيازت و انتقال را داشته باشد، و برق نیز این خصوصیات را دارا است.<sup>۱</sup>

در نظام حقوقی افغانستان، بر خلاف این تردید که در بالا از آن یاد شد - قانون جزای ۱۳۵۵ برق، آب، و گاز را به حیث اموال مادی قابل سرقت، پیش بینی نموده و ماده ۵۱۸ قانون جزا<sup>۲</sup> ملاک عمل خوبی برای محاکم بود، در کود جزا نیز "اخذ غیر مجاز برق، گاز و آب" جرم در حکم سرقت، و مرتکب آن، قابل مجازات شناخته شده است. (بند ۲ ماده ۷۰۱ ک.ج)، بنا برآن، "گرفتن غیر مجاز نیروی برق رفتار مجرمانه، و قابل مجازات بر اساس احکام وضع شده در مورد سرقت است ولی نکته قابل دقت در این مورد، "گرفتن" غیر مجاز نیروی برق قبل از وارد شدن برق به میتر است "ولی اگر کسی که اجازه استفاده از نیروی برق را دارد، با دستکاری در کنتور خود، باعث شود که مبلغ کمتری به عنوان هزینه برق مصرفی به حساب وی منظور شود.. و برخلاف مقررات اداره برق، برای گریز از پرداخت حق انشعاب"<sup>۳</sup> به صورت غیر مجاز میتر را دستکاری می کند عنصر مادی "گرفتن" جرم سرقت تحقق پیدا نکرده است و رفتار شخص را نمی توان سرقت شمرد.

البته توجیه این نظریه قانونی (قابل سرقت بودن برق) چنین خواهد بود که ازینکه نیروی برق تحت تصرف تولید کننده آن بوده و خود میتواند آنرا طور دلخواه استفاده و یا تحت تصرف دیگران قرار دهد، بناء قابلیت ملکیت و حيازت را دارا بوده و ممکن است از جای به جای دیگری و از حيازتی به حيازت دیگری انتقال یابد، ازین رو قابلیت سرقت را پیدا خواهد کرد، که به تایید این نظریه محکمه تمیز مصر در یکی از فیصله هایش چنین حکم نمودند که: اصطلاح "منقول" نیروی برق را نیز شامل میگردد، زیرا

<sup>۱</sup> حسنی، نجیب، ۸۱۵/۲

<sup>۲</sup> ماده ۵۱۸ قانون جزا: "شخصی که عمداً برق، گاز، آب، پیداوار معادن و یا اشجار جنگلات را بدون استیذان مقامات صلاحیتدار تصاحب یا تصرف مالکانه نماید این عمل وی در حکم سرقت بوده مرتکب علاوه بر رد مال یا قیمت مثل آن به حبسی که از دو سال بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از بیست و چهار هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می گردد".

<sup>۳</sup> صادقی، حسین میر محمد، جرایم علیه اموال و مالکیت جاپ چهل و سوم، نشر میزان، ۱۳۹۴، ص ۲۵۴

مراد از منقول هر آن چیز است که دارای قیمت مادی بوده، قابلیت تملک، حيازت و انتقال را داشته باشد، و برق نیز همه این خصوصیات را دارا میباشد.<sup>۱</sup>

بنابراین اگر شخصی لین برق خود را به لین برق عمومی و یا لین دیگری وصل، و بدون اینکه قیمت آنرا بپردازد از برق مذکور استفاده مینماید، و یا هم بدون اجازه همسایه لین برق خود را به لین برق همسایه وصل نموده و برقی را استفاده مینماید که پول آنرا همسایه میپردازد، در همه این حالات سارق برق دانسته میشود.<sup>۲</sup>

#### فعالیت شماره (۴)

##### سوال مباحثوی:

سرقت، غصب، فریبکاری، خیانت در امانت، احتکار، اختطاف و غیره ... وصف های جرمی مشخصی هستند و بر مبنای تعریف و عناصر، شناسایی می شوند.

به نظر شما آیا اصطلاحاتی چون «در حکم سرقت»<sup>۳</sup>، «در حکم غصب»<sup>۴</sup>، «در حکم خیانت در امانت»<sup>۱</sup>، «در حکم احتکار»<sup>۲</sup> می تواند وصف جرمی مشخصی را بسازد؟ یا بهتر این بود که اگر وصف

<sup>۱</sup> حسنی، نجیب، ۸۱۵/۲

<sup>۲</sup> - نجیب حسنی ۸۱۶/۲، صادقی حسین میر محمد، جرایم علیه اموال و مالکیت، ص ۲۵۴، چاپ ۴۳، میزان ۱۳۹۴،

<sup>۳</sup> - فقره (۲) ماده ۷۰۱ کود جزا.

<sup>۴</sup> - ماده ۷۱۹ کود جزا.

سرقت، غصب، خیانت در امانت یا احتکار، بر اعمال متذکره صدق نمی‌کرد، قانونگذار برای آنها وصف جرمی خاصی می‌گذاشت.

#### پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۴)

هرچند در عرف حقوقی اصطلاح "در حکم سرقت .... در حکم خیانت در امانت ... در حکم ... " یک اصطلاح پذیرفته شده و معمول است، اما از دیدگاه دیگری یک عمل، یا سرقت است یا نیست، اگر سرقت نیست، چیزی بنام "در حکم سرقت" شاید مناسب نباشد، بلکه بهتر بود قانونگذار برای آن وصف جرمی مشخصی می‌گذاشت. مانند اینکه قانونگذار کود جزای افغانستان در مواردی، همچون کاری را کرده است، مانند ماده ۹۰۷؛ در این ماده، وقتی که وصف جرمی سرقت بر گرفتن مال لقطه "گم شده" صدق نکرده است، قانونگذار برای این عمل وصف جرمی مشخصی بنام "عدم تسلیم دهی مال یافت شده" گذاشته است، در نظام حقوقی مصر و قوانین آن، همچو جرایم به "جرایم ملحق به سرقت ... ملحق به خیانت در امانت.... و..." توصیف گردیده است.

#### فعالیت شماره (۵)

##### فرضیه‌ها:

۱- احمد در خانه از برق دولتی مستفید است، اما او میتر برق را طوری دستکاری می‌کند که حرکت آنرا آهسته ساخته و مقدار مصرف برق را کمتر از مقدار حقیقی، نشان می‌دهد.

۲- قدیر در خانه از برق دولتی مستفید است، در ختم دوره میتر خوانی، می‌بیند که مقدار مصرف برق به ۲۰۰۰ وات رسیده است، او میتر برق را دستکاری نموده و شماره مصرف شده را عقب زده به ۱۰۰۰ می‌رساند.

۱- ماده ۷۲۴ کود جزا.

۲- ماده ۸۰۳ کود جزا.

کدام یک از موارد فوق، سرقت محسوب می‌شود، گزینه صحیح را انتخاب و دلیل آنرا بنویسید؟

الف) احمد.

ب) قدیر.

ج) هردو.

د) هیچکدام

استدلال گزینه صحیح:

.....  
 .....

پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۵)

نظر به فقره (۲) ماده ۷۰۱ کود جزا، در هیچ‌یک از این فرضیه‌ها، سرقت واقع نشده است بلکه عمل احمد و قدیر در حکم سرقت می‌باشد، و جزای عملی که در حکم سرقت است نسبت به جزای سرقت، بسیار کم پیش‌بینی شده است.

نظر شما راجع به این پاسخ چیست؟

فرع چهارم: قیمت یا ارزش مال موضوع سرقت:

کود جزای افغانستان در ماده ۶۹۹، مال را بطور مطلق و بدون تعیین ارزش آن ذکر کرده است<sup>۱</sup>، همچنان قانون مدنی افغانستان در ماده ۴۷۲، ارزش عین یا حقی که دارای قیمت مادی است را تعیین نکرده است، بلکه معیار ارزش آنرا به مردم محول نموده چنین تصریح کرده است: (مال عبارت از عین یا

<sup>۱</sup> - اندازه ارزش مال مسروقه در فقه اسلامی، ده درهم شرعی می‌باشد.

حقی که نزد مردم ارزش مادی دارد) بنابراین، معیار ارزش مال یا حق که مورد سرقت قرار گرفته است، به عرف محول شده است؛ اگر عرف برای مال یا حق سرقت شده، ارزش مادی قایل شود، در آنصورت ممکن است مال مذکور موضوع جرم سرقت قرار گیرد، هرچند ناچیز و اندک باشد، اما اینکه مالک آن، به اقامه دعوی یا تعقیب عدلی سارق مال مذکور اقدام می نماید یا از آن چشم پوشی می نماید، پس این موضوع دیگری است.

#### فرع پنجم: منقول بودن مال موضوع سرقت :

لازمه به سرقت بردن مال، منقول بودن آن است، زیرا سرقت بدون "اخذ" مال و انتقال آن از حيازت صاحب آن به حيازت سارق، ممکن نیست؛ به همین دلیل، قانونگذار در تعریف سرقت منقول بودن مال را قید نموده است.

ماده ۴۷۸ قانونی مدنی افغانستان در تعریف اموال منقول و غیر منقول چنین میگوید: "عقار اشیاییست که دارای اصل ثابت بوده و حمل و نقل آن بدون تلف شدن غیر ممکن باشد. اشیایی که واجد این وصف نباشد اشیای منقول شناخته میشود". اما ملاحظه میگردد که قانون مدنی درینجا دامنه اموال منقول را گسترش داده و آن عده از اموال منقولیکه غرض استفاده از عقار به کار برده میشود، را نیز ضمن اموال غیر منقول شامل ساخته و ماده ۴۷۹ این قانون در زمینه چنین میگوید: "اشیای منقولی را که مالک برای استفاده از عقار تخصیص میدهد، عقار پنداشته میشود".

بنا برآن، امکان وقوع سرقت در عقار وجود ندارد چون "گرفتن" در محلی متصور است که امکان نقل آن از جایی به جای دیگری وجود داشته باشد برخلاف عقارات، که دارای اصل ثابت است و امکان نقل آن بدون تلف شدن وجود ندارد.

درینجا بار دیگر ملاحظه میگردد که در رابطه به تعریف "منقول"، میان قانون مدنی و جزائی، توافق و یا همخوانی وجود نداشته آنچه را که قانون مدنی غیر منقول مینامد، از دیدگاه قانون جزاء منقول پنداشته شده و اخذ بدون اجازه آن سرقت پنداشته میشود، زیرا از دیدگاه حقوق جزاء، هر آن مالیکه نقل آن از



یک جا به جای دیگر ممکن باشد، منقول دانسته میشود، خواه انتقال آن باعث تخریب آن بشود یا نه؟ بناء گفته میتوانیم که زمین و یا منزل هرچند از جمله اموال غیر منقول دانسته شده محل سرقت قرار نمیگیرد، اما خاک، ریگ، سنگ و معادن زمین، ویا هم چوب، گادر، الماری، وسائر وسایل ضروری که در خانه مورد استفاده قرار میگیرد، هرگاه از مکان آن جدا گردد، خلاف ظاهر قانون مدنی، منقول دانسته شده و سرقت آن جرم پنداشته میشود. به عبارت دیگر، "هرچیزی که امکان نقل آن از محلی به محل دیگر وجود داشته باشد می تواند موضوع سرقت قرار گیرد اگرچه از نظر حقوق مدنی دارای اصل ثابت (عقار) پنداشته شود"<sup>۱</sup>. چنانچه محکمه نقض مصر نیز در این زمینه فیصله نموده است مبنی بر اینکه "جرم سرقت با اخذ و انتقال حیاتِ درب، کلکین و تخته های سقف؛ واقع شده می تواند"<sup>۲</sup>.

بناء، از دیدگاه قانون جزا، و در معرض بحث از سرقت، صرفا میتوان اشیائی را "غیر منقول" نامید که مکان ثابت داشته و برداشتن آن از آنجا، ممکن نباشد، مانند قطعه زمین، خانه ویا اپارتمان.<sup>۳</sup>

### فعالیت شماره (۶)

#### قضایای فرضی:

اول: شخصی شاخه های درختان ملکیت غیر را بدون رضایت او به مقصد استفاده آن در بخاری یا تنور خانه اش، قطع نموده و با خود می برد.

دوم: شخصی خاک زمین زراعتی همجوارش را بدون رضایت او، توسط واسطه نقلیه زرنج، به زمین خود، انتقال می دهد.

<sup>۱</sup> جندی، عبد الملک، الموسوعه الجنائیه، الجزء الرابع، ص ۲۰۰

<sup>۲</sup> سرور، احمد فتحی، الوسيط فی قانون العقوبات، القسم الخاص، کتاب الثانی، ص ۵۰۷ به نقل از نقض ۳ دسامبر سال ۱۹۸۰، مجموعه

الاحکام، س ۳۱، شماره ۲۰۴ ص ۱۰۵۹

<sup>۳</sup> - حسنی ۲ / ۸۳۴. باتصرف.

سوم: شخصی، مکان پلوانی را که من حیث حد فاصل میان زمین او و زمین همجوارش قرار دارد، تغییر داده و مساحت زمین خود را توسعه می‌دهد.

وصف جرمی هریک از قضایای فوق را مشخص نموده و دلیل آنرا نیز ذکر کنید؟

### پاسخ‌های احتمالی فعالیت شماره (۶)

اول: قضیه فرضی اول، سرقت است، زیرا درخت عین است و نزد مردم ارزش مادی دارد، و تا زمانی که در زمین منصوب است، عقار پنداشته می‌شود، اما زمانی که از زمین جدا شد، منقول به حساب می‌آید، و موضوع جرم سرقت قرار می‌گیرد.

دوم: قضیه فرضی دوم، سرقت است، زیرا خاک زمین زراعتی مال است و نزد مردم ارزش مادی دارد، زمانی که از زمین جدا شد، منقول به حساب می‌آید، و موضوع جرم سرقت قرار می‌گیرد.

سوم: قضیه فرضی سوم، غصب است نه سرقت، زیرا چیزی از جایی به جایی انتقال نکرده است، مشخصه‌ی مهم مال مسروقه که همانا منقول بودن آن است، تحقق نیافته است، بلکه زمین من حیث عقار در جایش باقیست، منتها جزئی از این عقار از تصرف مالکش بدون رضایت او، خارج و تحت تصرف مالکانه متصرف جدید، قرار گرفته است.

نظر شما راجع به این پاسخ چیست؟

### ب) ملکیت غیر بودن مال در جرم سرقت:

ملکیت غیر بودن مال، مشخصه‌ی دوم مال موضوع جرم سرقت است، که در ماده ۶۹۹ کود جزای افغانستان ذکر گردیده است. اینکه گفته می‌شود؛ مال، ملکیت غیر باشد، به این معنی نیست که مال باید ملکیت مسروق منه باشد، بلکه همینقدر کافیست که مال مسروقه، ملکیت خود سارق نباشد.

کلمه "غیر" شامل اشخاص حقیقی و حکمی می شود؛ دولت، سازمانها، مؤسسات، عبادتگاهها و امثال آنها، اشخاص حکمی اند، هرگاه شخصی مال ملکیت غیر اعم از حقیقی و حکمی را بدون رضایت آنها و به قصد تملک، بگیرد، سارق شمرده می شود.

### فعالیت شماره (۷)

قضیه فرضی:

شخصی از طرف شب وارد مسجد شد و دستگاه میکروفون، ساعت های دیواری و سجاده امام مسجد را گرفته و داخل موتر خود گذاشت، شخص مذکور در یکی از ایستگاه های بررسی پولیس، گرفتار شد. وصف جرمی شخص مذکور را مشخص نموده و دلیل تشخیص تانرا نیز ذکر کنید؟

پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۷)

عمل شخص مذکور، سرقت است، زیرا او مال ملکیت غیر را به مقصد تملک گرفته است، مال مسروقه، ملکیت مسجد بوده و مسجد شخص حکمی محسوب می شود. بحث رضایت در اشخاص حکمی شرط نیست.

### نظر شما راجع به این پاسخ چیست؟

هرگاه ثابت شود که مال مسروقه، ملکیت غیر است، تکلیف خازنوال و قاضی در تشخیص وصف جرمی سرقت، کار سختی نیست، اما مواردی وجود دارد که اموال از حیث ملکیت در وضعیت‌های دیگری قرار می‌داشته باشد و گرفتن آن به مقصد تملک، نیاز به بررسی دارد تا مشخص گردد که آیا اموال مذکور موضوع جرم سرقت قرار می‌گیرند یا خیر، مانند:

- ۱- مالی که مالک آن مشخص نیست.
- ۲- مالی که میان گیرنده و شخص دیگری، مشترک است.
- ۳- مال متنازع فیه.
- ۴- مالی که ملکیت خود گیرنده است اما نزد شخص دیگری به امانت، عاریت یا رهن گذاشته شده است.

تشریح موارد فوق قرار ذیل است:

#### ۱- مالی که مالک آن مشخص نیست:

اموالی که مالک آن مشخص نیست، چندین نوع بوده می‌تواند؛ مال عامه، مالی که به مقصد استفاده عامه اختصاص داده شده است، مال مباح، مال لقطه، و غیره...

- مال عامه: اموال شامل عقار و منقول می‌باشد؛ اموالی عقاری عامه مانند چراگاه‌های عامه که موضوع جرم سرقت قرار نمی‌گیرد. اموال منقول عامه مانند درختان میوه که در اصل عقار اند اما میوه آنها، به شکل منقول در آمده می‌توانند و موضوع جرم سرقت قرار می‌گیرد. بنابراین، هرگاه فردی از مردم قریه بدون رضایت آنها وارد جنگل پسته یا جلغوزه شود و مقداری از آنرا به مقصد تملک با خود ببرد، عمل او سرقت محسوب می‌شود، عناصر جرم سرقت در ارتکاب این عمل، تکمیل است؛ پسته و جلغوزه مال منقول و ملکیت غیر (عامه مردم) است که بدون رضایت آنها به مقصد تملک گرفته شده است.

- مالی که برای استفاده عامه اختصاص داده شده است: مالی که برای استفاده عامه اختصاص می‌یابد؛ قبلاً در ملکیت شخصی قرار می‌داشته باشد، مانند یخچال‌های آب سردکن که در بیرون مساجد، مکاتب یا در کنار راه‌های عمومی گذاشته می‌شود تا مردم آب سرد بنوشند. هر گاه این نوع اموال یا امثال آنرا به مقصد تملک بگیرد، عمل او سرقت محسوب نمی‌شود، زیرا یکی از عناصر سرقت این است که "مال، ملکیت غیر باشد" اما این نوع یخچال‌ها با وجود اینکه ملکیت کسی بود اما زمانی که آنرا برای استفاده عامه اختصاص داد، از ملکیت آن تنازل کرده است. اما کود جزای افغانستان در ماده ۷۰۱، این نوع عمل را "جرم در حکم سرقت" وصف کرده است نه سرقت، و شاید دلیلش همین باشد که عنصر "ملکیت غیر بودن مال" در این عمل وجود ندارد.

#### - لقطه:

لقطه در لغت به چیزی گفته می‌شود که در روی زمین افتیده باشد<sup>۱</sup>، و در اصطلاح «عبارت از مالی است که از نزد صاحبش گم شده و شخص دیگری آنرا یافته باشد»<sup>۲</sup>.

احکام لقطه در نظام حقوقی افغانستان جنبه مدنی و جزایی دارد؛ در رابطه به جنبه مدنی آن، قانون مدنی در ماده ۱۹۹۰، تنظیم احکام مربوط به لقطه را به قانون خاص تفویض کرده است، اما تا اکنون همچون قانونی وضع نگردیده است. جنبه جزایی آن در ماده ۹۰۷ کود جزا، چنین تنظیم شده است: «شخصی که اسناد یا مال گم شده را که قیمت آن بیش از یک هزار افغانی باشد، یافت نماید و در مدت

<sup>۱</sup> - لسان العرب، و قاموس المحيط.

<sup>۲</sup> - فتح القدير ۱۱۸/۶، و معني المحتاج ۴۰۶/۲

یک هفته بدون عذر موجه موضوع را به صاحب مال یا به نزدیک‌ترین اداره پولیس اطلاع ندهد، علاوه بر رد مال، به جزای نقدی پنج هزار افغانی، محکوم می‌گردد.» در ماده مذکور، تنها مال، قیمت گذاری شده است نه اسناد، زیرا اسناد، قیمت مادی ندارد، بنابراین، حکم ماده مذکور شامل هر سندی می‌شود. نکته قابل بحث این است که آیا گرفتن لقطه (مال یا اسناد) به مقصد تملک، سرقت است یا خیر؟ دانشمندان حقوق درین مورد اختلاف نظر دارند؛ برخی آنرا سرقت نمی‌پندارند،<sup>۱</sup> اما عده دیگری برین باور اند که عمل مذکور، سرقت محسوب می‌شود.<sup>۲</sup>

کود جزای افغانستان، گرفتن لقطه و عدم اطلاع از آنرا سرقت نشمرده، بلکه آنرا تحت عنوان «عدم تسلیم دهی مال یافت شده» جرم انگاری نموده و برای آن جزای نقدی پنج هزار افغانی تعیین کرده است.

### فعالیت شماره (۸)

#### قضیه فرضی:

<sup>۱</sup> - زیرا نگهداشتن مال یافت شده هرچند به نیت تملک باشد، اما ازینکه حقیقتاً تحت حیات مادی مالک آن قرار ندارد، و عمل تجاوز بر حیات تحقق نیافته است، لذا سرقت گفته نمی‌شود. هرچند حیات معنوی آنرا دارا باشد. ر.ک: جندی، عبد الملک بک، الموسوع الجنائیه، الجزء الرابع ص ۲۱۵، حسنی، نجیب ۸۳۱/۲-۸۳۲.

<sup>۲</sup> - زیرا یابنده عملاً مال منقول ملکیت غیر را گرفته است، و مالکش از ملکیت آن تنازل نکرده است، هرچند مال عملاً تحت حیات وی قرار ندارد، "گرفتن" در سرقت، معیار این است که به فعل مرتکب ترکیب و توجه بیشتر صورت گیرد، تا به ملکیت صاحب مال، از همین جاست که گاهی اگر سارق مالک مال را هم نشناسد، مادامیکه مال متعلق به غیر است، پس عمل وی سرقت دانسته میشود. برای دریافت نظر راجع لازم است، بین دو حالت تفکیک صورت گیرد نخست اینکه آیا شخص از ابتدای دریافت مال قصد تملک مال را داشته است یا نه، هرگاه قراین نشان دهنده قصد تملک باشد در این صورت رای دومی راجع است و اگر شواهد رویداد، نشان دهنده اینست که مرتکب، "موضوع را به صاحب مال یا به نزدیک ترین اداره پولیس، بدون داشتن عذر موجه" اطلاع نداده است در این صورت طبق حکم ماده ۹۰۷ ک.ج مرتکب، قباحت شده است و در صورت احراز عذر موجه، رفتار شخص قابل مجازات نخواهد بود. به نظر می‌رسد قانونگذار کود جزا هیچ گونه تصریحی، در این ماده، به رأی که در فوق ترجیح داده شد، نکرده است ر.ک: جندی، عبد الملک بک، الموسوع الجنائیه، الجزء الرابع ص ۲۱۵، حسنی، نجیب ۸۳۱/۲-۸۳۲.

خانمی بنام عاکفه، فراموش کرده بود که سیت طلای خود را در داخل خانه خود در کجا گذاشته است، بعد از جستجوی زیاد، از یافتن آن مأیوس شد. چند روز بعد، خانمی بنام کوکبه که یکی از خویشاوندان زحل است به خانه او مهمان آمد، زحل از کوکبه خواست چاینک را از الماری خانه به آشپزخانه بیاورد تا چای دم کند، کوکبه وقتی چاینک را برداشت دید که در داخل آن یک سیت طلا است، آنرا گرفت و داخل دسکول خود گذاشت و چاینک را به عاکفه داد. دو ماه بعد، عاکفه در یک محفل عروسی، سیت طلای خود را در گلوی کوکبه دید، و از او پرسید که این سیت طلا را از کجا کرده است، کوکبه گفت که آنرا خریده است. عاکفه علیه کوکبه به اداره پولیس شکایت کرد.

به نظر شما، عمل کوکبه دارای کدام وصف جرمی می‌باشد؟

الف - سرقت.

ب - خیانت در امانت.

ج - یافتن مال گم شده و عدم اطلاع به صاحب مال.

پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۸)

عمل کوکبه، سرقت است، زیرا میان مال گمشده و مال فراموش شده، تفاوت و جود دارد؛ در مال فراموش شده، مالک و یا حائز آن تنها محل موجودیت آنرا نمی‌داند، اما مال از حیازت و حدود سیطره مادی او، دور نشده است، و عنصر مادی و معنوی حیازت در آن متوفر است، چون شخص بر خانه خویش تسلط دارد. بنابراین، مال فراموش شده با مال گم شده، حکم یکسان ندارد، و هرگاه شخصی مال فراموش شده را بدون رضایت مالک آن و به قصد تملک بگیرد، سارق محسوب می‌شود. (نجیب محمود حسنی، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، ص ۸۳۱/۲).

نظر شما راجع به این پاسخ چیست؟

- مال مباح:

قانون مدنی افغانستان، مال مباح را به صراحت تعریف نکرده است بلکه در ماده ۱۹۸۵، حکم تصاحب مال مباح را چنین بیان کرده است: « شخصی که مال منقول مباح را قبل از دیگران، بدست آرد، مالک آن شناخته می‌شود» همچنان در ماده ۱۹۸۶، راجع به صرف نظر نمودن مالک از مال خود، چنین صراحت دارد: «هرگاه مالک مال منقول، از ملکیت آن صرف نظر نماید، به مال مباح تبدیل می‌گردد»

از با استنباط از مواد متذکره، می‌توان مال مباح را چنین تعریف کرد: مباح مالی است که ملکیت شخص معین نباشد یا مالک از آن ملکیت آن صرف نظر نموده باشد.

گرفتن مال مباح به قصد تملک، سرقت محسوب نمی‌شود، زیرا مال گرفته شده، ملکیت غیر نیست، بلکه گرفتن و دست یافتن به آن، یکی از اسباب مشروع کسب ملکیت می‌باشد. مانند گرفتن حیوان صحرائی، پرندگان، ماهیان، دانه های با ارزش دریایی و امثال آنها. همچنان اموالی که مالکین از ملکیت آنها صرف نظر می‌کنند، مانند البسه کهنه، لوازم کهنه خانه، مواد خوراکی اضافی و امثال آنها که مردم معمولاً آنها در کنار زباله ها یا اماکن خاص دیگری می‌اندازند. در هر دو مثال فوق الذکر، شرط این است که شخص دیگری قبلاً بر آن اموال مباح، تسلط حاصل ننموده باشد.<sup>۱</sup>

## ۲- مالی که میان گیرنده و شخص دیگری، مشترک است:

یکی از مواردی که مال می‌تواند میان گیرنده و شخص دیگری، مشترک باشد، مال مشاع است. احکام مال مشاع در قانون مدنی افغانستان تنظیم شده است، اما قانون مذکور، تعریفی از مال مشاع ندارد.

مال مشاع عبارت از مال مشترکی است میان دو یا بیشتر از دو شخص که تقسیم نشده باشد، به گونه‌ی که حصه هریک از شرکاء در کل اجزای مال مشاع، مرتبط باشد.<sup>۲</sup> مال مشاع در قوانین افغانستان تعریف نشده است، قانون تنظیم امور زمینداری<sup>۳</sup>، در جزء ۱۶، ماده سوم، زمین مشاع را چنین تعریف کرده

<sup>۱</sup> - مرجع قبلی ۸۲۳/۲، " مواد قانونی کود جزا که با این موضوع مرتبط باشد، باید علاوه گردد)

<sup>۲</sup> - لسان العرب.

<sup>۳</sup> - قانون تنظیم امور زمینداری، منتشره جریده رسمی شماره ۱۲۵۴ مؤرخ ۲۶ حمل سال ۱۳۹۶.



است: «زمین مشاع زمینی است که میان دوشخص یا بیشتر از آن مشاع بوده و هر یک از آنها به اندازه حصه‌ی خویش، حق تصرف مالکانه را داشته باشد.»

تصرف شریک در مال مشاع جواز دارد، ماده ۱۹۳۵ قانون مدنی در زمینه چنین تصریح می‌کند: «هرگاه ملکیت عین، بین دو نفر یا زیاده از آن مشاع باشد، هر یک آنها به اندازه حصه خویش از آن حق استفاده داشته، و می‌تواند در آن طوری تصرف نماید که به شریک دیگر ضرر عاید نگردد. همچنان در صورتی که مقدار مشاع معلوم باشد بیع و بهره برداری آن بصورت مشاع جواز دارد و استعمال آن نیز جواز دارد، مشروط بر اینکه به حقوق سایر شرکاء ضرر عاید نگردد.»

سوالی که مربوط موضوع ما می‌شود این است که اگر یکی از شرکاء، قسمتی از مال مشاع را بدون رضایت سایر شرکاء به مقصد تملک بگیرد، آیا سارق پنداشته می‌شود؟ در پاسخ به این سوال دو نظریه وجود دارد:

**نظریه اول:** گرفتن مال مشاع بدون رضایت سایر شرکاء به قصد تملک، سرقت نیست، زیرا در مال مشاع هر یک از شرکاء حق تصرف در اجزای آن مال را دارند، بنا براین تصرف شریک در مال مشاع به اعتبار مالکیت او، سرقت محسوب نمی‌شود، گرچه مرتکب از نظر مدنی ضامن است.

**نظریه دوم:** گرفتن مال مشاع بدون رضایت سایر شرکاء به قصد تملک، دو حالت دارد؛ که در یک حالت سرقت، و در حالت دیگر، سرقت نیست:

حالت اول: اگر مال مشاع تحت تسلط و حیازت گیرنده نباشد، عمل او سرقت است، زیرا تمام شرکاء در هر جزئی از اجزای مال مشاع سهم دارند و گرفتن هر جزئی از اجزای آن بمعنی گرفتن مال غیر، از حیازت غیر است.<sup>۱</sup> برای مثال: مال یک سوپر مارکت میان سه نفر (کمال، جمال و جلال)، مشاع است، سوپر مارکت مذکور تحت تسلط و حیازت کمال قرار دارد، در یکی از شب‌ها، جمال با

<sup>۱</sup> - ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای اختصاصی، جرایم علیه اموال، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۷، ص ۳۱۲ جندی، عبد الملک، الموسوعه الجنائیه ج ۴ ص ۲۲۷

شکستن قفل دروازه، داخل سوپر مارکیت شده و بعضی اشیاء را به مقصد تملک، با خود می برد، عمل جمال، سرقت محسوب می شود.

حالت دوم: در مثال فوق، اگر عمل جلال را کمال انجام بدهد، عمل کمال، سرقت نیست بلکه خیانت در امانت است، زیرا مال سوپر مارکیت تحت حيازت کمال است و او نسبت به این مال مشاع، امین پنداشته می شود.

فرق میان حالت اول و دوم این است که در حالت اول، جمال مال غیر را از حيازت غیر، گرفته است، اما در حالت دوم، کمال مال غیر را از حيازت خود، گرفته است.

اما باید گفت که: نحوه استدلال هر دو نظریه از یک سو شبیه و از سوی دیگر در جهت متضاد با همدیگر قرار دارد. زیرا در نظر اول، تنها به جانب مرتکب و در نظریه دوم، به جانب مجنی علیه و متضرر شدن (سایر شرکا) توجه شده است.

اما دیده میشود که نگاه ژرف به موضوع و درپی آن، تلاش برای دریافت نظر راجح، از دیدگاه قانون مدنی و قانون جزا نتایج متفاوتی بدست می آید، زیرا از دیدگاه حقوق مدنی، "تقسیم در مال مشاع اثر رجعی دارد"، به این معنی که فرض بر این است که، شریک مالک سهم خود است ولو قبل از تقسیم باشد، اما بعد از تقسیم به طریق اولی مالک سهم خویش می باشد. از این حیث، هرگاه شریک دست به اخذ مال مشاع می زند، آیا ممکن است بعد از تقسیم و رسیدن همان مال سرقت شده در سهم وی، اتهام سرقت را از وی دفع نماید؟ پاسخ به این پرسش از نگاه مدنی، مثبت است.

اما از دیدگاه دیگری پاسخ منفی است، زیرا، "تشبیه و تطبیق قواعد مسئولیت مدنی، تجاری و اداری، بالای موضوعات جزائی درست نیست، زیرا قواعد جزایی برای تحقق هدف دیگری ترسیم گردیده است، که همانا حفظ مصالح اجتماعی است، اما رجعی دانستن آثار تقسیم در مال مشاع بنابر اعتبارات مدنی و به منظور صحه گذاشتن به تصرفاتی است که شرکاء قبل از تقسیم آنرا انجام داده اند، پس نباید این حکم به قواعد جزائی سرایت کند. از همین جاست که از دیدگاه قانون جزاء، ملکیت

مالک مال هنگام ارتکاب عمل سرقت مدار اعتبار قرار میگیرد نه تحولات و تغییرات که بعد از آن صورت می گیرد. <sup>۱</sup>

افزون برآن، نظریه اثر رجعی مال مشاع نظریه افتراضی و مجازی محضی است که نباید در موضوعات جزائی مجال تطبیق داشته باشد، زیرا مبنای احکام جزائی را حقایق واقعیت ها باید تشکیل دهد نه خیال پردازی ها و افکار مجازی. <sup>۲</sup>

### ۳- مال متنازع فیه:

هرگاه شخصی مال متنازع علیه را بدون رضایت طرف مقابل و به قصد تملک بگیرد، آیا عمل وی سرقت دانسته می شود یا خیر؟

استاد نجیب حسنی رحمه الله - در شرح قانون جزای مصر - این سوال، را چنین پاسخ داده است: درینجا رسیدگی به جرم سرقت وابسته به رسیدگی به موضوع ملکیت بوده و در روشنائی آن تحقق یا عدم تحقق جرم سرقت خود واضح میگردد، طوریکه اگر ملکیت مال متذکره برای متهم ثابت گردید، پس وی سارق نبوده و العکس بالعکس.

درین مورد، چنین اعتراض که جرم سرقت قبل از صدور حکم قضائی ارتکاب گردیده است، در تغییر نتیجه تأثیری ندارد، زیرا حکم قضائی مثبت نبوده بلکه مظهر است، و درینجا صدور حکم برملکیت متهم به معنای آن است که شخص مذکور ابتداء مالک مال مذکور بوده و بدین منوال از جانب وی هیچگونه تعدی بر ملکیت دیگران صورت نگرفته است. <sup>۳</sup>

۴- مالی که ملکیت خود گیرنده است اما نزد شخص دیگری به امانت، عاریت یا رهن گذاشته شده است:

<sup>۱</sup> سرور، احمد فتحی، الوسیط فی قانون العقوبات، القسم الخاص، کتاب الثانی، ص ۵۱۶

<sup>۲</sup> - حسنی، نجیب، ۸۲۷-۸۲۸.

<sup>۳</sup> - حسنی، نجیب، ۸۲۱/۲.

هرگاه شخص مال خود را نزد دیگری به امانت، عاریت یا رهن گذاشته باشد، سپس آنرا از نزد وی بدزدد، عمل او سرقت شمرده نمی‌شود، زیرا یکی از شرایط مال مسروقه این است که ملکیت غیر باشد.<sup>۱</sup> این گونه اعمال وصف جرمی دیگری را بخود می‌گیرد، کود جزای افغانستان در ماده ۷۲۴، موارد مشابهی را تحت عنوان جرایم در حکم خیانت در امانت، جرم انگاری کرده است که قابل تأمل می‌باشد.<sup>۲</sup>

### مطلب دوم: فاعل یا مرتکب جرم سرقت:

سرقت می‌تواند توسط هر شخص ارتکاب یابد؛ فقیر یا غنی، شهروند یا تبعه‌ی خارجی، عادی یا مؤظف خدمات عامه و یا هر وصف دیگری.

با دقت نظر به مواد ۶۹۹ تا ۷۱۰ کود جزا، می‌یابیم که قانون‌گذار برای مرتکب جرم سرقت، وصف مشخصی را ذکر نکرده است، - جز در یک مورد - بنابراین داشتن وصف خاصی برای مرتکب جرم سرقت، باعث تغییر وصف رفتار جرمی یا تشدید یا تخفیف مجازات نمی‌شود. مگر در یک مورد، که کود جزا وصف خاصی را برای مرتکب جرم ذکر کرده و عبارت از وصف "کارگر بودن" است؛ طوریکه اگر "کارگر" مال کار فرمای خود را سرقت کند، این نوع سرقت از حالات مشدده محسوب می‌شود. (جزء ۶ ماده ۷۰۲ کود جزا)

۱ - جندی، عبد الملک، الموسوعه الجنائیه، ج ۴ ص ۲۲۳، نجیب، حسنی ۸۲۰/۲-۸۲۱.

۲ - متن ماده ۷۲۴ کود جزا در زمینه چنین می‌گوید: "اعمال ذیل در حکم خیانت در امانت شناخته شده، مرتکب به حبس قصیر یا جزای نقدی از ده هزار تا شصت هزار افغانی، محکوم می‌گردد:

۱ - در صورتی که مالک مال منقول که اموال او به حکم قانون یا قرار محکمه تحت حجز قرار گرفته یا تحت تصرف قضا گذاشته شده باشد مال را به سؤ نیت برای خود یا منفعت شخص دیگری استعمال یا در آن تصرف نماید یا آن را پنهان کند یا برای شخصی که در مال مذکور حق مطالبه را از وی داشته باشد تسلیم نکند، به نحوی که منظور اجراءات اتخاذ شده در مورد مال بر آورده شده نتواند.

۲ - در صورتی که گرو گیرنده مال مرهونه را نزد مالک آن به امانت بگذارد و مالک مذکور برای خود یا منفعت خود یا منفعت شخص دیگر آن را به سؤ نیت استعمال یا بر خلاف مقصدی که به او سپرده شده، در آن تصرف نماید".

از سوی دیگر، کود جزا در مورد نحوه یا وسیله ارتکاب جرم توسط فاعل، یعنی طریقه گرفتن وی، قید و یا شرطی نگذاشته است، بناء وقتی سارق به هر وسیله و طریقه ممکنه مانند استخدام آله یا حیوان و یا هم مکلف ساختن شخصی دیگری که حسن نیت داشته باشد، مال دیگران را از حیازت آنان، به قصد تملک به حیازت خود انتقال دهد، پس وی مرتکب جرم سرقت شناخته می شود، هرچند خود وی به گونه عملی و شخصی این فعل را انجام نداده باشد.

### مطلب چهارم: وسیله ارتکاب جرم سرقت:

استفاده از وسایل در ارتکاب جرم سرقت، شرط گذاشته نشده است، بلکه این جرم با استفاده از هر وسیله‌ای یا بدون وسیله، ارتکاب یافته می‌تواند، منتها استفاده از وسایل خاصی در ارتکاب جرم سرقت، باعث تشدید مجازات آن شده می‌تواند. مانند، استفاده از سلاح<sup>۱</sup>، کلیدهای ساختگی<sup>۲</sup>، لباس نظامی یا لباس سایر مؤظفین خدمات عامه یا امر تزویری و یا وسایل حيله آمیز<sup>۳</sup>.

#### فعالیت شماره (۹)

##### سوال مباحثوی:

شخصی می‌خواهد بکسی را از داخل دکان بدزد اما ترس افشا شدن دارد. او برای حمال می‌گوید: آن بکس مرا از داخل دکان بیاور. حمال به گمان اینکه آن بکس را خریده است، برایش می‌آورد و دکاندار هیچ متوجه نمی‌شود. یا شخصی با استفاده از سگ تربیت شده، مال مردم را می‌گیرد.

آیا اینگونه اعمال، وصف جرمی سرقت را بخود می‌گیرد، با استدلال پاسخ بدهید؟

##### پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۹)

<sup>۱</sup> - جزء ۳ ماده ۷۰۲ کد جزا.

<sup>۲</sup> - جزء ۴ ماده ۷۰۲ کد جزا.

<sup>۳</sup> - جزء ۵ ماده ۷۰۲ کد جزا.

بلی، اعمال مذکور، وصف جرمی سرقت را دارد، زیرا استفاده از وسایل یا عدم استفاده از آن، در تحقق یا عدم تحقق جرم سرقت، شرط نیست.

نظر شما راجع به این پاسخ چیست؟

### مطلب پنجم: نتیجه جرم سرقت:

کلمه «گرفتن» در فقره (۱) ماده ۶۹۹ کود جزا، چنین افاده می‌کند که جرم سرقت از جرایم نتیجه‌جوی (مقید به نتیجه) است. نتیجه‌ی جرمی در ارتکاب سرقت، قرار گرفتن مال منقول غیر، به دست سارق است. سوال قابل طرح این است که چه زمانی عنصر مادی جرم سرقت «گرفتن» تحقق می‌یابد، تا با تشخیص آن بتوان بین ارتکاب سرقت تام و شروع به آن، فرق گذاشت؟ در این مورد نظریات مختلفی وجود دارد که خلاصه آن قرار ذیل است:

نظریه‌ی اول: عنصر مادی جرم سرقت «گرفتن»، فقط با برداشتن مال از محل آن، تحقق می‌یابد، و لو که مال به مکان دیگری انتقال نیافته باشد یا از تسلط و حوزه مالک، خارج نشده باشد.

نظریه‌ی دوم: عنصر مادی جرم سرقت «گرفتن»، با انتقال مادی مال از محل آن، به محلی دیگری، تحقق می‌یابد، و لو که مال، از تسلط یا حوزه مالک، برون نشده باشد.

نظریه‌ی سوم: عنصر مادی جرم سرقت «گرفتن»، وقتی تحقق می‌یابد که مال از تسلط و حیات مسروق منته خارج و در تسلط و حیات سارق یا شخص دیگری درآید<sup>۱</sup>.

تفسیر کلمه "گرفتن" از دیدگاه نظریه اول، موسع، و از دیدگاه نظریه دوم، متوسط و از دیدگاه نظریه سوم، مضیق است.

۱ - سرور، احمد فتحی، الوسیط فی قانون العقوبات، القسم الخاص، کتاب الثانی، ص ۵۴۴ جندی، عبدالملک، الموسوعه الجنائیه ج ۴ ص

۲۴۰ به نقل از حکم محکمه طهطا سال ۱۹۱۵ المجموعه الرسمیه، س ۱۶، شماره ۱۰۱

البته اغلب نظام های حقوقی همین رأی اخیر (سومی) را پذیرفته اند، لذا اگر سرقت در منزل مسکونی واقع شود تا زمانی که سارق مال را به طور کامل از منزل خارج نسازد، سرقت تام، تحقق نیافته است، زیرا تا هنوز مال در مسکن بوده و مالک مسکن حائز مسکن و محتویات آن است. و عملیات اجرایی ارتکاب سرقت تکمیل نشده است. چنانچه بر مبنای رأی خیر، "وقوع سرقت در باغ را که متهم پیش از خارج شدن از آن، گرفتار شده است شروع به سرقت دانسته است" اما گاهی ممکن است، عنصرمادی "گرفتن" بدون خارج شدن مرتکب از منزل نیز تحقق یافته و اجزای مادی ارتکاب سرقت، تکمیل گردد، مانند اینکه سارق طعام مسروقه را بخورد یا مال مسروقه را در حیاط منزل طوری دفن نماید که مالک بر آن تسلطی نیابد، و یا هم خادمی مالی را که از منزل مخدوم خود سرقت نموده است، اطاق مخصوص خودش یا در کیف خود جا بجا کند "۲. با توجه به آنچه گفته شد، شکستن خزانه، استعمال کلید های ساختگی، تلاش برای بالا شدن بر دیوار، شکستن دروازه و هرگونه عمل مادی دیگری که منجر به نتیجه جرمی نشود شروع به سرقت می باشد.

#### تطبیق نظریات فوق با طرح قضیه فرضی:

شخصی با دکانداری آشنایی دارد و گاه گاهی به دکان او رفت و آمد می کند، روزی آن شخص مالی را از داخل دکان بطور خفیه و به مقصد تملک، برداشت، و در هنگام برون شدن از دکان (البته قبل از برون شدن) گرفتار شد. آیا عمل او سرقت محسوب می شود؟

به اساس نظریه اول: بلی، عمل مذکور، سرقت محسوب می شود.

<sup>۱</sup> سرور، احمد فتحی، الوسیط فی قانون العقوبات، القسم الخاص، کتاب الثانی، ص ۵۴۴ جندی، عبدالملک، الموسوعه الجنائیه ج ۴ ص

۲۴۰ به نقل از حکم محکمه طهطا سال ۱۹۱۵ المجموعه الرسمیه، س ۱۶، شماره ۱۰۱

<sup>۲</sup> جندی، عبد الملک بک، الموسوع الجنائیه، الجزء الرابع ص ۲۴۰ و ۲۴۱ به نقل از احمد بک امین ص ۲۴۶ و ۲۴۷، حسنی، نجیب ۸۵۹/۲-

به اساس نظریه دوم: نخیر، عمل مذکور، سرقت محسوب نمی‌شود، بلکه در حد شروع به جرم سرقت قرار دارد. اما اگر مال را در پس‌خانه دکان یا مکان دیگری در داخل همان دکان، پنهان می‌کرد، تا آنرا در فرصت مناسب، از دکان برون کند، در آنصورت عمل وی سرقت محسوب می‌شد.

به اساس نظریه سوم: نخیر، سرقت محسوب نمی‌شود، حتی اگر مال را در پس‌خانه دکان یا مکان دیگری در داخل همان دکان، پنهان می‌کرد تا آنرا در فرصت مناسب، از دکان برون کند، باز هم سارق محسوب نمی‌شد، زیرا تا آن لحظه هم مال در حوزه مالک آن قرار دارد. عمل مذکور تا آن لحظه، در حد شروع به جرم سرقت قرار دارد. نامبرده، زمانی سارق محسوب می‌شود که مال را از داخل دکان برون کند، زیرا در آنصورت گفته می‌توانیم که مال از حوزه مالک خارج و در حوزه سارق داخل شده است.

### فعالیت شماره (۱۰)

#### قضایای فرضی دارای حالات متفاوت:

**الف:** حالت اول: شخصی نزد شخص سرمایه داری بصفت راننده موتر کار می‌کند، صاحب خانه برای راننده‌ی در گوشه حویلی خود یک اطاق داده است تا اوقات فارغ خود را در آنجا سپری کند، روزی شخص راننده داخل اطاق صاحب خانه شده و لپ‌تاپ او را به مقصد تملک، برداشته و می‌خواست آنرا در اطاق خود پنهان کند و در یک فرصت مناسب آنرا به بازار برده و بفروشد، اما صاحب خانه او را در وسط دهلیز و قبل از رسیدن به اطاقش، گیر می‌کند. آیا عمل راننده، سرقت محسوب می‌شود؟

**حالت دوم:** اگر راننده‌ی مذکور موفق می‌شد لپ‌تاپ را در داخل اطاق خود پنهان کند، اما تا هنوز موفق نشده آنرا به بازار ببرد و بفروشد. در آنصورت، وصف جرمی عمل او چی بوده می‌تواند؟

**حالت سوم:** اگر راننده مذکور لپ‌تاپ را در داخل اطاق خود گذاشته و از آن استفاده شخصی می‌کند، یا مال گرفته شده، یک بوتل عطر قیمت‌بهاء است که راننده آنرا بطور روزمره استفاده می‌کند.

قضایای متذکره را از دیدگاه کود جزا، بررسی نموده و پاسخ بدهید.



## پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۱۰)

در حالت اول، عمل راننده، سرقت محسوب نمی‌شود، زیرا مال تحت تسلط و در حيازت او قرار نگرفته است، یعنی عنصر مادی جرم "گرفتن" تحقق نیافته است. بنابراین، عمل او، شروع به جرم سرقت محسوب می‌شود.

در حالت دوم، عمل راننده، سرقت محسوب می‌شود، زیرا مال از حيازت و تسلط مالک، برون و در حيازت سارق درآمده است، قرار داشتن اطاق راننده در محوطه حویلی، بمعنی این نیست که فضای اطاق راننده تحت حيازت صاحب خانه قرار دارد، بلکه راننده تسلط کامل در فضای اطاق خود دارد.

در حالت سوم، عمل راننده به طریق اولی، سرقت محسوب می‌شود، زیرا او علاوه بر اینکه مال را تحت تسلط و حيازت خود قرار داده است، در آن تصرف مالکانه نیز می‌کند. نظر شما چیست؟

ب: قضیه فرضی:

شخصی وارد خانه مسکونی گردیده و بخاری گازی را که قیمت آن به سه هزار افغانی میرسد، سرقت می‌نماید، اما قبل از اینکه موفق به اخراج آن از منزل مذکور گردد، گرفتار ومورد تعقیب عدلی قرار می‌گیرد، حارنوال موظف قضیه با استناد به ماده ۷۰۰ کود جزاء، و دادن وصف جرمی سرقت از منزل مسکونی، برای متهم مذکور مجازات حبس متوسط را تقاضا نموده است. اما قاضی با استناد به ماده ۷۰۹ و ازینکه قیمت مال مسروقه کمتر از ۵۰۰۰ افغانی است، وی را به مجازات نقدی ۱۰۰۰۰ افغانی محکوم نموده است، لطیفه وکیل مدافع متهم، ضمن استئناف خواهی، اعتراض نموده است که ازینکه فعل متهم شروع به جرم سرقت (جنحه) بوده و مجازات شروع به جرم جنحه حسب ماده ۵۳ کود جزاء از یک چهارم حد اقل جزائی که در قانون برای اصل جرم پیش بینی شده است، بیشتر نمیباشد، خواهان تنزیل مجازات نقدی به کمتر از ۲۵۰۰ افغانی گردیده است، محکمه استئناف اعتراض وکیل مدافع را وارد میدان اما با استناد به فقره دوم ماده ۱۴۰ کود جزاء که میگوید جزای نقدی که به حکم

محکمه تعیین میشود از ۵۰۰۰ افغانی کمتر نمی باشد، متهم را به مجازات نقدی ۵۰۰۰ افغانی محکوم می نماید.

درین قضیه :

سوال اول: از میان اجراءات و مطالبات حارنوال، قاضی ابتدائیه، وکیل مدافع و قاضی استئناف، کدام یک درست و مطابق به قانون خواهد بود؟

سوال دوم: بالفرض اگر سارق بخاری را از منزل خارج نموده و در بیرون منزل دستگیر شود، یعنی جرم تکمیل گردد، پس در آن صورت سارق مذکور طبق کدام ماده مجازات خواهد شد؟ ماده ۷۰۰ یا ماده ۷۰۹ ؟

### گفتار سوم: عنصر معنوی جرم سرقت:

عنصر مادی جرم، در مورد قصد مرتکب بحث می کند؛ قصد جرمی، دو نوع است: قصد عام و قصد خاص، که هر کدام را طی مطالب بعدی به بحث خواهیم گرفت:

### مطلب اول: قصد عام در ارتکاب جرم سرقت:

وجود قصد عام نزد مرتکب جرم سرقت، شرط تحقق این جرم است. قصد عام دارای دو جزء مهم (علم و اراده) می باشد که هر دو را توضیح می دهیم.

### فرع اول: علم مرتکب:

وجود علم یا آگاهی نزد مرتکب جرم سرقت، به این معنی است که او راجع به اینکه مال مورد نظر؛ ۱- ملکیت غیر است، و ۲- او بر خلاف رضایت مالک، و ۳- به مقصد تملک، آنرا می گیرد. هر یک از موارد سه گانه، که اجزای علم را تشکیل می دهند، در زیر بیان می شود.

الف) علم به ملکیت غیر:

مرتکب حین گرفتن مال، باید علم داشته باشد که این مال، در ملکیت شخص دیگریست. پس اگر مال را به زعم اینکه مال مباح یا مال مباح است بگیرد، عمل او نظر به فقدان یکی از اجزای عنصر معنوی، سرقت پنداشته نمی‌شود<sup>۱</sup>.

### ب) علم به عدم رضایت مالک:

عدم رضایت مالک هرچند از جمله عناصر مادی جرم سرقت نیز شناخته میشود، اما در عناصر معنوی نیز علم به عدم رضایت مالک، از جمله عناصر کلیدی این جرم به حساب می‌آید، طوریکه مقتضای عنصر علم داشتن درینجا این است که مرتکب، آگاه باشد بر این که مالک مال با این رفتار او، رضایت ندارد. بنابراین، اگر مرتکب، مال غیر را با حسن نیت و با اعتقاد بر این که مالک مال از عملکرد او راضی است، بگیرد، عمل او به دلیل فقدان یکی از اجزای عنصر معنوی، سرقت محسوب نمی‌شود<sup>۲</sup>.

ناگفته نباید گذاشت که میان "رضایت" و "آگاهی داشتن" از فعل سرقت یا قصد او، تفاوت وجود دارد؛ در این میان، اعتبار به عدم رضایت داده می‌شود نه به عدم آگاهی، زیرا گاهی ممکن است مالک از قصد سارق، آگاه باشد اما ممانعتی نکند یا ممانعت کرده نتواند، و یا هم عمداً سکوت کند تا سارق به جرم مشهود گرفتار شود.

از سوی دیگر، وجود یا عدم وجود رضایت مالک، به ذات خود در تکوین فعل جرمی سرقت تأثیر نمی‌گذارد، هرچند سارق به آن علم نداشته باشد یا خلاف آنرا گمان نماید، بنابراین، هرگاه شخصی مال کسی دیگری را به قصد تملک بگیرد و گمان کند که مالک به گرفتن آن راضی نیست، در حالی که مالک به گرفتن آن راضی است، این عمل مرتکب، سرقت به شمار نمی‌آید<sup>۳</sup>. برای مثال: هرگاه شخصی به

<sup>۱</sup> همان ص ۴۹۵

<sup>۲</sup> جندی، عبد الملک بیک، الموسوعة الجنائية، ج ۴ ص ۲۳۲ به نقل از احمد بک آمین ص ۶۴۱

<sup>۳</sup> - حسنی، نجیب ۸۴۲/۲.

قصده سرقت از باغ کسی میوه را دزدی نموده و گمان داشته باشد که مالک باغ به این عمل او رضایت ندارد، در حالی که مالک باغ میوه آنرا برای همه یا برای طبقه معینی که این شخص را نیز شامل می‌شود، وقف نموده یا اجازه داده است. اما اگر به این گمان، مال را بگیرد که مالک به گرفتن آن رضایت دارد، در حالی که او رضایت ندارد، این عمل، سرقت دانسته می‌شود.

نکته مهم دیگر اینکه، رضایت یا عدم رضایت مالک، زمانی اعتبار دارد که قبل از عمل سرقت یا همزمان با آن باشد، اما رضایتی که بعد از فعل "گرفتن" صادر گردد، تغییری در وصف جرمی سرقت وارد نمی‌کند.<sup>۱</sup>

گفتیم که عمل گیرنده در صورت وجود رضایت مالک، سرقت نیست، اما شرط آن این است که رضایت مالک، حقیقی باشد. رضایت ناشی از تهدید، اکراه، جنون و صغر سن و عوامل دیگری که اراده و ادراک شخص را سلب می‌کند، اعتبار ندارد.

### فعالیت شماره (۱۱)

#### سوال مباحثی:

درین مقطع، سوال قابل طرح این است که حکم رضایت ناشی از غلطی چیست؟ برای مثال:

۱ - لالاگل ساعت خود را غرض ترمیم به ساعت ساز می‌سپارد، سپس هنگام گرفتن، شخص ساعت ساز اشتبهاً ساعت خوبتر و قیمتی تر دیگری را به لالاگل می‌دهد، لالاگل می‌داند که این ساعت بهتر از ساعت خودش است، اما با آنهم ساعت را می‌گیرد و با خود می‌برد، آیا این عمل او، سرقت است؟

۲ - تورلالا، به گمان اینکه مبلغ ۱۵۰۰۰ افغانی از خان لالا قرضدار است، این مبلغ را به وی می‌سپارد، در حالی که تورلالا مبلغ ۱۰۰۰۰ افغانی قرضدار است، خان لالا با وجود اینکه حقیقت را

<sup>۱</sup> - مرجع قبلی ۴۸۱/۲ .

می‌داند، اما پنج هزار افغانی اضافی را نیز می‌گیرد و در آن تصرف مالکانه می‌نماید، آیا خان لالا مرتکب سرقت پنج هزار افغانی شناخته می‌شود یا خیر؟

۳- اگر پوسته رسان مال را اشتبهاً به آدرس صاحب مال نه بلکه به آدرس شخص دیگری بسپارد، و این شخص با وجود اینکه می‌داند که این مال، مربوط او نمی‌شود، مرجع مربوطه را اطلاع نمی‌دهد بلکه آنرا برای خود می‌گیرد و در آن تصرف مالکانه می‌نماید.

در مثال اول، غلطی در نوع مال، و در مثال دوم، غلطی در مقدار مال، و در مثال سوم، غلطی در شخص ذیحق، واقع شده است.

اشتراک کننده‌ها باید به هر سه مورد فوق، پاسخ بدهند که آیا سرقت واقع شده است یا خیر.<sup>۱</sup>

نکته دیگری که در اینجا نیاز به ذکر است، اینکه اگر حالتی به وجود آید که مالک مال خود را به شرط برگرداندن آن، به دیگری تسلیم کند اما او، مال تسلیم شده را قصداً به مالکش برنگرداند، یا مبیعه را قبل از تسلیمی کامل قیمت آن به مشتری تسلیم کند اما مشتری قیمت باقی مانده‌ی مبیعه را به بائع قصداً نپردازد. آیا همچون اعمال، سرقت محسوب می‌شود یا خیر؟ در جواب باید گفت که بحث روی چگونگی تسلیمی مال به شخص دیگر و اهداف آن، و نحوه حیازت و انواع آن، از جمله مباحث تطبیقی طولانی است که از حوصله این جزوه آموزشی خارج است، اما به طور خلاصه به چند مورد زیر اشاره می‌کنیم:

۱- : تسلیمی مال زمانی منجر به انتقال حیازت می‌گردد که تسلیم دهنده نیت انتقال آن، و تسلیم گیرنده نیت تملک آنرا داشته باشد؛ این عمل ممکن است گاهی حیازت کامل و گاهی حیازت ناقص باشد، اما در هر دو صورت، مانع تحقق جرم سرقت می‌گردد، به طور مثال:

<sup>۱</sup> - به دیدگاه نجیب حسنی، شرح قانون العقوبات القسم الخاص، ص ۸۴۷ و ۸۴۸ مراجعه شود.

- انتقال حيازتِ کامل: هرگاه مالک، اجازه دهد تا مال وی تحت تصرف کامل شخص دیگری در آید، مانند اینکه مبیعه را به مشتری ای که ثمن مؤجل آنرا نپرداخته است، تسلیم نماید، یا به کسی پول قرض بدهد، اما مشتری، نه مبیعه و نه ثمن آنرا به بئع بسپارد، یا مدیون از پرداخت دین ابا ورزد، در هر دو صورت هرچند مالک در گرفتن مال رضایت ندارد، اما عمل جرمی سرقت تحقق نیافته است.

- انتقال حيازتِ ناقص: هرگاه شخصی اجازه دهد تا شخص دیگری به گونه جزئی حق تصرف در مال او، یا حق استفاده آنرا داشته باشد، - که غالباً با نوعی از عقود تنظیم می‌گردد، مانند عاریت و اجاره - اما او بعد از ختم مدت اجاره، مال مذکور را به مالک آن مسترد نساخته و اعلان بدارد که او حاضر نیست مال را به مالک آن تسلیم نماید، این عمل، سرقت پنداشته نمی‌شود.<sup>۱</sup>

- عدم انتقال حيازت: گاهی ممکن است شخصی مال خود را به رضایت خود به شخص دیگری تسلیم نماید، در حالی که هیچ یک از انواع انتقال حيازت کامل یا ناقص را با خود نداشته و تنها مقصد او، تسلط عارضی یا مؤقتی شخص بر همان مال باشد، در این صورت؛ اگر شخصی که مال را تسلیم شده است، آنرا دوباره به مالک مسترد نکند، عمل او سرقت دانسته می‌شود، مانند اینکه:

- بئع مال خود را به مشتری تسلیم دهد تا آنرا معاینه نموده و در رابطه به خرید یا عدم خرید آن نظر خویش را ابراز نماید.

- شخصی مالی را به اهل خبره بسپارد تا قیمت آنرا تعیین کند.

- شخصی وسایلی را به خادم یا کارگر بسپارد تا عمل معینی را انجام دهد.

در هر سه حالت فوق الذکر؛ اگر اشخاص متذکره، مال را به مالک آن مسترد نسازند، همه‌ای آنها سارق شناخته می‌شوند، زیرا مراد از تسلیمی مال از جانب مالک به اشخاص یاد شده، انتقال هیچ نوع حيازت

<sup>۱</sup>، حسنی، نجیب، شرح قانون العقوبات القسم الخاص، ص: ۸۴۳-۸۴۶

تام یا ناقص اموال مذکور نمی باشد، لذا در عدم تسلیمی مال مذکور یا فرار با آن، رفتار جرمی سرقت و تجاوز بر حیازت و ملکیت مالکین اموال مذکور صورت گرفته است.<sup>۱</sup>

### ج) قصد تملک:

جزء مهم دیگری از اجزای عنصر معنوی، وجود قصد تملک نزد مرتکب سرقت است، و شرط تحقق این جرم می باشد؛ قصد تملک به این معنی است که مرتکب مال غیر را بدون رضایت او بخاطری می گیرد که آنرا در ملکیت خود درآورد و در آن تصرف مالکانه نماید. بنابراین، اگر شخصی مال دیگری را بدون رضایت او به مقصد استعمال مؤقت، بگیرد، عمل او وصف جرمی سرقت را بخود نمی گیرد.

### فرع دوم: اراده مرتکب:

اراده به این معنی است که مرتکب رفتار جرمی خویش را با اراده آزاد انجام داده باشد. بنابراین، اگر شخصی رفتار جرمی سرقت را تحت اکراه و اجبار انجام داده باشد، مرتکب جرم سرقت محسوب نمی شود، زیرا جزء مهم قصد عام که همانا "اراده" است، وجود ندارد. همچنان، اگر شخص اول، مال شخص دوم را در جیب یا بکس شخص سوم می اندازد، و شخص سومی بدون اینکه از موضوع آگاه باشد آنرا با خود می برد. مثال دیگر اینکه شخصی به منظور گرفتاری بالفعل مجموعه ای از سارقین، در اشتراک در جرم یا موافقت به آن، تظاهر می نماید.

در تمام موارد فوق، اعمال متذکره بدون اراده آزاد فاعلین، انجام شده است. مجنون، معتوه و سکران، نیز فاقدین اراده آزاد هستند.

نکته مهم دیگری که در رابطه به "ارادی بودن عمل جرمی" قابل ذکر است؛ همزمانی اراده با فعل جرمی می باشد. در جرایم عمدی - از جمله سرقت - همزمانی میان عنصر مادی جرم (فعل گرفتن) و عنصر معنوی (ارادی بودن فعل) شرط است؛ یعنی در همان لحظه ای که عنصر مادی ارتکاب سرقت واقع می شود، عنصر معنوی نیز باید وجود داشته باشد، بنابراین، هرگاه شخصی مالی را به باور اینکه، مالک

<sup>۱</sup> - نجیب حسنی ۸۴۲/۲-۸۵۸، شرح القانون الجنائی المغربی، العلمی، عبد الواحد ۳۳۵/۲-۳۴۲.

آن به گرفتنش راضی است، بگیرد، ولی بعداً معلوم شود که مالک، راضی نبود، با وجود آن، گیرنده، مال را به مقصد تملک نزد خود نگهدارد و آنرا به مالکش مسترد نکند، یا شخصی مال دیگری را به مقصد گرفتن اجازه بعدی، بگیرد، اما مالک، اجازه ندهد، و گیرنده مال را به مقصد تملک نزد خود نگهدارد و آنرا به مالکش مسترد نکند، و مثال سوم اینکه شخصی مالی را به این باور که مال مباح است بگیرد، اما بعداً ثابت شود که مال مذکور، ملکیت شخص دیگری است، گیرنده آنرا به مقصد تملک، نزد خود نگهدارد و آنرا به مالکش مسترد نکند. در این مثال‌ها، جرم سرقت واقع نشده است، زیرا، شرط تقارن زمانی میان عنصر مادی و عنصر معنوی، تحقق نیافته است؛ بلکه عنصر مادی در یک زمان واقع شده، و عنصر معنوی در زمان دیگر به وجود آمده است.

همزمانی میان عنصر مادی و عنصر معنوی، در فقره (۱) ماده ۴۴ کود جزاء چنین تصریح شده است «جرم وقتی عمدی شناخته می‌شود که قصد جرمی نزد مرتکب آن محقق باشد» به همین دلیل اگر کسی چیزی را به قصد عاریت بگیرد، سپس قصد وی تغییر کند، و قصد تملک نزد او ایجاد شود، و مال را به مقصد تملک نزد خود نگهدارد و آنرا به عاریت دهنده، مسترد نکند، عمل او، سرقت محسوب نمی‌شود.

### مطلب دوم: قصد خاص در ارتکاب جرم سرقت:

وجود قصد تملک مال در جرم سرقت، قصد خاص است؛ یعنی منظور مرتکب از گرفتن مال غیر، این باشد که آنرا تحت مالکیت خود قرار داده و در آن تصرفات مالکانه نماید. قصد خاص در جرم سرقت، متضمن دو عنصر است:

۱- عنصر سلبی: یعنی مرتکب، قصد محروم ساختن مالک اصلی از تسلط بر مالش را دارد. این عنصر غالباً با مصمم شدن مرتکب به نگهداری مال نزد خودش، تحقق می‌یابد، خواه این تصمیم را هنگام گرفتن مال داشته باشد، یا هنگام درخواست اعاده آن.



۲ - عنصر ایجابی: یعنی مرتکب بخواهد تسلط و تصرفات مالکانه خود را در جای مالک قرار داده و همانند مالک اصلی، بر آن تصرف داشته باشد.

خلاصه اینکه؛ عنصر سلبی، نفی ملکیت غیر، و عنصر ایجابی، اثبات ملکیت خود بر مال است.

بنابراین، اگر کسی مال دیگری بدون رضایت، به مقصد استفاده نه به مقصد تملک، می‌گیرد و آنرا بعد از استفاده کردن، رها می‌کند یا به مالکش بر می‌گرداند، سارق محسوب نمی‌شود.<sup>۱</sup> یا شخصی به قصد شوخی و مزاح، مال دوست خود را بدون رضایت او می‌گیرد، سارق محسوب نمی‌شود، زیرا عنصر معنوی "قصد تملک یا قصد خاص" نزد او وجود ندارد. "مگر این که، شوخی را وسیله‌ای برای دست یافتن بر مال، قرار بدهد."<sup>۲</sup>

پرسش مهمی که در اینجا مطرح می‌شود این است که: آیا محروم ساختن دائمی مالک از تصرف مالکانه بر مالش، شرط تحقق سرقت است، یا اینکه محرومیت مؤقت وی نیز سرقت دانسته می‌شود؟، مانند این که شخصی وسایط نقلیه دیگری را به قصد استفاده مؤقت (بدون اجازه) گرفته و پس از بر آورده کردن ضرورت خویش، آنرا به مالک آن بر گرداند، آیا عمل او، وصف جرمی سرقت را به خود خواهد گرفت؟

در این مورد نظریات متعددی وجود دارد که ذیلاً به آن اشاره می‌کنیم:

الف: عمل مذکور سرقت نیست، زیرا مرتکب تنها قصد منفعت را دارد، نه قصد تملک.<sup>۳</sup>

ب: شخص مذکور، مرتکب سرقت تیل موثر شده است.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> - سرور، احمد فتحی، الوسیط فی قانون العقوبات، القسم الخاص، کتاب الثانی، ص ۵۰۱

<sup>۲</sup> - جندی، عبد الملک بک، الموسوع الجنائیه، ج ۴ ص ۲۳۴ به نقل از جارسون ن ۲۸۲ و ۲۸۳

<sup>۳</sup> - سرور، احمد فتحی، الوسیط فی قانون العقوبات، القسم الخاص، کتاب الثانی، ص ۵۰۱ به نقل از احکام محکمه فرانسه، جارسون ماده ۳۷۹، شماره ۳۹۵

<sup>۴</sup> - همان ص ۵۰۱ منقول از T.C.P. ۱۹۵۷، Rolland, he vol d:

ج: دادگاه عالی فرانسه، این عمل را سرقت دانسته است.<sup>۱</sup>

نجیب حسنی، دانشمند مصری، نظر اول را ترجیح می‌دهد، زیرا قانونگذار، وجود قصد تملک نزد مرتکب را شرط تحقق سرقت دانسته و به محض "گرفتن" مال، اکتفا نکرده است. دکتر حسین صادقی، دانشمند ایرانی، چنین می‌گوید: «در مواردی که کسی مال غیر را، نه به قصد تملک، بلکه به مقصد استفاده مؤقت و بازگرداندن آن به مالک، بعد از رفع احتیاج خویش، بر می‌دارد، نمی‌توان گفت که او مال را به عنوان دزدی برداشته است»<sup>۲</sup>.

شایان ذکر است که برخی، قصد عام را برای تحقق سرقت، کافی می‌دانند، زیرا به نظر ایشان، عنصر مادی "گرفتن" که عبارت از تسلط بر مال غیر و اخراج آن از حیات او به حیات خود، بدون موجودیت قصد تملک امکان‌پذیر نیست، و در این صورت، محلی برای جستجوی قصد خاص در ارتکاب جرم سرقت باقی نمی‌ماند.<sup>۳</sup>

### فعالیت شماره (۱۲)

#### سوالات مباحثوی:

- ۱- شخصی مال دیگری را بدون رضایت او به قصد تملک می‌گیرد و آنرا به اشخاص دیگری هبه یا صدقه یا تلف می‌کند، یعنی مرتکب از سرقت خود هیچ منفعتی بدست نمی‌آورد و دارا نمی‌شود.
- ۲- شخصی مالی را که نزد مالک آن، بسیار با ارزش است و نمی‌خواهد کسی در آن جزئی‌ترین تصرف نماید، بدون رضایت او می‌گیرد، اما قیمت معادل آنرا برایش می‌گذارد. یعنی مسروق منه از لحاظ مالی، هیچ متضرر نمی‌شود.

<sup>۱</sup> - همان منبع ص ۵۵۱ نقض ۱۱ ینایر سال ۱۹۹۰ م، مجموعه الأحكام، س ۴۱، شماره ۱۴ ص ۶، ۱۰۷ و دیگران

<sup>۲</sup> - صادقی، حسین میر محمد، جرایم علیه اموال و مالکیت، ص ۲۶۹

<sup>۳</sup> - نگاه کنید به، محمود نجیب حسنی، القسم العام چاپ سال ۲۰۱۲، ص ۹۸۰ و فوزیه عبد الستار، قسم عام، ۲۰۱۲، ص ۷۵۴ و نیز سرور،

احمد فتحی قسم خاص، ص ۵۵۲ و ۵۵۳

آیا اعمال مندرج موارد فوق، سرقت است؟

پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۱۲)

بلی، در هر دو مورد، سرقت واقع شده است، زیرا دارا شدن یا مستفید شدن سارق از مال مسروقه، یا متضرر شدن مسروق منه، شرط تحقق جرم سرقت نیست. (نجیب محمود حسنی، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، ص ۸۶۵/۲-۸۶۸).

نظر شما راجع به این پاسخ چیست؟

فعالیت شماره (۱۳)

کار گروهی:

۱. مالک باغ برای فقیری اجازه داده بود که می تواند میوه مورد نیاز خود را هر زمانی که خواسته باشد بدون پرسان او بگیرد و با خود به خانه اش ببرد. چند مدت بعد، مالک باغ خود را می فروشد و فراموش می کند که فقیر را خبر کند. روزی فقیر حسب معمول به باغ رفته و میوه زیادی با خود می برد، مالک جدید باغ او را به جرم سرقت متهم می کند.

۲. کاکاگل، کارمند یک شرکت، پیامی را از طرف خانواده خود دریافت کرد که از او خواسته اند فوراً به خانه برگردد و یکی از اعضای خانواده که حالت صحی او شدیداً خراب شده است، به شفاخانه انتقال بدهد، کارمند مذکور به اطاق یکی از همکارانش داخل می شود تا کلید موتر او را بگیرد و مریض را به شفاخانه انتقال بدهد، اما همکار او در اطاقش موجود نیست، اما کلید موتر او روی میزش گذاشته شده است، کاکاگل، کلید را می گیرد و توسط موتر همکارش، مریض را به شفاخانه انتقال می دهد. مالک موتر فکر می کند موترش سرقت شده است، فوراً به شماره ۱۱۹ زنگ می زند، پولیس کاکاگل را با موتر در یکی از چهار راهی های شهر، گرفتار می کند.

۳. شیرلالا که در یکی از شرکتهای ساختمانی کار می‌کرد، مالک شرکت با وجود مطالبه مکرر شیرلالا، سه ماه معاش او را نپرداخته است، روزی شیرلالا از طرف شب داخل شرکت شده و بعضی وسایل شرکت را که به اندازه سه ماه معاش او، قیمت دارد، به مقصد تضمین، با خود می‌برد و در خانه خود نگه می‌دارد.

۴. در فرضیه شماره ۳، شیرلالا، وسایل متذکره را به بازار برده و می‌فروشد و قیمت سه ماه معاش خود را از این رهگذر، بدست می‌آورد.

اشتراک کنندگان، قضایای فوق را بررسی نموده و نظریات خویش را باهم شریک سازند، استاد برنامه آموزشی، نظریات اشتراک کنندگان را جمع بندی نموده و نتیجه نهائی را ظاهر سازند.

#### پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۱۳)

پاسخ احتمالی داده نشده است بلکه پاسخ حقیقی به کارگروپی اشتراک کننده‌ها محول گردیده است.

#### مبحث پنجم: سرقت در کود جزای افغانستان:

کود جزای افغانستان، مواردی چون سرقت با داخل شدن به محل مسکونی (م. ۷۰۰)، سرقت آلات یا وسایل تلفونی (م. ۷۰۵)، سرقت نمبر پلیت واسطه نقلیه (م. ۷۰۶)، سرقت غله یا محصولات زراعتی (۷۰۷)، سرقت در عبادت‌گاه (م. ۷۰۸)، و سرقت اموال کم بها (۷۰۹) را ذکر کرده است که می‌توان آنها را تحت عنوان "مصادیق جرم سرقت" بحث کرد.

موارد دیگری چون جرایم در حکم سرقت (م. ۷۰۱)، سرقت به اثر اکراه یا تهدید به استعمال سلاح (م. ۷۰۳)، حالات مشدده‌ی جرم سرقت (م. ۷۰۲) و اجتماع احوال مشدده، نیز در این جزوه، مورد بحث قرار می‌گیرد.

موضوعاتی که تحت عنوان «سرقت در کود جزای افغانستان» بحث می‌شود قرار زیر است:

مصادیق جرم سرقت در کود جزا (گفتا اول)، منظور از مصادیق جرم سرقت، موارد یا نمونه هایی از سرقت است که قانونگذار آنها را در فصل سرقت (مواد ۶۹۹ تا ۷۱۰ کود جزا) بیان کرده است. این مصادیق شامل حالات عادی جرم سرقت می باشد، حالات مشدده جرم سرقت (ماده ۷۰۲ کود جزا) و اجتماع احوال مشدده جرم سرقت (ماده ۷۰۴ کود جزا) شامل این مصادیق نگردیده بلکه بطور جداگانه مورد بحث قرار می گیرد.

مصادیق جرم سرقت تحت گفتار اول، در شش مطلب ذیل بیان می شود:

مطلب اول: سرقت با داخل شدن به محل مسکونی.

مطلب دوم: سرقت آلات یا وسایل تلفونی.

مطلب سوم: سرقت نمبر پلیت واسطه نقلیه.

مطلب چهارم: سرقت غله یا محصولات زراعتی.

مطلب پنجم: سرقت در عبادت گاه.

مطلب ششم: سرقت اموال کم بها.

در گفتار های دوم تا چهارم، موضوعات ذیل مورد بحث قرار می گیرد:

گفتار دوم: جرایم در حکم سرقت در کود جزا.

گفتار سوم: سرقت به اثر اکراه یا تهدید به استعمال سلاح در کود جزا.

گفتار چهارم: جزای جرم سرقت در کود جزا:

مطلب اول: جزای حالات عادی جرم سرقت.

مطلب دوم: جزای حالات مشدده جرم سرقت.

مطلب سوم: جزای اجتماع حالات مشدده جرم سرقت.

### گفتار اول: مصادیق جرم سرقت در کود جزا:

ارتکاب جرم سرقت در کود جزای افغانستان، در برخی موارد، قباحت، و در موارد دیگر، جنبه شمرده شده است، زیرا جزای آن از حبس متوسط، تجاوز نکرده است. (مواد ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸ و ۷۰۹ کود جزا). سرقت در حالات مشدده (م. ۷۰۲) و در اجتماع احوال مشدده (م. ۷۰۴)، جنایت محسوب می‌شود، زیرا جزای آن، حبس طویل پیش‌بینی شده است.

حالات غیر مشدده جرم سرقت را حالات عادی جرم سرقت می‌نامیم، و مصادیق آنرا قرار ذیل بیان می‌کنیم:

### مطلب اول: سرقت با داخل شدن به محل مسکونی:

سرقت با داخل شدن به محل مسکونی یا محلی که برای سکونت آماده شده یا به یکی از ملحقات آن، یکی از مصادیق جرم سرقت است که در ماده ۷۰۰ کود جزا، چنین پیش‌بینی شده است "شخصی که با داخل شدن به محل مسکونی یا محلی که برای سکونت آماده شده یا به یکی از ملحقات آن، مرتکب جرم سرقت گردد به حبس متوسط، محکوم می‌گردد".  
محلات متذکره قرار ذیل شرح می‌شود:

### فرع اول: محل مسکونی:

محل مسکونی، مکانی است که در اصل برای سکونت اختصاص یافته و شخص بخشی از اوقات خود را به هدف آرامش، غذا خوردن و یا خواب در آن سپری نماید، به مفهوم وسیع تر، محل مسکون، محلی را گویند که شخص در آن عملاً اقامت داشته باشد، مانند منازل، هتل، شفاخانه، مدرسه،

زندان، خیمه و سایر محلاتی که در عرف، محل سکونت تلقی می‌گردد<sup>۱</sup>. همچنان شرط نیست که محل مسکونی ذاتاً برای سکونت اختصاص یافته باشد بلکه در صورت وجود علایم سکونت، محل مسکونی محسوب می‌شود، مانند بخشی از اداره دولتی که در آن تنها یک نگهبان می‌خوابد<sup>۲</sup>. ممکن است بعضی محلات گاهگاهی برخلاف هدفی که ساخته شده است منحیث مسکن، مورد استفاده قرار گرفته و حد اقل یک نفر در آن سکونت داشته<sup>۳</sup>، و علایم سکونت در آن مشاهده گردد، مانند اتاقهای محافظین کارخانه‌ها، انبارها، محلات تجارتي، وغيره<sup>۴</sup>.

**فرع دوم: محلی که برای سکونت آماده شده است:**

قانونگذار در کنار محل مسکونی، از محلی که برای سکونت آماده شده، نیز یاد کرده است. این نوع محلات می‌تواند شامل موارد زیر گردد:

الف) اماکنی که جدیداً برای سکونت ساخته شده، اما تاکنون کسی در آن ساکن نگردیده است.

ب) اماکنی که ساکنین آنها گاه گاهی در آنجا سکونت می‌کنند، مانند محلاتی که در یکی از فصل‌های سال، مورد استفاده قرار می‌گیرد، یا محلاتی که ساکنین آنها حین مسافرت از یک محل به محل دیگری از آن استفاده می‌کنند<sup>۵</sup>.

ج) اماکنی که اشخاص در آنجا سکونت می‌کردند، سپس آنجا را تخلیه نمودند، و تا اکنون اشخاص جدیدی در آنجا ساکن نشده‌اند.

**فرع سوم: ملحقات محل مسکونی یا محلی که برای سکونت آماده شده است:**

<sup>۱</sup> - سرور، احمد فتحی، الوسیط فی قانون العقوبات، القسم الخاص، کتاب الثانی، ص ۵۶۲

<sup>۲</sup> - الدرہ، ماهر، عبد شویش، بی تا، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، ص ۲۸۱

<sup>۳</sup> - جندی، عبدالملک، الموسوعه الجنائیه، ج ۴ ص ۲۵۹

<sup>۴</sup> - سرور، احمد فتحی، الوسیط فی قانون العقوبات، القسم الخاص، کتاب الثانی، ص ۵۶۲.

<sup>۵</sup> - سرور، احمد فتحی، الوسیط فی قانون العقوبات، القسم الخاص، کتاب الثانی، ص

قانونگذار در ماده ۷۰۰ کود جزا با استفاده از ضمیر "آن" چنین تعبیر کرده است: "یا به یکی از ملحقات آن". ضمیر "آن" اشاره به مفرد است که به یکی از این دو محل (۱- محل مسکونی، یا ۲- محلی که برای سکونت آماده شده است) اشاره می‌کند، نه به هر دو محل. سوال قابل طرح این است که منظور قانونگذار، ملحقات کدام محل است؛ ۱- ملحقات محل مسکونی، یا ۲- ملحقات محلی که برای سکونت آماده شده است؟ اگر منظور قانونگذار، ملحقات هر دو محل باشد، پس باید با استفاده از ضمیر جمع، اینچنین تعبیر می‌کرد: "یا به یکی از ملحقات آنها".

اما اگر این نقطه با حسن نیت توجیه شود، میتوان گفت که ضمیر "آن" به قریب راجع می‌شود، یعنی ملحقات محلی که برای سکونت آماده شده است که با این توجیه محل مسکونی بطریق اولی شامل این حکم می‌شود، زیرا طبیعتاً محلی است که برای سکونت آماده شده است، به عبارت دیگر، محل مسکونی محلی است که برای سکونت آماده شده است و حکم محل آماده شده برای سکونت را دارد، اگرچه کسی در آن مسکن گزین نباشد.

به هر صورت، منظور از ملحقات محل؛ عبارت از ساحاتی است که مربوط به محل می‌باشد، مانند روی حویلی، داخل دیوار محوطه، گراچ، تهکوی، سطح بام، راه رو خاص، باغچه حویلی، محل نگهداری حیوانات، محل نگهداری پرندگان و امثال آنها، در همه این موارد شرط این است که ملحقات جزئی از منزل و محل مسکون باشد.<sup>۱</sup>

فرع چهارم: حالات سرقت با داخل شدن به محل مسکونی و...

سرقت با داخل شدن به محل مسکونی، دو حالت دارد، حالت عادی و حالت مشدده؛ جزای حالت عادی آن مطابق ماده ۷۰۰ کود جزا، حبس متوسط است، و جزای حالت مشدده آن، مطابق جزء ۴ ماده ۷۰۲ کود جزا، حبس طویل است.

<sup>۱</sup> - جندی، عبدالملک، الموسوعه الجنائیه، ج ۴ ص ۲۶۱



سوال قابل طرح این است که معیار تفکیک میان حالات عادی و حالات مشدده "سرقت با داخل شدن به محل مسکونی" چیست؟ در پاسخ باید گفت که معیار تفکیک میان این دو حالت، استفاده از نوع وسایل است؛ به این معنی که اگر سارق برای داخل شدن به محل، از وسایلی چون "بالا شدن از دیوار یا سوراخ کردن دیوار یا شکستادن دروازه یا شکستادن پنجره یا استعمال کلیدهای ساخته‌گی"، استفاده کرده باشد، این نوع سرقت‌ها، حالات مشدده محسوب می‌شود، در غیر آن، سرقت عادی است.

### تفکر انتقادی

اگر به عبارت "یا هر شکل دیگری" در اخیر جزء ۴ ماده ۷۰۲ کود جزا، دقت کنید، مشکل‌زا است؛ زیرا وجود عبارت مذکور، معیار تفکیک میان حالات عادی و حالات مشدده جرم سرقت - که در بالا ذکر گردید - را از بین می‌برد؛ به این معنی که اگر سرقت با داخل شدن به محل مسکونی به هر شکلی، حالت مشدده باشد، پس سرقت عادی کدام است که ماده ۷۰۰ کود جزا بر آن قابل تطبیق باشد؟ لذا لابد متن "یا هر شکل دیگری" را طوری تفسیر نماییم که تناقض مرفوع گردد. معقولترین تفسیر این خواهد بود که بگوییم مقصود قانون‌گذار از اشکال دیگر اشکالی است که شبیه و یا مثل حالات ذکر شده است. مثلاً در فقره ۴ ماده ۷۰۲ از سوراخ کردن دیوار بحث شده اما از چپه کردن دیوار بحث نشده همچنان از سوراخ کردن سقف بحث نشده، همچنان از بالا شدن از دیوار بحث شده اما از پایین شدن به حویلی از طریق جرثقیل بدون تماس به دیوار بحث نشده.

### مطلب دوم: سرقت آلات یا وسایل تلفونی:

ماده ۷۰۵ کود جزا، چنین تصریح می‌کند: «شخصی که آلات یا وسایلی را که در ارتباطات تلفونی یا اینترنتی یا وسایلی را که در انتقال برق یا گاز یا نفت به کار رفته است، سرقت کند، به حبس متوسط محکوم می‌گردد.»

منظور قانونگذار، سرقت وسایل بکار رفته در ارتباطات تلفونی و انترنتی، و سرقت وسایل بکار رفته در انتقال برق، گاز یا نفت است مانند، سیم، کیبل، پپ، پایه، میتر، ترانسفارمر و امثال آنها، نه سرقت خدمات تلفونی و انترنتی یا سرقت برق، گاز یا نفت. برای مثال: اگر شخصی بطور خفیه، انترنت خود را با استفاده از "وایفای" با انترنت شخص دیگری بدون رضایت او، وصل کند و از خدمات انترنتی او استفاده نماید، یا مایل او را بردارد و به خارج کشور تماس بگیرد و کریدت او را مصرف کند، عمل او سرقت خدمات انترنتی و خدمات تلفونی است که شامل حکم این ماده نمی‌شود. همچنان، اگر شخصی سیم برق خود را بدون آگاهی دولت، با کیبل برق عمومی وصل کند یا پپ تیل را سوراخ کرده تیل بگیرد یا از مخزن گاز، بدون علم یا رضایت مالک آن، گاز بگیرد، اینگونه اعمال، سرقت برق، تیل یا گاز است که شامل حکم این ماده نمی‌شود، بلکه مشمول حکم فقره (۲) ماده ۷۰۱ خواهد شد.

#### فعالیت شماره (۱۴)

#### سوال مباحثوی:

حکم سرقت وسایل بکار برده شده در ارتباطات تلفونی و انترنتی، و وسایل بکار برده شده در انتقال برق، تیل و گاز، در ماده ۷۰۵ کود جزا، در بالا، بیان شد.

آیا شما در روشنایی مواد مندرج ۶۹۹ تا ۷۱۰ کود جزا، به سوالات زیر پاسخ داده می‌توانید؟

۱ - حکم اخذ غیر مجاز برق، گاز و آب، چیست؟

۲ - حکم اخذ غیر مجاز نفت، چیست؟

۳ - حکم استفاده غیر مجاز خدمات تلفونی و انترنتی، چیست؟

۴ - حکم سرقت وسایل بکار رفته در انتقال آب، چیست؟

## پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۱۴)

۱ - مطابق فقره (۲) ماده ۷۰۱ کود جزا، گرفتن غیر مجاز برق، گاز و آب، سرقت نبوده بلکه در حکم سرقت است.

۲ - حکم گرفتن غیر مجاز نفت، در فقره (۲) ماده ۷۰۱ کود جزا، بیان نشده است.

۳ - حکم استفاده غیر مجاز خدمات تلفونی و انترتی، در فقره (۲) ماده ۷۰۱ کود جزا، بیان نشده است.

۴ - حکم سرقت وسایل بکار رفته در انتقال آب، در ماده ۷۰۵ کود جزا، بیان نشده است. اما در ماده ۷۰۱ ذکر شده است.

نظر شما راجع به این پاسخ چیست؟

## تفکرهاي انتقادی

۱- مطابق ماده ۷۰۵ کود جزا، گرفتن غیر مجاز وسایل بکار برده شده در انتقال برق و گاز، سرقت محسوب شده است، اما مطابق فقره (۱) ماده ۷۰۱ کود جزا، اخذ غیر مجاز وسایل تأسیسات برق و گاز، در حکم سرقت است نه سرقت.

آیا وسایل تأسیسات برق و گاز، عین وسایل بکار رفته در انتقال برق و گاز نیست؟ اگر هردو مورد باهم فرق ندارند، پس چرا عین عمل در ماده ۷۰۵ کود جزا، سرقت نامیده شده، و در فقره (۱) ماده ۷۰۱ کود جزا، در حکم سرقت، محسوب شده است؟

۲- وسایل ارتباطات تلفونی و انترتی، و وسایل انتقال برق، گاز و نفت، مندرج ماده ۷۰۵ کود جزا، همه اموال عامه یا اموالی هستند که به مقصد استفاده عامه اختصاص داده شده اند، و حکم آن در ماده ۷۰۱ کود جزا، یکبار بیان شده است، سپس در ماده ۷۰۵ کود جزا، یکبار دیگر تکرار شده است، در

حالی که عناصر آن باهم مشابه و جزای تعیین شده آن نیز همسان اند. به نظر شما، آیا نیاز به همچون تکرار بود؟ و آیا تکرار آن باعث خلط مفاهیم نزد مراجع عدلی و قضائی نمی‌شود؟ یا کدام نظر خاصی دارید؟

### مطلب سوم: سرقت نمبر پلیت واسطه نقلیه:

مطابق ماده ۷۰۶ کود جزا، شخصی که نمبر پلیت واسطه نقلیه را سرقت کند، به حبس قصیر، محکوم می‌گردد. در تعریف سرقت مندرج ماده ۶۹۹ کود جزا، "داشتن قصد تملک" رکن معنوی سرقت دانسته شده است، اما نمبر پلیت واسطه نقلیه از جمله اموالی نیست که قابلیت تملک را داشته باشد، مگر اینکه چنین توجیه گردد که شخص سارق درینجا "قصد تملک بدیل" آنرا داشته، و به همین جهت، عمل او سرقت دانسته شده است.

### مطلب چهارم: سرقت غله یا محصولات زراعتی:

مطابق ماده ۷۰۷ کود جزا «شخصی که غله یا محصولات زراعتی را که تا هنوز درو یا چیده نشده باشد، سرقت کند، به جزای نقدی دو چند قیمت مال مسروقه، محکوم می‌گردد.»

براساس ماده ۲۸۰ قانون مدنی، غله یا محصولات زراعتی، از جمله اموال غیر منقول دانسته می‌شود، اما با قطع کردن یا چیدن آن، حکم اموال منقول را می‌گیرد.

آنچه که ماده مذکور ناگفته به نظر می‌رسد، عدم پیش‌بینی سرقت غله یا محصولات زراعتی که درو یا چیده شده، اما تا هنوز از باغ یا زمین انتقال نیافته است - همان‌گونه که میان زمینداران و باغداران رائج است - در همانجا به منظور از اكمال مراحل لازمی بعدی، یا دریافت خریدار، باقی بماند. پس اگر شخصی همین نوع غله یا محصول زراعتی را سرقت کند، جزای آن چی خواهد بود؟

فعالیت شماره (۱۵)

**قضیه فرضی:**

زمینداری که گندم خود را خرمن کرده و منتظر انتقال به بازار بود، اشخاصی از طرف شب، خرمن مذکور را که سه تن گندم بود به سرقت بردند، چند روز بعد هنگام فروش آن به بازار، گرفتار شدند. راجع به جزای سارقین مذکور در روشنایی مواد ۷۰۹ و ۷۱۴ کود جزا، مباحثه کنید، و آنرا مشخص نمایید؟

**پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۱۵)**

پاسخ احتمالی ارایه نشده است، بلکه پاسخ حقیقی به اشتراک کننده ها محول شده است.

**مطلب پنجم: سرقت در عبادت گاه:**

عبادتگاه محل برگزاری شعائر دینی است، و اطلاق لفظ "عبادتگاه" در ماده ۷۰۸ کود جزا، این مفهوم را افاده می کند که این حکم شامل تمام عبادتگاهها اعم از عبادتگاههای مسلمانان و ادیان دیگر، می شود. همچنان اطلاق لفظ "عبادتگاه" شامل عبادتگاههای رسمی و غیر رسمی، دایمی و مؤقت، عام و خاص، مستقل و مجزا یا ضمیمه شده به دفاتر، بازارها، کارگاهها، محلات تجاری، تفریحگاهها و غیره می شود، مشروط بر اینکه مکان مذکور تنها برای اجرای عبادت و مراسمی دینی، تخصیص یافته باشد.

سوال قابل طرح این است که آیا ملحقات عبادتگاه، در حکم عبادتگاه است؟ در حالی که این ابهام در ماده ۷۰۰ کود جزا رفع، و سرقت در محل مسکونی یا یکی از ملحقات آن تحت حکم واحد، قرار گرفته است.

سرقت در عبادتگاه در قوانین جزائی بعضی کشورها از جمله حالات مشدده شناخته میشود، زیرا اماکن عبادت از حرمت خاصی برخوردار بوده و سارق با عمل جرمی اش، این حرمت را زیر پا مینماید، از سوی دیگر، سارق درینجا از انشغال شخص به عبادت، سوء استفاده نموده و به راحتی میتواند جرم

سرقت را انجام دهد<sup>۱</sup>، لذا ایجاب می‌نماید تا جزای آن شدیدتر باشد، و اماکن یاد شده مورد حمایت بیشتری قرار گیرد. اما این عمل در ماده ۷۰۸ کود جزا، از جرایم عادی محسوب شده، و چنین تصریح گردیده است: «شخصی که با داخل شدن در عبادت گاه مرتکب سرقت شود به حبس متوسط که از سه سال کمتر نباشد، محکوم میگردد.»

### فعالیت شماره (۱۶)

#### سوال مباحثوی:

اگر فقره (۱) ماده ۷۰۱ کود جزا را به دقت بخوانید، می‌یابید که گرفتن اموال متعلق به عبادت‌گاه‌ها، در حکم سرقت است و جزای آن حبس متوسط می‌باشد. آیا این عمل با سرقت مندرج ماده ۷۰۸ کود جزا، فرق دارد یا خیر؟ اگر پاسخ شما بلی باشد، نقاط فرق شانرا واضح سازید. و اگر پاسخ شما نخیر باشد، آیا به این باور هستید که میان فقره (۱) ماده ۷۰۱ و ماده ۷۰۸ کود جزا، تضاد وجود دارد؟

#### پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۱۶)

اخذ اموال متعلق به عبادت‌گاه‌ها به شکل غیر مجاز که در فقره (۱) ماده ۷۰۱ کود جزا، در حکم سرقت دانسته شده است، با سرقت مندرج ماده ۷۰۸ کود جزا فرق ندارد؛ زیرا، صراحت ماده ۷۰۸ کود جزا، عام است و سرقت اموال متعلق به عبادتگاه و سرقت اموال متعلق به عبادت‌کننده گان - هردو - را شامل می‌شود. بنابراین، آنچه در فقره (۱) ماده ۷۰۱ کود جزا، در مورد اخذ غیر مجاز اموال متعلق به عبادتگاه‌ها، ذکر شده، زاید است و قابل حذف می‌باشد. بعضی دانشمندان حقوق، این نظر را تأیید

<sup>۱</sup> - نجیب حسنی ۸۸۲/۲.

می‌کنند که سرقت اموال متعلق به عبادتگاه با سرقت اموال متعلق به عبادت کننده‌گان و یا سائر اشخاصی که در داخل عبادتگاه قرار دارند، تفاوتی ندارد<sup>۱</sup>.

نظر شما راجع به این پاسخ چیست؟

### فعالیت شماره (۱۷)

قضیه فرضی:

شخصی با داخل شدن در محوطه مسجد، یک پایه بادپکه زمینی و سه جوره بوت نمازگذاران را با خود گرفت و فرار نمود و سپس گرفتار شد. مجازات شخص مذکور را مطابق فقره (۱) ماده ۷۰۱ و ماده ۷۰۸ کود جزاء، مشخص کنید؟

نقاط قابل بحث:

سرقت مال متعلق به مسجد.

سرقت مال متعلق به نمازگذاران.

سرقت در محوطه مسجد نه از داخل مسجد.

پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۱۷)

<sup>۱</sup> جندی، عبدالملک، الموسوعه الجنائیه، ج ۴ ص ۲۶۲

وجود همچون قضیه‌ای یکی از نقاطی است که پاسخ صریح و واضح به آن، آسان نیست. زیرا:

- فقره (۱) ماده ماده ۷۰۱ کود جزا، اخذ غیر مجاز اموال متعلق به عبادتگاه، مانند بادپکه زمینی را در حکم سرقت می‌داند که جزای آن حبس متوسط است.

- ماده ۷۰۸ کود جزا، سرقت با داخل شدن به عبادتگاه، اعم از اینکه مال مسروقه، متعلق به مسجد یا متعلق به عبادت‌کننده‌گان باشد را سرقت می‌نامد، و جزای آن حبس متوسط که از سه سال کمتر نباشد است.

- در فقره (۱) ماده ۷۰۱ کود جزا، از اخذ غیر مجاز اموال متعلق به مسجد نام برده شده است، و راجع به اینکه اموال متذکره از داخل مسجد اخذ شده یا از ملحقات آن، تصریح وجود ندارد. نظر شما چیست؟

### مطلب ششم: سرقت اموال کم بها:

ماده ۷۰۹ کود جزا در مورد سرقت اموال کم بها چنین تصریح می‌کند: «هرگاه در جرم سرقت هیچ یکی از احوال مشدده مندرج این فصل موجود نگردد یا قیمت مال مسروقه کمتر از پنج هزار افغانی باشد، مرتکب حسب احوال به حبس قصیر، یا جزای نقدی از ده هزار تا شصت هزار افغانی، محکوم می‌گردد.»

عنوان ماده ۷۰۹ کود جزا، "سرقت اموال کم بها" است، اما این ماده علاوه بر بیان حکم سرقت اموال کم بها، حکم سرقتی که در آن هیچ یک از احوال مشدده، موجود نگردد را نیز بیان کرده است. بنابراین، حکم سرقت اموال کم بها را در (فرع اول) و حکم سرقتی که در آن هیچ یک از احوال مشدده، موجود نگردد را در (فرع دوم) توضیح می‌دهیم.

#### فرع اول: حکم سرقت اموال کم بها:

نظر به صراحت ماده ۷۰۹ کود جزا، اموال کم بها، اموالی است که قیمت آن کمتر از پنج هزار افغانی باشد. خود پنج هزار، شامل اموال کم بها نیست. جزای سرقت اموال کم بها در ماده مذکور حبس قصیر



یا جزای نقدی از ده هزار تا شصت هزار افغانی تعیین شده است. تا اینجا، مسأله بسیار ساده است، اما اشکال با طرح این سوال ایجاد می‌شود: اگر قیمت مال مسروقه در احوال مشدده، کمتر از پنج هزار افغانی باشد، جزایش چیست؟ برای اینکه پاسخ درست را پیدا کنیم، به ماده ۷۰۹ برمی‌گردیم و متن ماده مذکور را به دو روایت (روایت اصلی قانونگذار، و روایت تصویری ما) نقل می‌کنیم، سپس حکم هر روایت را بیان می‌کنیم:

۱- روایت اصلی قانونگذار: قانونگذار، ماده ۷۰۹ را با استفاده از حرف "یا" چنین تعبیر کرده است: «هرگاه در جرم سرقت هیچ یکی از احوال مشدده مندرج این فصل موجود نگردد یا قیمت مال مسروقه کمتر از پنج هزار افغانی باشد، مرتکب حسب احوال به حبس قصیر، یا جزای نقدی از ده هزار تا شصت هزار افغانی، محکوم می‌گردد.»

۲- روایت تصویری ما: ما به عوض حرف "یا"، حرف "و" را استفاده نموده و چنین تعبیر می‌کنیم: «هرگاه در جرم سرقت هیچ یکی از احوال مشدده مندرج این فصل موجود نگردد و قیمت مال مسروقه کمتر از پنج هزار افغانی باشد، مرتکب حسب احوال به حبس قصیر، یا جزای نقدی از ده هزار تا شصت هزار افغانی، محکوم می‌گردد.»

روایت اصلی قانونگذار، دو حالت را شامل می‌شود:

الف) سرقتی که در آن هیچ یک از احوال مشدده، موجود نگردد، جزای آن حبس قصیر یا جزای نقدی از ده هزار تا شصت هزار افغانی است، صرف نظر از اینکه قیمت مال مسروقه کمتر از پنج هزار افغانی است یا بیشتر از پنج هزار.

ب) سرقتی که در آن یکی از احوال مشدده، موجود باشد، دیده می‌شود که قیمت مال مسروقه، چند است؛ اگر بیشتر از پنج هزار افغانی باشد، جزای آن همان جزای پیش‌بینی شده‌ی حالت مشدده است. و اگر قیمت مال مسروقه، کمتر از پنج هزار افغانی باشد، جزای آن حبس قصیر یا جزای نقدی از ده هزار تا شصت هزار افغانی است.

روایت تصویری ما، یک حالت را بیان می‌کند: سرقتی که در آن هیچ یک از احوال مشدده، موجود نباشد، و علاوه بر آن، قیمت مال مسروقه، کمتر از پنج هزار افغانی باشد، جزای آن حبس قصیر یا جزای نقدی از ده هزار تا شصت هزار افغانی است. روایت تصویری ما، مهم نیست، صرف آنرا بخاطری مطرح کردیم که روایت اصلی قانونگذار درست فهمیده شود.

فرع دوم: حکم سرقتی که در آن هیچ یک از احوال مشدده، موجود نگردد:

حالات مشدده‌ی جرم سرقت، عبارت از موارد مندرج ماده ۷۰۲ کد جزا است که جزای آن حبس طویل تعیین شده است. با وجود اینکه جزای سرقت مندرج ماده ۷۰۳ کد جزا، شدیدتر از سرقت مندرج ماده ۷۰۲ کد جزا است، اما حالت مشدده، نامگذاری نشده است. به هر صورت، بر می‌گردیم به اصل موضوع..

نظر به صراحت ماده ۷۰۹ کد جزا، هر سرقتی که در آن حالت مشدده، موجود نگردد، جزای آن حبس قصیر یا جزای نقدی از ده هزار تا شصت هزار افغانی است. در زیر، چند نمونه‌ای از سرقت را ذکر می‌کنیم که جزای مندرج این ماده، بر آن قابل تطبیق است، شما جزای مذکور را بر این نمونه‌ها تطبیق کنید، سپس تناسب جرم و جزا را در آن بررسی نمایید.

یک: شخصی به تنهایی و بدون استفاده از وسایل فریب‌دهنده و بدون استفاده از سلاح، ساعت دو بجه بعد از ظهر وارد یک دکان زرگری شده و با استفاده از مصروفیت دکاندار با مشتریان، یک سیت طلا که سه صد گرام وزن داشت را به سرقت برد.

دو: هنگامی که راننده یک موتر کرولا وارد دواخانه شد، شخصی موتر او را به سرقت برد.

سه: شخصی شیشه موتوری را که در کنار جاده ایستاده بود شکست و یک بکس دستی که به داخل آن یک لک دالر بود به سرقت برد.

چهار: شخصی از طرف روز وارد یکی از مزارع شده و به تعداد ده رأس گاو شیری را به سرقت برد.

چهار نمونه سرقت که در بالا ذکر شد، حالاتی است که هیچ یک از احوال مشدده در آنها موجود نیست. اگر احکام این سرقت ها را در فصل مربوط به سرقت (مواد ۶۹۹ تا ۷۱۰ کود جزا) جستجو کنید، حکمی را نخواهید یافت، جز اینکه ماده ۷۰۹ کود جزا را بر آنها تطبیق کنید. جزای مندرج ماده ۷۰۹، عبارت از حبس قصیر یا جزای نقدی از ده هزار تا شصت هزار افغانی است. اگر این کار را کردید، آیا به سوالات زیر پاسخ دارید:

- آیا جزای مندرج ماده ۷۰۹ متناسب با حجم جرایم چهارگانه فوق الذکر است؟
- آیا حجم سرقت دو یا سه متر کیبل برق که جزای آن حبس متوسط است (ماده ۷۰۵)، بزرگتر از حجم سرقت یک لک دالر از داخل موتر، سرقت یک عراده موتر کرولا، سرقت سه صد گرام طلا، یا بزرگتر از سرقت ده رأس گاو شیری که جزای آنها حبس قصیر است (ماده ۷۰۹) می باشد؟
- آیا حجم سرقت یک جوهره بوت از داخل مسجد که جزای آن حبس متوسط است (ماده ۷۰۸)، بزرگتر از حجم سرقت یک لک دالر از داخل موتر، سرقت یک عراده موتر کرولا، سرقت سه صد گرام طلا، یا بزرگتر از سرقت ده رأس گاو شیری که جزای آنها حبس قصیر است (ماده ۷۰۹) می باشد؟
- آیا حجم سرقت نمبر پلینت واسطه نقلیه که جزای آن حبس قصیر است (ماده ۷۰۶)، برابر با حجم سرقت یک لک دالر از داخل موتر، سرقت یک عراده موتر کرولا، سرقت سه صد گرام طلا، یا بزرگتر از سرقت ده رأس گاو شیری که جزای آن حبس قصیر است (ماده ۷۰۹) می باشد؟

### فعالیت شماره (۱۸)

قضیه فرضی:

شخصی در یکی از روزهای رخصتی، ساعت یک بجه بعد از ظهر وارد مارکیت طلا فروشی می‌شود، و با استفاده از کلیدهای ساختگی، قفل‌های دروازه یکی از دکانها را باز کرده و در حدود ده کیلو طلا را به سرقت می‌برد.

به سوالات زیر پاسخ بدهید؟

- ۱- آیا دکان، محل مسکونی یا از ملحقات محل مسکونی است؟
- ۲- در صورتی که جواب شما نخیر باشد، جزای سرقت فرضیه فوق را در روشنایی مواد ۶۹۹ تا ۷۱۰ کد جزا، پیدا کنید؟
- ۳- جزای متذکره متناسب با حجم جرم می‌باشد؟

پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۱۸)

- ۱- دکانی که در قضیه فرضی فعالیت شماره (۱۸) ذکر شده است، محل مسکونی یا از ملحقات محل مسکونی، محسوب نمی‌شود.
- ۲- مواد ۶۹۹ تا ۷۱۰ کد جزا را به دقت مطالعه کردم، هیچ ماده‌ای جز ماده ۷۰۹، بر این قضیه قابل تطبیق نیست. بنابراین، جزای سرقت متذکره، حبس قصیر یا جزای نقدی از ده هزار تا شصت هزار افغانی می‌باشد.
- ۳- جزای مندرج ماده ۷۰۹، نسبت به حجم سرقت متذکره، بسیار کم است، و اصل تناسب جرم و جزا، هرگز رعایت شده نمی‌تواند.

نظر شما راجع به این پاسخ چیست؟

گفتار دوم: جرایم در حکم سرقت در کد جزا:

خواننده، بعد از دقت به عنوان ماده ۷۰۱ کود جزا، فقره‌های (۱) و (۲) این ماده را نیز با تعمق مطالعه کند، و به سوالات زیر پاسخ ارائه نماید.

۱- اگر یک عمل، "سرقت" نامیده شود، یا "درحکم سرقت" نامیده شود، اولاً: آیا این نوع وصف گذاری برای جرائم، اثر مرتبه دارد. ثانیاً: آیا اینگونه وصف گذاری برای اعمال جرمی، از لحاظ روش قانونگذاری، مشروعیت دارد؟

۲- قانونگذار، اعمال مندرج فقره (۱) ماده ۷۰۱ را وصف جرمی داده است، و جزای آنها را حبس متوسط تعیین کرده است، اما اعمال مندرج فقره (۲) این ماده را وصف جرمی "درحکم سرقت" داده است، و جزای آنها را حبس قصیر تعیین کرده است، درحالی که هر دو فقره، تحت عنوان "جرایم در حکم سرقت" قرار داده شده است. آیا در ذهن شما چنین خطور نمی‌کند که اعمال مندرج فقره (۱)، سرقت است، و اعمال مندرج فقره (۲)، در حکم سرقت است؟

نکات قابل تأمل:

عبارت "اخذ غیر مجاز" در فقره‌های (۱) و (۲) ماده ۷۰۱ کود جزا، تفسیر بردار است، زیرا اخذ مال بطور غیر مجاز، می‌تواند دو صورت داشته باشد، یکی اخذ غیر مجاز به مقصد تملک، و دیگری اخذ غیر مجاز به مقصد استفاده. صورت دومی به هیچ وجه وصف جرمی "سرقت" یا "درحکم سرقت" را دارا بوده نمی‌تواند.

قبلاً نیز یادآور شدیم که میان وصف جرمی اعمال مندرج فقره (۱) ماده ۷۰۱ و ماده ۷۰۵ مشابهت وجود دارد، زیرا وسایل بکار برده شده در ارتباط تلفونی و اینترنتی، و در انتقال برق، گاز و آب که در ماده ۷۰۵ ذکر شده اند، اموال عامه یا اموالی که به مقصد استفاده عامه اختصاص داده شده است هستند که در فقره (۱) ماده ۷۰۱ ذکر شده اند.

وصف جرمی (اخذ غیر مجاز اموال متعلق به عبادتگاه‌ها مندرج فقره (۱) ماده ۷۰۱) با وصف جرمی (سرقت با داخل شدن در عبادتگاه‌ها، مندرج ماده ۷۰۸) تداخل دارند. مگر اینکه تفسیر گردد که

فقره (۱) ماده ۷۰۱، مختص به اموال متعلق به عبادتگاه است مانند ساعت دیواری مسجد، میکروفون مسجد، سجاده مسجد و غیره، و ماده ۷۰۸، طوری تفسیر گردد که مختص به اموال متعلق به عبادت‌کننده‌گان می‌باشد، مانند بوت‌های نمازگذاران.

### گفتار سوم: سرقت به اثر اکراه یا تهدید به استعمال سلاح در کود جزا:

قانونگذار در ماده ۷۰۳ کود جزا، با استفاده از حرف "یا"، کلمه "اکراه" را از کلمه "تهدید به استعمال سلاح" جدا ساخته است. بنابراین، هر دو کلمه بطور جداگانه قابل بحث است.

#### مطلب اول: اکراه

اکراه به دو نوع است؛ تام و ناقص، که ماده ۵۵۳ قانون مدنی<sup>۱</sup> آنرا چنین تعریف می‌کند: « اکراه تام عبارت است از تهدید به خطر فاحش جسمی یا مالی، تهدید به خطر غیر فاحش اکراه ناقص گفته می‌شود.» اکراه مندرج فقره (۱) ماده ۷۰۳ کود جزا، مشخص نشده است که آیا منظور از آن، اکراه مادی و معنوی است یا تنها اکراه مادی؟ همچنان مشخص نشده است که آیا منظور از اکراه مادی، اکراه مادی تام و اکراه مادی ناقص است یا تنها اکراه مادی تام؟ برای رفع این ابهام، به ماده ۱۱۷ کود جزا مراجعه کنید. ماده ۱۱۷ کود جزا، تحت عنوان "اکراه" تنظیم شده است. مطابق فقره (۱) این ماده، اکراه، شامل اکراه مادی و معنوی می‌شود، و فقره (۲) این ماده، مواجه شدن به از دست دادن جان و اعضای بدن را اکراه می‌داند؛ به این معنی که مواجه شده به ضرب و جرح و حالاتی دیگری که به حد از دست دادن جان و اعضای بدن نرسد، شامل اکراه نیست.

سوال قابل طرح این است که آیا اکراه مندرج فقره (۱) ماده ۷۰۳ کود جزا را می‌توان در روشنایی فقره های (۱) و (۲) ماده ۱۱۷ کود جزا، تفسیر کرد و گفت که منظور قانونگذار از سرقتِ توأم با اکراه در فقره (۱) ماده ۷۰۳ کود جزا، اکراه مادی و اکراه معنوی است، و منظور او از اکراه مادی، تنها اکراه تام می‌باشد؟

<sup>۱</sup> - قانون مدنی، منتشره جریده رسمی شماره ۳۵۳، مؤرخ ۱۳۵۵/۱۰/۱۵.

برای وضاحت بیشتر اکراه معنوی و اکراه مادی، به مثالهای زیر توجه کنید.

- مثال اکراه معنوی: شخصی وارد یک منزل گردید و از ساکنین آن خواست که پول و طلاهای خود را تسلیم او کنند، اما ساکنین منزل حاضر به تسلیمی آن نشدند، در این هنگام چشم سارق به یک البوم عکسهای فامیلی این خانواده افتید و آنرا گرفت و ساکنین منزل را تهدید کرد که اگر پول و طلاهای خود را تسلیم نکنند، این عسکها را از طریق فیس بوک به نشر می‌رساند، ساکنین منزل پول و طلاهای خود را تسلیم سارق کردند.

- مثال اکراه مادی تام: شخصی وارد یک منزل گردید و ساکنین منزل را به قتل یا شکستن اعضای بدن تهدید کرد و آنها را به تسلیمی پول و طلا، و ادار ساخت.

- مثال اکراه مادی ناقص: شخصی وارد یک منزل گردید و ساکنین منزل را به لت و کوب تهدید کرد و آنها را به تسلیمی پول و طلا، و ادار ساخت.

### فعالیت شماره (۱۹)

#### کارگروپی:

اشتراک کننده‌گان، در روشنایی ماده ۱۱۷ کود جزا، پیرامون مثالهای فوق، تحقیق کنند و بگویند که منظور قانونگذار از سرقتِ توأم با اکراهِ مندرج فقره (۱) ماده ۷۰۳ کود جزا، چیست؟ آیا هر دو نوع اکراه (مادی و معنوی)، و هر دو نوع اکراه (تام و ناقص) منظور است یا خیر؟

استاد برنامه، نظریات اشتراک کننده‌ها را جمع‌بندی نموده و نتیجه نهایی را ظاهر کنند.

#### پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۱۹)

پاسخ احتمالی ارایه نشده است بلکه پاسخ یقینی به کارگروپی داخل صنف محول شده است.

به نظر بعضی نویسندگان، سرقتِ توأم با اکراه عبارت است از: سرقت با توسل به قوهٔ مادی یا معنوی به منظور مجبور کردن و تضعیف هر گونه مقاومت مجنی علیه، در برابر فاعل و تن دادن او در برابر آنچه که سارق به آن تمایل داشته و منجر به این میگردد تا از دارایی که در حیازت دارد، انصراف نماید.<sup>۱</sup>

به عبارت دیگری، سرقتِ توأم با اکراه عبارت است از: "استفادهٔ سارق از هر گونه وسیله برضد مجنی علیه که منجر به کاهش یا از بین بردن مقاومت او گردیده و ارتکاب سرقت را آسان سازد."<sup>۲</sup>

بعضی، سرقتِ مندرج فقره (۱) ماده ۷۰۳ کود جزا را توأم با اکراه طوری تفسیر می‌کنند که عبارت "به استعمال سلاح" وصف برای هر دو کلمه "اکراه" و "تهدید" است؛ یعنی، (اکراه به استعمال سلاح یا تهدید به استعمال سلاح) بنابراین، منظور قانونگذار از اکراه مندرج فقره (۱) ماده ۷۰۳ کود جزا، اکراه مادی است نه اکراه معنوی، زیرا کلمه "اکراه" با عبارت "به استعمال سلاح" وصف شده است، که اکراه معنوی را خارج می‌سازد. این نظر قابل بحث است.

### مطلب دوم: تهدید

سرقتِ توأم با تهدیدِ مندرج فقره (۱) ماده ۷۰۳ کود جزا، با عبارت "به استعمال سلاح" وصف شده است. بنابراین، سرقتِ توأم با تهدید به استعمال وسایلی که سلاح محسوب نمی‌شود، مشمول این حکم نمی‌باشد، مانند، تهدید به استعمال چوب، سنگ، خشت و امثال آنها. اما اگر مجنی علیه در اثر تهدید به استعمال وسایلی چون سنگ، چوب، خشت و امثال آنها، مکره قرار گیرد، و طوری تصور کند که استعمال این وسایل باعث از دست دادن جان و یا عضو بدنش یا مجروحیت شدید او خواهد شد، در آنصورت، این گونه سرقت وصف جرمی سرقتِ توأم با اکراه را بخود می‌گیرد و مشمول حکم مندرج فقره (۱) ماده ۷۰۳ کود جزا می‌شود.

نکته:

<sup>۱</sup> الدرہ، ماهر عبد شاولیش، همان منبع ص ۲۸۸ منقول از حمید السعدی جرایم الاعتداء علی الاموال، ص ۲۱۵ و ۲۱۶

<sup>۲</sup> همان منبع ص ۲۸۸ به نقل از محمود، مصطفی القللی، قسم خاص، ص ۴۹۶



قانونگذار در فقره (۱) ماده ۷۰۳ کود جزا، سرقتِ توأم با اکراه یا تهدید به استعمال سلاح را مقید به حالت خاصی نکرده است؛ به این معنی که این سرقت می‌تواند همراه با حالات مشدده مندرج ماده ۷۰۲ کود جزا، اتفاق بافتد، همچنان ممکن است با حالات عادی سرقت، همراه باشد. بنابراین، جزای سرقت مندرج فقره (۱) ماده ۷۰۳ کود جزا، در هر حالتی که اتفاق بافتد، جزای آن حد اکثر حبس طویل است.

### گفتار چهارم: جزای جرم سرقت در کود جزا:

قانونگذار، طی مواد ۶۹۹ تا ۷۱۰ کود جزا، حالات سرقت را به سه کتگوری تقسیم کرده است؛ حالات عادی، حالات مشدده، و اجتماع احوال مشدده. سرقت مندرج فقره (۱) ماده ۷۰۳ قابل بحث است.

### مطلب اول: جزای حالات عادی جرم سرقت:

سرقت‌های مندرج مواد (۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، و ۷۰۹ کود جزا) حالات عادی است و جزای هر یک در مواد متذکره بیان شده است. حالات عادی جرم سرقت را تحت عنوان "مصادیق جرم سرقت" در بالا به تفصیل بیان کردیم.

سرقت در حالات مندرج ماده ۷۰۲ کود جزا، مشدده است که جزای آن حبس طویل تعیین گردیده است. جزئیات حالات مشدده در "مطلب دوم" این گفتار، به تفصیل بیان خواهد شد.

سرقت مندرج ماده ۷۰۴ کود جزا، اجتماع احوال مشدده است که جزای آن، حبس طویل بیش از هفت سال تعیین شده است، و جزئیات آنرا در "مطلب سوم" این گفتار، بیان خواهیم کرد.

نکته:

قبل از اینکه در مورد حالات مشدده جرم سرقت و اجتماع احوال مشدده، بحث کنیم، این نکته قابل یاد آوری است که جزای سرقت مندرج فقره (۱) ماده ۷۰۳ کود جزا، حد اکثر حبس طویل، تعیین شده است، یعنی شدیدتر از جزای حالات مشدده مندرج ماده ۷۰۲ کود جزا، و شدیدتر از جزای اجتماع

احوال مشدده مندرج ماده ۷۰۴ کود جزا، اما با وجود این هم، قانونگذار برای این حالت، عنوان حالت مشدده را نداده است. به نظر نویسنده بهتر آن بود که قانونگذار سرقت مندرج فقره (۱) ماده ۷۰۳ کود جزا را تحت عنوان حالات مشدده جرم سرقت مندرج ماده ۷۰۲ کود جزا، در یک فقره مستقل قرار می‌داد، و جزای آنرا، حد اکثر حبس طویل، تعیین می‌کرد.

### مطلب دوم: جزای حالات مشدده جرم سرقت:

حالات مشدده جرم سرقت در ماده ۷۰۲ کود جزا بیان شده است. نکته قابل ذکر این است که جزای جرم مندرج ماده ۷۰۳ نسبت به جزای مندرج ماده ۷۰۲، شدیدتر است اما وصف حالت مشدده بر آن داده نشده است - به هر صورت - جزای جرایم مندرج ماده ۷۰۲ کود جزا، به اعتبارات مختلف، تشدید شده است، که آنها را قرار ذیل توضیح می‌دهیم.

۱. تشدید جزای جرم سرقت به اعتبار زمان ارتکاب آن.
۲. تشدید جزای جرم سرقت به اعتبار تعدد مرتکبین آن.
۳. تشدید جزای جرم سرقت به اعتبار کاربرد وسیله ترساننده در ارتکاب آن.
۴. تشدید جزای جرم سرقت به اعتبار مکان و نحوه ارتکاب آن.
۵. تشدید جزای جرم سرقت به اعتبار استفاده وسایل حيله آمیز در ارتکاب آن.
۶. تشدید جزای جرم سرقت به اعتبار صفت مرتکب (سرقت توسط کارگر)

هریک از اعتبارات فوق الذکر را در فروع جداگانه، به بحث می‌گیریم.

#### فروع اول: تشدید جزای جرم سرقت به اعتبار زمان ارتکاب آن

سرقت بین غروب و طلوع آفتاب یکی از حالات مشدده جرم سرقت است و جزای آن مطابق فقره (۱) ماده ۷۰۲ کود جزا، حبس طویل می‌باشد.

شب از نظر عرف، بر زمانی اطلاق می‌شود که تاریکی همه جا را فراگرفته و ساحه دید، بسیار محدود می‌باشد، این مدت زمانی، می‌تواند تفسیر بردار باشد؛ بعضی شاید در فصل بهار، ساعت هفت بجه را

آغاز شب بگویند و بعضی دیگر شاید ساعت هشت بجه را آغاز شب بگویند. بنابراین، قانونگذار بخاطری که راه برای تفسیر های متفاوت را مسدود کرده باشد، به عوض کلمه "شب"، عبارت "بین غروب و طلوع آفتاب" را بکار برده است.

در تشدید مجازات جرم سرقت به اعتبار زمان، تعدد مرتکبین، شرط گذاشته نشده است. بنابراین، اگر سرقت توسط یک شخص، بین غروب و طلوع آفتاب صورت گیرد، حالت مشدده محسوب می شود.

در اینجا یک سوال قابل طرح است که، آیا علت تشدید جزای سرقت "بین غروب و طلوع آفتاب"، آن است که مرتکب با استفاده از تاریکی می تواند به آسانی به سرقت مورد نظر خود دست یابد، و زمینه فرار، عدم شناسایی و عدم گرفتاری او، مساعدتر است؟ همچنان در شب، همگان به خواب می روند، و در این محدوده زمانی، آرامش مردم بیشتر به هم خورده و ورود صدمه جسمی و روانی بر آنها بیشتر متصور است.<sup>۱</sup>

دیده میشود که کود جزای افغانستان به علت یاد شده یا هر سبب دیگری، سرقت از طرف شب را علت تشدید مجازات دانسته است، که با روند زندگی طبیعی و معمولی، همخوانی و هماهنگی داشته و محدوده زمانی شب، غالباً زمان آرامش و سکون مردم می باشد که نباید مختل گردد، اما نقیض این حالت نیز متصور و حتی عملاً متفاوت نیز می باشد، طوریکه برخی اشخاص از طرف روز استراحت بوده و در شب به کار آغاز می نمایند.

از سوی دیگر، اگر پاسخ سوال فوق الذکر بلی باشد، پس علت تشدید مجازات جرم سرقت در کشورهایی که همه شهرها در شب مانند روز روشن است، و فیصدی معینی از مردم، نسبت کار شبانه، در روز می خوابند، و فیصدی دیگری از آنها، نسبت کار روزانه، در شب می خوابند، چپ خواهد بود؟ در کشورهای عربی خلیجی، هشتاد درصد مردم، بین دو تا چهار بجه عصر، می خوابند و در این مدت

<sup>۱</sup> الدرہ، ماهر، عبد شویب، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، ص ۲۷۸ منقول از حمید السعدی، شرح قانون العقوبات الجديد قسم خاص

زمانی، یک آرامش عجیبی در کوچه ها و سرکها، حاکم می باشد، سرقت در این مقطع زمانی، چپ حکم خواهد داشت؟

### فعالیت شماره (۲۰)

#### فرضیه ها:

فرضیه اول: فرض را بر این بگیرید که ساعت ۷:۰۰ بجه، آفتاب غروب می کند. شخصی ساعت ۶:۵۰ وارد یک منزل گردید، و جمع کردن اموال قیمت بهای منزل و جابجا کردن آن در یک بوجی، نیم ساعت را گرفت، سارق بوجی را برداشته و ساعت ۷:۲۰ از منزل برون شد، وهنگام فرار، گرفتار شد.

آیا سرقت مذکور، حالت مشدده است یا حالت عادی؟

فرضیه دوم: فرض را بر این بگیرید که ساعت ۵:۳۰ بجه، آفتاب طلوع می کند. شخصی ساعت ۵:۲۰ وارد یک منزل گردید، و جمع کردن اموال قیمت بهای منزل و جابجا کردن آن در یک بوجی، نیم ساعت را گرفت، سارق بوجی را برداشته و ساعت ۵:۵۰ از منزل برون شد، وهنگام فرار، گرفتار شد.

#### پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۲۰)

در رابطه به فرضیه های فعالیت شماره (۲۰) چندین پاسخ احتمالی وجود دارد.

- یکی از پاسخ‌های احتمالی این است که سرقت در هردو فرضیه، حالت مشدده را دارد، زیرا جزئی از سرقت، در بین غروب و طلوع آفتاب واقع شده است.

- پاسخ دیگر احتمالی این است که سرقت در هردو فرضیه، حالت عادی را دارد، زیرا جزئی از آن، بین غروب و طلوع آفتاب، و جزئی دیگر آن قبل از غروب یا بعد از طلوع آفتاب، واقع شده است، و قانون به نفع متهم تفسیر می‌شود.

- پاسخ احتمالی سوم این است که، اعتبار به ختم عمل سرقت داده می‌شود نه به آغاز آن؛ بنابراین، سرقت در فرضیه اول، حالت مشدده است، زیرا در قبل از غروب آفتاب آغاز، و بعد از غروب آفتاب، خاتمه یافته است. اما سرقت در فرضیه دوم، حالت عادی است، زیرا قبل از طلوع آفتاب، آغاز و بعد از طلوع آفتاب، خاتمه یافته است. نظر شما راجع به این پاسخ چیست؟

فرع دوم: تشدید جزای جرم سرقت به اعتبار تعدد مرتکبین آن:

مورد دیگری از حالات مشدده جرم سرقت، ارتکاب آن توسط دو یا بیشتر از دو شخص است. اطلاق کلمه "شخص"، این مفهوم را می‌رساند که جنسیت و بلوغ در ترکیب تعدد، شرط نیست.

تعدد مرتکبین می‌تواند حد اقل، مرکب از دو فاعل اصلی یا فاعل اصلی و شریک باشد، وجود یک فاعل اصلی و یک معاون، تعدد مرتکبین را تشکیل نمی‌دهد.<sup>۱</sup>

برای تشدید مجازات جرم سرقت به اعتبار تعدد مرتکبین، وقوع آن در زمان مشخص، شرط گذاشته نشده است، بنابراین، هرگاه سرقت توسط دو شخص یا بیشتر از آن، در هنگام روز صورت گیرد، حالت مشدده محسوب می‌شود.

<sup>۱</sup> ماده ۶۷ کود جزا

علت تشدید مجازات جرم سرقت به اعتبار تعدد مرتکبین این خواهد بود که با بیشتر شدن تعداد سارقان و هماهنگی میان آنها، از یک سو ارتکاب جرم سرقت آسان تر خواهد شد، و از سوی دیگر، تعدد مرتکبین، حجم فشار بر مسروق منه را بیشتر خواهد ساخت.

### فعالیت شماره (۲۱)

#### فرضیه‌ها:

فرضیه اول: یک عراده موتر که به ساعت دوازده بجه روز از کنار جاده توسط دو شخص به سرقت برده شد، شخص اولی، فاعل اصلی و شخص دومی، شریک او بود. آیا این سرقت، حالت تشدد به اعتبار تعدد مرتکبین را تشکیل می‌دهد؟

فرضیه دوم: یک عراده موتر که به ساعت دوازده بجه روز از کنار جاده توسط دو شخص به سرقت برده شد، شخص اولی، فاعل اصلی و شخص دومی، معاون او بود. آیا این سرقت، حالت تشدد به اعتبار تعدد مرتکبین را تشکیل می‌دهد؟

#### پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۲۱)

فرضیه اول، حالت تشدد به اعتبار تعدد مرتکبین را تشکیل می‌دهد، اما فرضیه دوم، حالت تشدد به اعتبار تعدد مرتکبین را تشکیل نمی‌دهد، زیرا نظر به صراحت ماده ۶۷ کود جزا، تنها موجودیت شریک در ارتکاب جرم، تعدد محسوب می‌شود، و ماده مذکور راجع به موجودیت معاون، صراحت ندارد، عدم صراحت به معنی عدم جواز است، چون اصل در حقوق عمومی، منع است.

نظر شما راجع به این پاسخ چیست؟

فرع سوم: تشدید جزای جرم سرقت به اعتبار کاربرد وسیله ترساننده:

از جمله موارد تشدید جزای جرم سرقت، ارتکاب آن با حمل سلاح است. سلاح وسیله‌ی جرح و قتل است. قانونگذار تعریفی از نوع سلاح حمل شده در ارتکاب جرم سرقت، نکرده است، پس برای روشن شدن حکم، انواع مختلف اسلحه را باید ذکر کنیم:

اسلحه‌ای که توسط یک شخص قابل حمل است، عموماً به ناریه و جارحه، تقسیم می‌شوند؛ سلاح ناریه، سلاح گرم است که دارای میله پرتاب کننده می‌باشد، این نوع اسلحه، دو شکل دارد:

۱- سلاح ناریه، که مخصوصاً برای جرح یا قتل انسان ساخته شده است، مانند: تفنگچه، کلاشینکوف، کارابین ده‌تکه و امثال آنها.

۲- سلاح ناریه، که مخصوصاً برای شکارکردن ساخته شده است اما برای جرح یا قتل انسان نیز استفاده شده می‌تواند، مانند چره‌یی، دهن‌پر و امثال آنها.

سلاح جارحه، سلاح سرد است که قابلیت فیر کردن را ندارد، و به دو نوع می‌باشد:

۱- سلاح جارحه، که مخصوصاً برای جرح یا قتل انسان ساخته شده است، مانند برچه، پیش‌قبض، کارد یا چاقو های مخصوص ضرب و جرح و امثال آنها.

۲- سلاح جارحه، که مخصوصاً به منظور جرح یا قتل انسان ساخته نشده، بلکه برای منظورهای دیگری ساخته شده است، مانند داس، تیشه، تبر، چاقوی آشپزخانه، قیچی و امثال آنها.

سوال قابل طرح این است که منظور قانونگذار از سلاح مندرج جزء ۳ ماده ۷۰۲ کود جزا، کدام نوع سلاح است؟ برای پاسخ به این پرسش، نیاز به توضیحات زیر است:

به نظر نویسنده، منظور از سلاح در جزء ۳ ماده ۷۰۲ کود جزا، سلاح ناریه و جارحه است، به دلیل اینکه:

اولاً: در اکثر موارد، اگر منظور قانونگذار، تنها سلاح ناریه باشد، کلمه "ناریه" را تصریح می‌کند، اما در اینجا کلمه "سلاح" را مطلق ذکر کرده است، و اطلاق، همیشه عمومیت دارد، مگر اینکه تخصیص وارد گردد، که نگردیده است.

ثانیاً: جزای جرم سرقت با حمل سلاح بخاطری تشدید شده است که سلاح، سارق را با جرئت تر و مصمم تر ساخته، و مسروق منه را تحت تأثیر قرار داده و وحشت زده می‌کند، و او را از مقاومت باز می‌دارد، و زمینه برای انجام عمل سرقت را بیشتر مساعد می‌سازد، اسلحه جارحه، عین هدف را متحقق ساخته می‌تواند.

ثالثاً: قانونگذار در مواردی که سلاح ناریه و جارحه، تأثیر همسان دارند، آنها را در حکم واحد قرار داده است، مانند: جزء ۳ ماده ۲۳۶، فقره (۱) ماده ۳۱۲ و ماده ۵۹۱.

بنابراین، پاسخ را می‌توان چنین خلاصه کرد که: اسلحه ناریه با هردو نوع آن، و اسلحه جارحه که مخصوصاً برای جرح یا قتل انسان ساخته شده اند، مشمول سلاح مندرج جزء ۳ ماده ۷۰۲ کود جزا، هستند، ولو مرتکب آنرا به منظور دیگری غیر از سرقت، با خود حمل کرده باشد. اما اسلحه جارحه که مخصوصاً برای جرح یا قتل انسان ساخته نشده است مانند داس، قیچی، تیشه، تبر و امثال آنها، در صورتی مشمول سلاح جزء ۳ ماده ۷۰۲ کود جزا شده می‌توانند که سارق آنرا به منظور ارتکاب سرقت، حمل کرده باشد.<sup>۱</sup>

نقاط دیگری که در زمینه قابل یادآوریست؛ اینکه، داشتن یا نداشتن جواز سلاح، سالم بودن یا خراب بودن سلاح، پر بودن یا خالی بودن سلاح ناریه، شرط تشدید مجازات جرم سرقت نیست. اسلحه‌ای که بشکل باز یچه‌های اطفال هستند، مشمول این حکم نیستند.

معیار در تشدید جزای جرم سرقت با حمل سلاح، وجود حد اقل یک میل یا یک قبضه سلاح است. بنابراین، حمل اسلحه متعدد، جزا را از شدید به شدیدتر ارتقا نمی‌دهد، بلکه حمل سلاح واحد یا

<sup>۱</sup> همان منبع، سرور، احمد فتحی ص ۵۷۱



متعدد، حکم یکسان دارد. همچنان ظاهر بودن سلاح، شرط تشدید نیست بلکه حالت، مشدده است، ولو سارق، سلاح پنهان را حمل کرده باشد.

**فرع چهارم: تشدید جزای سرقت به اعتبار مکان و نحوه ارتکاب آن:**

قانونگذار در جزء ۴ ماده ۷۰۲ کود جزا، سرقت با داخل شدن به محل مسکونی، محلی که برای سکونت آماده شده یا به یکی از ملحقات آنرا حالت مشدده دانسته و جزای آنرا حبس طویل تعیین کرده است، در حالی که در ماده ۷۰۰ این قانون، سرقت با داخل شدن به محل مسکونی، محلی که برای سکونت آماده شده یا به یکی از ملحقات آنرا حالت عادی سرقت دانسته و جزای آنرا حبس متوسط تعیین کرده است.

ویژگی ایکه در جزء ۴ ماده ۷۰۲ وجود دارد و باعث تشدید مجازات جرم سرقت شده است، نحوه داخل شدن سارق به مسکن است؛ در اینجا سارق به وسیله بالا شدن به دیوار یا سوراخ کردن دیوار یا شکستادن دروازه یا پنجره یا با استعمال کلیدهای ساخته‌گی، داخل مسکن شده است. بنابراین، نحوه داخل شدن به مسکن، سبب تشدید شده است.

در رابطه به استفاده از کلیدهای ساختگی باید گفت که اگر سارق به کلید اصلی دست یابد و با استفاده از آن، درب مسکن را باز کند و داخل شود و سرقت کند، این حالت را نمی توان مشمول تشدید مجازات جرم سرقت دانست، زیرا قانونگذار، استفاده از کلید ساختگی را موجب تشدید مجازات دانسته است، و کلید اصلی به هیچ صورت، کلید ساختگی گفته نمی‌شود<sup>۱</sup>.

دلیل تشدید مجازات سرقت مندرج جزء ۴ ماده ۷۰۲ کود جزا، این است که در کارگیری این شیوه ها از جانب مرتکب، خشونت بیشتر وجود دارد و با اعمال آنها میزان مقاومت مسروق منه، کم تر شده و نمی‌تواند برای دفع آن هیچ اقدامی نماید، علاوه بر آن، استفاده از این روش ها دال بر حالت خطرناک بودن مرتکبین سرقت و نشان دهنده عزم قوی شان برای ارتکاب سرقت است.

<sup>۱</sup> سرور، احمد فتحی، همان منبع ص ۵۶۶

مفهوم محل مسکونی، محلی که برای سکونت آماده شده است و ملحقات آنها، قبلاً توضیح گردید.

**فرع پنجم: تشدید جزای جرم سرقت به اعتبار استفاده از وسایل حيله آمیز:**

قانونگذار در جزء ۵ ماده ۷۰۲ کود جزا، سرقت با استفاده از وسایل حيله آمیز را، حالت مشدده خوانده است. نکته جالب این است که قانونگذاری چند نمونه‌ای از این وسایل را تصریح، سپس با استفاده از عبارت «یا استعمال سایر وسایل حيله آمیز» درب این حالت را باز گذاشته است. وسایلی را که قانونگذار تصریح نموده، عبارت است از: لباس نظامی، لباس سایر موظفین خدمات عامه، امر تزویر شده، یا وسیله سازی یکی از ساکنین محل.

برخی از این وسایل، نیاز به وضاحت دارد که قرار زیر توضیح داده می‌شود.

- لباس نظامی، یونیفورم مخصوصی است که برای همگان آشناست، اما سایر موظفین خدمات عامه، لباس مخصوص ندارند، جز قضات، خرنوالان و وکلای مدافع که چبن مخصوصی دارند، اما آنرا در خارج از وظیفه، استفاده نمی‌کنند. پس منظور قانونگذار چی بوده می‌تواند؟

- استفاده از امر تزویر شده به ادعای اینکه از طرف مقامات با صلاحیت دولت صادر شده است، نمونه آنرا می‌توان امر تزویر شده منسوب به محکمه که در آن امر تلاشی منزل داده شده باشد، یا هر امر دیگری شبیه آن.

- وسیله سازی یکی از ساکنین محل، طوری شده می‌تواند که سارقین نام صاحب خانه مورد نظر شانرا پیدا کنند، سپس وارد کوچه شده و یکی از همسایه ها را که در روی کوچه است بپرسند و بگویند که خانه فلانی خان کدام است، ما خویشاوندان او هستیم و از فلان ولایت آمده ایم، و از او بخواهند که دروازه او را تک بزند و خود را معرفی کند و بگوید که در را باز کنید که خانه شما مهمان آمده است، یا از این قبیل وسیله سازی ها. شخص ساکن در محل، که وسیله قرار گرفته است، شاید کلاً از موضوع غافل باشد، همچنان بعید نیست که شخص مذکور از همکاران آنها باشد.

علت تشدید مجازات سرقت مندرج جزء ۵ ماده ۷۰۲ کود جزا این است که استفاده از وسایل حيله آمیز، فریبنده است و صاحب مسکن را غافلگیر نموده و زمینه را برای عملی کردن سرقت، مساعد می‌سازد.

فرع ششم: تشدید جزای سرقت به اعتبار صفت مرتکب ( سرقت توسط کارگر):

مطابق جزء ۶ ماده ۷۰۲ کود جزا، سرقت توسط کارگر، حالت مشدده است. طبق جزء ۴ ماده سوم قانون کار<sup>۱</sup>، «کارگر عبارت از کارکنی است که به اساس قرارداد معین در اداره استخدام می‌شود.» سوال قابل طرح این است که آیا منظور قانونگذار، عموم کارگران هستند یا کارگری که در قانون کار تعریف شده است؟ در پاسخ به این سوال باید نخست علت تشدید مجازات سرقت توسط کارگر را جویا شویم، سپس حکم کنیم. علت تشدید این است که کارگر با این عمل، اعتمادی را که میان او کارفرما وجود دارد از بین می‌برد و احساس امنیت بودن سایر کارگران نزد کارفرمایان را نیز صدمه می‌زند، علاوه بر آن، مرتکب با استفاده از وصف کارگر بودن، به سهولت می‌تواند به مال مورد نظر، دسترسی پیدا کند.

با بیان این علت، به نظر می‌رسد که منظور قانونگذار، عموم کارگران است، زیرا علت مذکور در قسمت هر کارگر صدق می‌کند، از جانب دیگر اگر منظور قانونگذار را منحصر به کارگرانی بسازیم که در قانون کار تعریف شده است، وارد اشکالات زیادی می‌شویم:

اول: کارگری را که قانون کار تعریف کرده است، اکثراً وصف موظف خدمات عامه را بخود می‌گیرد، زیرا مؤلف خدمات عامه در جزء ۳ ماده چهارم کود جزا، وسیع تعریف شده و کارگران تشبثاتی را که خدمات عامه را انجام می‌دهند را نیز شامل می‌شود، بنابراین، گرفتن مال غیر بدون رضایت مالک، توسط مؤلف خدمات عامه، به مقصد تملک، غالباً وصف اختلاس - در صورتیکه مال مذکور منحصراً وظیفه به وی، سپرده شده باشد - یا تصرف غیر قانونی در مال را بخود می‌گیرد.

<sup>۱</sup> - قانون کار، منتشره جریده رسمی شماره ۹۶۶ مؤرخ ۱۶ قوس ۱۳۸۷.

دوم: در اطلاق کلمات، اصل بر این است که "مطلق، عمومیت دارد"، قانونگذار کلمه "کارگر" را بطور مطلق ذکر کرده است، مقید کردن آن بدون کدام دلیل، جواز ندارد.

نکات مهم دیگری که در رابطه به حالت مشدده مندرج جزء ۶ ماده ۷۰۲ کود جزا وجود دارد قرار ذیل است:

- قانونگذار، سرقت توسط کارگر را مشروط به ذهنیت کارگر ساخته و قصد وارد نمودن ضرر به کارفرما را شرط تشدید مجازات قرار داده است، بدین معنی که اگر کارگر، مال کارگر دیگر (همکار) خود را و یا هم مال مهمان یا مشتری کارفرما، را سرقت کند، حالت مشدده را به خود نمی گیرد، که این دیدگاه را برخی از دانشمندان حقوق نیز تایید نموده اند،<sup>۱</sup> اما طوریکه دیده میشود، عبارت «به قصد وارد نمودن ضرر به کار فرما» قید قابل بحث به نظر میرسد، زیرا در جزء مذکور، قانونگذار تصریح نکرده است که کارگر مال کارفرما را به قصد ضرر رسانیدن به وی سرقت کند، بلکه گفته است: «سرقت توسط کارگر به قصد وارد نمودن ضرر به کارفرما»، که در این صورت، هرگاه کارگر مال متعلق به کار فرما را سرقت نماید، پس بدون شک، رسیدن ضرر به وی متحقق بوده و حالتی تصور نمی گردد که سرقت مال متعلق به کار فرما، ضرری به وی نداشته باشد. اما اگر کارگر مال اشخاص دیگر چون مهمانان یا مشتریان کارفرما را دزدی نماید، بازهم خواهی نخواهی کارفرما از حیث معنوی شدیداً متاثر و متضرر گردیده و گاهی هم ممکن است، ضرر معنوی (چون ریختن آبرو) و مادی (چون قطع رابطه تجارتي) هردو را در پی داشته باشد، قانون گذار نیز درینجا مطلقاً از ضرر نام برده است که هردو نوع آن را شامل می گردد، همچنان سرقت کارگر از کارگر دیگری هرچند در ظاهر و از حیث مادی به کار فرما تعلق نمی گیرد، اما شکی نیست که در برهم زدن فضای اعتماد کاری میان همکاران و مقتضای امانت داری کارگر، تاثیر گذار بوده و ضرر آن به نحوی به کار فرما میرسد، بناء، سرقت توسط کارگر از محیط کاری وی، خواهی نخواهی منجر به رسیدن ضرر مادی یا معنوی به کارفرما گردیده و چنانیکه در قوانین برخی

<sup>۱</sup> - حسنی، نجیب، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص ۸۹۶.

کشورهای اسلامی مشاهده می‌گردد، مطلق ارتکاب سرقت توسط کارگر در محیط کاری، باید از جمله حالات مشدده شناخته شود.<sup>۱</sup>

- عمل کارگر در صورتی سرقت محسوب می‌شود که مال به وی امانت سپرده نشده باشد، در غیر آن، عمل او، وصف جرمی خیانت در امانت را دارد.

### مطلب سوم: جزای اجتماع احوال مشدده جرم سرقت:

اجتماع احوال مشدده مندرج ماده ۷۰۴ کود جزا، در وقتی تحقق می‌یابد که از جمله شش حالت مشدده مندرج ماده ۷۰۲ کود جزا، چهار حالت آن همزمان صورت گیرد، چهار حالت مذکور عبارت اند از:

ارتکاب جرم سرقت:

۱. توسط دو یا بیش از دو شخص؛

۲. بین غروب و طلوع آفتاب؛

۳. با حمل سلاح ظاهر یا پنهان توسط یکی از آنها؛ و

۴. در محل مسکونی یا محلی که برای سکونت آماده شده است.

بنابراین، انتفای یک از حالات چهارگانه فوق، موجب نفی اجتماع احوال مشدده می‌شود؛ یعنی اگر سرقت با اجتماع سه حالات از حالات فوق، ارتکاب یابد، مشمول حکم ماده ۷۰۴ کود جزا نمی‌شود، بلکه حکم ماده ۷۰۲ کود جزا، بر آن تطبیق می‌گردد.

<sup>۱</sup> - ماده ۳۸۸ قانون جزای شماره (۳) سال ۱۹۸۷ امارات متحده عربی، نیز حکم مشابهی داشته و مطلق وقوع سرقت در محیط کاری را از جمله حالات مشدده سرقت دانسته است.

همچنان اجتماع سه حالت از حالات چهارگانه فوق الذکر با حالت پنجم و ششم ماده ۷۰۲ کود جزا، نیز مشمول حکم ماده ۷۰۴ کود جزا نمی‌باشد، بلکه حکم ماده ۷۰۲ بر آن تطبیق می‌شود.

اشکالات ماده ۷۰۴ کود جزا:

۱. شیوه وارد شدن به محل مسکونی یا محلی که برای سکونت آماده شده، طوری که در ماده ۷۰۲ کود جزا مشخص شده است، در ماده ۷۰۴ کود جزا، مشخص نگردیده است. بنابراین، سرقت با داخل شدن به محل مسکونی یا محلی که برای سکونت آماده شده است، به هر نحوی که باشد؛ (خواه به وسیله بالا شدن از دیوار یا سوراخ کردن دیوار یا شکستادن دروازه یا پنجره یا استعمال کلیدهای ساخته‌گی باشد یا نحو دیگری) در صورت اجتماع حالات چهارگانه، مشمول حکم ماده ۷۰۴ کود جزا می‌باشد.

۲. در مواد ۷۰۰ و ۷۰۲ کود جزا، ملاحظه می‌شود که افزون بر محل مسکونی و محلی که برای سکونت آماده شده است، ملحقات آنها نیز در حکم آنهاست، اما در ماده ۷۰۴ کود جزا، از ملحقات نام برده نشده است. حذف کلمه "ملحقات" برخورد دوگانه قانون را منعکس می‌سازد.

۳. در ماده ۷۰۲ کود جزا، تنها به "حمل سلاح" تصریح شده است، اما در ماده ۷۰۴، قید ظاهر و پنهان نیز به آن علاوه گردیده است که ایجاب می‌نمود، قانون‌گذار در هر دو ماده، تعبیر و انشاء واحدی را رعایت می‌کرد.

### گفتار پنجم: رد مال مسروقه یا قیمت آن:

سوال قابل طرح راجع به رد مال مسروقه، مثل یا قیمت آن (ماده ۷۱۰ کود جزا) مربوط به حق العبدی می‌شود یا جزای جداگانه است که علاوه بر جزای پیش‌بینی شده، بر سارق تطبیق می‌شود؟

پاسخ به این سوال از دو حالت خالی نیست، و اثر مرتبه هریک از آنها متفاوت خواهد بود.

پاسخ اول: اگر گفته شود که رد مال مسروقه، مثل یا قیمت آن، مربوط به حق العبدی می‌شود، اثر مرتبه آن این خواهد بود که سارق وقتی به رد مال مسروقه، مثل یا قیمت آن محکوم می‌شود، که متضرر (مسروق منه) حق العبدی خود را مطالبه کرده باشد، اما در صورتی که متضرر، از حق العبدی خود انصراف نموده باشد، یا متضرر، مجهول باشد، سارق به رد مال مسروقه، مثل یا قیمت آن، محکوم نمی‌گردد.

پاسخ دوم: اگر گفته شود که رد مال مسروقه، مثل یا قیمت آن، جزای جداگانه است که علاوه بر جزای پیش‌بینی شده، بر سارق تطبیق می‌شود، اثر مرتبه آن این خواهد بود که سارق به هر صورت به رد مال مسروقه، مثل یا قیمت آن محکوم می‌شود، خواه متضرر (مسروق منه) حق العبدی خود را مطالبه کرده باشد یا انصراف نموده باشد، حتی اگر متضرر، مجهول هم باشد. در آن صورت مال مسروقه به خزانه دولت تعلق می‌گیرد.

نوت: سارق وقتی به رد مال مسروقه محکوم می‌شود که عین مال مذکور نزد او موجود باشد، اما اگر سارق در مال مسروقه، تصرف کرده باشد (فروش، مصرف، تلف، بخشش و غیره) در آن صورت دیده می‌شود؛ اگر مال مسروقه از جمله اموال مثلی باشد، سارق به رد مثل آن محکوم می‌شود، و اگر از جمله اشیای مثلی نباشد، به رد قیمت آن - به نرخ روز - محکوم می‌شود.

#### تفکر انتقادی:

هر گاه سارق به رد قیمت مال مسروقه به نرخ روز، محکوم شود، نرخ کدام روز مدار اعتبار است؟

الف: نرخ روز سرقت. ب: نرخ روز صدور حکم. ج: نرخ روز تسلیمی.

ملاحظه دیگر: اگر مسروق منه بگوید که مال مسروقه، ۲۰۰'۰۰۰ قیمت داشت، و سارق بگوید که ۱۰۰'۰۰۰ قیمت داشت، در حالی که جز سارق و مسروق منه، کسی دیگری آن مال را ندیده بود، قول کدام یک از آنها مدار اعتبار است؟





## نتیجه گیری فصل اول:

بعد از بحث و بررسی و تحلیل مواد ۶۹۹ تا ۷۱۰ کود جزا که احکام سرقت را تنظیم کرده بود، به نتایج ذیل رسیدیم:

۱. مواد ۶۹۹ تا ۷۱۰ کود جزا، سرقت تعزیری را تنظیم کرده است، سرقتی که مستوجب حد شرعی باشد، شامل مواد متذکره نمی شود.
۲. سرقت از دیدگاه کود جزا عبارتست از "گرفتن مال منقول غیر، بدون رضایت، به مقصد تملک) کلمه "گرفتن بطور خفیه" در تعریف سرقت، تصریح نگردیده است، در حالی که در قانون جزای ۱۳۵۵ تصریح شده بود. عدم تصریح آن به این معنی است که گرفتن مال غیر بدون رضایت او به مقصد تملک، خواه بطور خفیه باشد یا آشکار، سرقت محسوب می شود. اشکال ناشی از عدم تصریح کلمه "خفیه" در تعریف سرقت در کود این است وصف جرمی سرقت با غصب، تداخل پیدا می کند، چون نظر به صراحت ماده ۷۱۱ کود جزا، گرفتن مال غیر با عنف به طور آشکار، غصب است.
۳. عنصر "گرفتن" در کود جزا، زمانی برای تحقق سرقت کافی خواهد بود که منجر به تعدی بر حیازت و ملکیت دیگران گردیده و عملاً مال مسروقه از حیازت و ملکیت مالک آن، خارج گردد. مراد از مال هر آن عین و یا حقی است که نزد مردم قیمت مادی داشته باشد، اما مشاهده می گردد که در رابطه به مال و اوصاف آن چون منقول بودن و متقوم بودن، از دیدگاه کود جزا و قانون مدنی تفاوت های وجود دارد. به همین جهت، سرقت برخی از اموالی که قانوناً حیازت آنها جاز نمی باشد، سرقت دانسته شده است. از سوی دیگر، مادی بودن و محسوس بودن مال مسروقه، شرط تحقق آن است. بنابراین، تجاوز بر حقوق معنوی، وصف جرمی دیگری غیر از سرقت را به خود خواهد گرفت. گرفتن اموال مباح و اموالی که مالک از ملکیت آن تنازل کرده باشد، سرقت نیست. در رابطه به گرفتن مال لقطه و مال مشاع و دادن وصف جرمی سرقت به آن، اختلاف نظرهای میان حقوقدانان وجود دارد.

۴. عنصر "عدم رضایت" در تکوین سرقت تأثیر گذار است، هرچند مالک مال در مورد سرقت آگاهی داشته، یا برای جلوگیری آن اقدامی نکرده باشد. البته اگر گاهی مالک، مال را به رضایت خود به کسی تسلیم نماید و مال مذکور تحت حیازت کامل یا ناقص شخص مذکور قرار گیرد، سپس او از برگرداندن مال مذکور ابا ورزد، این عمل وی سرقت دانسته نمی شود، هرچند نیت تملک را نیز داشته باشد.
۵. سرقت از جمله جرایم عمدی و مقید به نتیجه است. ایراد ضرر بر مجنی علیه و غنایم شدن سارق، از جمله آثار سرقت است نه شرایط تحقق آن.
۶. عنصر "قصد تملک" عنصر معنوی جرم سرقت است، و به دو نوع (عام و خاص) تقسیم می شود، قصد عام شامل علم و اراده مرتکب می باشد؛ یعنی، علم به ملکیت غیر، علم به حیازت دیگران، و علم به عدم رضایت مالک. وجود اراده نزد مرتکب، و همزمان بودن آن با فعل سرقت، از جمله شروط اراده پنداشته می شود. مراد از قصد خاص در جرم سرقت این است که سارق بخواهد خود را به عوض مالک اصلی، متصرف و مالک مال مسروقه، قرار بدهد.
۷. جرم سرقت از حیث شدت و خفت به جنایت و جناحه تقسیم گردیده و در حالات دیگری، ممکن است وصف "قباحت" را به خود بگیرد.
۸. جرم سرقت حسب احوال، به حالات عادی، حالات مشدده، و اجتماع احوال مشدده، تقسیم شده است. اجتماع احوال مشدده مندرج ماده ۷۰۴ کود جزا، با اجتماع چهار حالت مشدده مندرج ماده ۷۰۲ کود جزا، تحقق می یابد. انتفای یکی از حالات متذکره موجب نفی اجتماع احوال مشدده می شود. همچنان اجتماع سه حالت با حالت پنجم و ششم مندرج ماده ۷۰۲ کود جزا، اجتماع احوال مشدده را تشکیل نمی دهد.
۹. جزای سرقت مندرج ماده ۷۰۳ کود جزا، شدیدتر از جزای حالات مشدده مندرج ماده ۷۰۲، و جزای اجتماع احوال مشدده مندرج ماده ۷۰۴ است، اما وصف حالت مشدده به آن داده نشده است.

۱۰. سارق علاوه بر مجازات تعیین شده برای جرم سرقت، به رد مال مسروقه، مثل یا قیمت آن به نرخ روز، نیز محکوم می‌گردد (ماده ۷۱۰). اما مراد از "نرخ روز" وضاحت داده نشده است که آیا هدف از آن، نرخ روز ارتکاب سرقت است یا نرخ روز صدور حکم؟

## فصل دوم

### جرم غصب اموال منقول

#### اهداف:

در پایان جلسه‌ی آموزش، اشتراک‌کننده‌گان قادر خواهند بود تا:

- ☞ مواد کود جزا، مربوط به جرم غصب اموال منقول را تحلیل و تجزیه کنند؛
- ☞ جرم غصب اموال منقول را تعریف، و عناصر تشکیل‌دهنده‌ی آنرا تشخیص درست نمایند؛
- ☞ قضایای جزایی مربوط به غصب اموال منقول را در پرتو کود جزا، وصف جرمی صحیح بدهند؛
- ☞ مرتکبین جرم غصب اموال منقول را مطابق به احکام کود جزا، مجازات عادلانه نمایند؛
- ☞ عمل مندرج ماده ۷۱۳ کود جزا را وصف جرمی صحیح بدهند؛
- ☞ ملاحظات مطروحه در کود جزا پیرامون جرم غصب اموال منقول و اخذ جبری سند، امضاء، مهر و نشان انگشت را شناسائی، تحلیل و ارزیابی نموده، با حل نمودن قضایای فرضی و سوالات مباحثی، و با وارد نمودن تفکرهای انتقادی، قدرت تحلیل و ارزیابی حقوقی خویش را قویتر و ظرفیت و توانایی‌های مسلکی خویش را بلند ببرند.

## عناوین:

- تعریف غصب اموال منقول.
- عناصر تشکیل دهنده‌ی جرم غصب اموال منقول:
- عنصر مادی جرم غصب اموال منقول.
- عنصر معنوی.
- تفاوت میان جرم غصب اموال منقول و جرم سرقت.
- فرق بین جرم غصب و جرم تهدید.
- جزای جرم غصب اموال منقول.
- جرم اخذ جبری سند، امضاء، مهر یا نشان انگشت.
- وصف جرمی عمل مندرج ماده ۷۱۳ کود و مسایل مرتبط به آن.

## فصل دوم

### جرم غصب اموال منقول

#### مقدمه:

مال و دارایی که امروز نقش عمده و بسیار با اهمیت آن در زندگی، از دید هیچ کس پنهان نیست، بر علاوه اینکه از گذشته های دور در میان همه ی مردم، جزء اساسی زندگی به شمار میرفته است. در تمام نظام های حقوق امروز نیز از ارزش و جایگاه ویژه ای برخوردار است. زیرا مال و ثروت عنصر لازمی زندگی بوده، عمران و آبادانی زمین و پیشرفت های شگفت انگیز بشری در عرصه های مختلف، به نحوی وابسته به مال و دارایی است. از همینجاست که قانون آنرا مورد حمایت قرار داده و هر نوع تجاوز بر مال از جمله "غصب آن" چه عمومی باشد یا خصوصی، را جرم پنداشته و برای مرتکب آن، مجازات شدید پیشبینی کرده است، زیرا تجاوز بر مال، صاحب مال را متضرر می سازد و قانون وظیفه دارد تا از متضررین حمایت کند.

هرچند اموال از دیدگاه های مختلف، به اقسام مختلف تقسیم می گردد، اما از حیث نوعیت، مال به منقول و غیر منقول تقسیم گردیده، و تجاوز آشکار و بالقوه بالای آنها، غصب اموال محسوب می شود. این جزوه آموزشی، برای بحث و بررسی جرم غصب، اختصاص داده شده و مسائل مربوط به این جرم در روشنایی احکام کد جزای ۱۳۹۶ و دیگر قوانین ذریبط، مورد تحلیل قرار گرفته است.

احکام مربوط به غصب اموال منقول در مواد ۷۱۱ و ۷۱۲ کد جزا، تنظیم شده است. در این فصل، نخست غصب اموال منقول را تعریف (مبحث اول) سپس عناصر تشکیل دهنده ی جرم غصب اموال منقول را توضیح می دهیم (مبحث دوم)، و به تعقیب آن، راجع به مجازات غصب اموال منقول، بحث خواهیم داشت، (مبحث سوم):

### مبحث اول: تعریف غصب اموال منقول:

غصب در لغت، به معنای گرفتن شیء به ظلم و یا گرفتن مال به قهر و غلبه است، گاهی هم به وادار ساختن شخص به کاری که بدان رضایت ندارد، اطلاق می‌شود.<sup>۱</sup>

برخی حقوقدانان، غصب را چنین تعریف نموده اند که: «غصب عبارت است از کشیدن شیء از حیات مجنی‌علیه با استفاده از جبر و تهدید و مجبور گردانیدن وی به تسلیمی مال، به جانی، بدون حق.»<sup>۲</sup>

ماده ۷۱۱ کود جزای افغانستان<sup>۳</sup>، غصب را تعریف نکرده است، اما غاصب را چنین تعریف می‌کند: «شخصی که با استفاده از عنف، اکراه، تهدید یا ارباب، به طور آشکار، پول یا مال منقول دیگری را اخذ نماید، مرتکب جرم غصب اموال منقول شناخته می‌شود.»

در روشنایی تعریف غاصب، مندرج ماده ۷۱۱ کود جزا، می‌توان غصب را چنین تعریف کرد: غصب عبارت است از اخذ پول یا مال منقول غیر، با استفاده از عنف، اکراه، تهدید یا ارباب، به طور آشکار.

### شرح اجزای تعریف غاصب، مندرج ماده ۷۱۱ کود جزا:

عناصری که در تعریف غاصب مندرج ۷۱۱ کود جزا، قابل بحث است عبارت است از: ۱- مال مغضوبه ۲- نحوه گرفتن مال مغضوبه ۳- روش‌های استفاده شده توسط غاصب، و ۴- مغضوب منه (متضرر).

شرح این عناصر، قرار ذیل است.

<sup>۱</sup>- ابن منظور، جمال الدین، محمد، لسان العرب، ص ۶۴۸/۱، (ماده غصب) دار صادر، بیروت.

<sup>۲</sup>- ماهر شاولش، شرح قانون العقوبات، ص ۳۰۳ PDF.

<sup>۳</sup>- کود جزا، منتشره جریده رسمی شماره ۱۲۶۰، مؤرخ ۱۳۹۶/۲/۲۵.

۱- مغضوب: مغضوب چیزی است که غصب شده باشد، ماده ۷۱۱ کود جزا، مغضوب را به دو چیز منحصر کرده است که عبارت از پول و مال منقول می‌باشد. انحصار مغضوب به دو چیز، به این معنی که چیز دیگری غیر از پول و مال منقول، موضوع غصب مندرج ماده ۷۱۱ کود جزا قرار نمی‌گیرد.

مفهوم پول واضح است. اینکه مال چیست و اشیایی که حقوق مالی بر آنها مرتب می‌شود و حکم مال را بخود می‌گیرد، کدام‌ها اند؟ آنها را تحت عنوان اجزای عنصر مادی جرم غصب مال منقول، توضیح خواهیم داد.

۲- نحوه گرفتن مال مغضوبه: پول یا مال باید بشکل آشکارا توسط غاصب اخذ گردیده باشد، اخذ پول یا مال بشکل خفیه، یا بشکل حيله آمیز، غصب دانسته نمی‌شود.

۳- روش‌های استفاده شده توسط غاصب: در ماده ۷۱۱ کود جزا، چهار روش ذکر شده است که عبارت اند از عنف، تهدید، اکراه، و ارباب. سوال قابل طرح این است که آیا این واژه‌ها، مترادف یکدیگر اند یا هرکدام، حالت جداگانه هستند؟ قبل از پاسخ به این سوال، نخست باید مفاهیم هر یک از واژه‌های متذکره را بیان، سپس قادر به پاسخ خواهیم شد.

**الف) عنف:** عنف در لغت به معنای "سختی، درشتی، تندى، غلبه و زور"<sup>۱</sup> است. مفهوم عنف در حقوق جزایی کمتر محل بحث حقوقدانان بوده است. نبود تعریفی روشن از عنف در کود جزای افغانستان از یک سو و وجود مفاهیمی چون تهدید، اکراه و ارباب از سوی دیگر، ابهاماتی را در خصوص مفهوم عنف ایجاد کرده است. اینقدر می‌توان گفت که عنف وضعیتی است که در آن اراده مجنی‌علیه سلب گردد یا اراده او غیر آزادانه یا غیر آگاهانه باشد. بنابراین، فقدان اراده یا فقدان رضایت در مجنی‌علیه، عنصر اساسی عنف است.<sup>۲</sup> اگر چه اظهار واکنش

<sup>۱</sup> - رک: فرهنگ معین، و فرهنگ عمید.

<sup>۲</sup> - رک: [http://hoquq.iict.ac.ir/article\\_31185.html](http://hoquq.iict.ac.ir/article_31185.html)



مادی از سوی مجنی‌علیه، تدافع و تمانع (مقاومت) توسط او شرط نیست، اما مجنی‌علیه باید شایستگی اظهار کراهیت را داشته باشد.<sup>۱</sup>

ب: تهدید: تهدید عبارت است از ترساندن طرف مقابل به هر آنچه که برای وی ناخوشایند باشد.<sup>۲</sup> تهدید عملی است که آزادی اراده مجنی‌علیه را سلب می‌کند، بدون اینکه به سلامتی یا مصونیت جسمی او تأثیری وارد نماید.

تهدید که شکل اکراه معنوی را نیز به خود می‌گیرد، ممکن است هدف از آن رساندن ضرر یا شر به مال و نفس مجنی‌علیه یا شخص دیگری مانند اقارب و متعلقین او باشد که تهدید وی می‌تواند بر مجنی‌علیه تأثیر بگذارد و اراده او را سلب کند.

در روشنایی مفاهیم بالا، فرق میان عنف و تهدید این خواهد بود که عنف، قوه مادی است که بر مجنی‌علیه واقع شده است، اما تهدید چیزی است که مجنی‌علیه از اعمال آن علیه خودش، می‌ترسد. بنابراین، عنف و تهدید، دو واژه، مختلف اند نه مترادف. اگر چه قانونگذار کود جزا، این دو واژه را من حیث دو واژه‌ی مترادف، با استفاده از حرف "و" بکار برده است، مانده فقره (۲) ماده ۲۵۶ کود جزا که می‌گوید "عنف و تهدید"<sup>۳</sup>، اما پذیرفتنی نیست، و قانونگذار باید حرف "یا" را استفاده نموده و باید: "عنف یا تهدید" گفته می‌شد.

ج: اکراه: اکراه معنای متفاوت از عنف دارد؛ در اکراه شخص به امر ناخوشایندی بیم داده شده و وی از ترس همان تهدید، تن به انجام کاری می‌دهد که برای او خوشایند نیست،

<sup>۱</sup> - ری: <https://www.yasa.co/blog/the-concept-violence-in-article-۸۲-the-islamic-penal-code>

<sup>۲</sup> - ری: <http://safirsolh.ir/%D%A%DA%B%DA%D9%A5-%DA%AA%D9%A7/DA%AF%DB%AC%DA%AF>

<sup>۳</sup> - در فقره (۲) ماده ۲۵۶ چنین تصریح شده است: «هرگاه جرم مندرج فقره (۱) این ماده منجر به نتیجه گردد یا با عنف و تهدید توأم باشد، مرتکب به حبس طویل تا هفت سال، محکوم می‌گردد»

سوال قابل طرح این است که آیا منظور قانونگذار از اکراه مندرج ماده ۷۱۱، تنها تهدید به وارد نمودن اضرار مادی "جسمی و مالی" است (اکراه مادی)، یا تهدید به وارد نمودن اضرار معنوی نیز مشمول حکم این ماده می‌باشد؟ نظر به دو دلیل می‌توان گفت که هر دو نوع اکراه، منظور قانونگذار است، اول اینکه ماده ۱۱۷ کود جزا، مکره کسی را می‌داند که تحت تأثیر قوه مادی یا معنوی قرار گیرد. دوم اینکه کلمه "اکراه" در ماده ۷۱۱ کود جزا بطور مطلق ذکر شده است و مطلق، عمومیت دارد.

فرق اکراه با عنف این است که در اکراه، دو وضعیت متصور است؛ وقوع بالفعل قوه مادی بر مجنی علیه، یا اینکه قوه مادی تا هنوز واقع نشده اما مجنی علیه به وقوع آن، تهدید شده باشد، اما عنف، یک وضعیت دارد؛ وقوع بالفعل قوه مادی بر مجنی علیه. در اینجا اگر دقت کنید، حالت دوم اکراه (وقوع بالفعل قوه مادی) و عنف، وضعیت یکسان اند و سبب تداخل می‌شود، اما برای رفع این تداخل و تفکیک میان آنها می‌توان گفت که وقوع بالفعل قوه مادی ناشی از اکراه حالتی است که مجنی علیه نخست تهدید شده است، سپس قوه مادی بر وی وارد گردیده است، اما عنف، مسبوق به تهدید نمی‌باشد. برای مثال: شخصی وارد دکان شد و دکاندار را تهدید کرد که اگر پول دخل را ندهی دهنتم را می‌شکنم، دکاندار به این تهدید اعتنا نکرد، مرتکب با وسیله‌ای که در دست داشت بر سر دکاندار کوبید و پول‌هایش را گرفت. این وضعیت، اکراه است. اما اگر شخص مذکور، بدون اینکه دکاندار را تهدید کند، به مجرد داخل شدن به دکان، سر دکاندار را بشکند و پول‌های را بگیرد. این وضعیت، عنف است.

اکراه و تهدید، یک نقطه مشترک و یک نقطه اختلافی دارند، نقطه مشترک شان این است که هر دو، عمل ترساننده است که مجنی علیه را تحت تأثیر قرار داده و او را وادار به تن دادن به خواسته‌های مرتکب می‌سازد. نقطه فرق شان این است که اکراه می‌تواند فراتر از تهدید بوده و جنبه عملی پیدا کند؛ یعنی چیزی که مجنی علیه از آن ترسانیده شده بود، بر وی عملی گردد.

د: ارباب: ارباب بمعنای هراس افگنی، ترساندن و تخویف است<sup>۱</sup>. هرچند مفهوم ترساندن در تهدید و اکراه نیز موجود است، اما فرق ارباب با تهدید و اکراه این است که ارباب ممکن است از موضع ضعیف ارباب کننده نیز نشأت کند. برای مثال: ارباب کننده برای ارباب شونده می گوید اگر این مبالغه خود را به من ندهی من برای پلرت می گویم که تو سگرت می زنی.

اطلاق کلمه عنف، تهدید، اکراه و ارباب، بدون قید "فاحش یا غیرفاحش" این مفهوم را می رساند که قانونگذار در ماده ۷۱۱ کود جزا، برای این رفتارها، حد خطورت معینی در نظر نگرفته است، پس تأثیر این رفتارها می تواند به حدی باشد که حیات مجنی علیه را به خطر مواجه سازد یا فقط سبب جراحت یا اصابت گردد، و اثری خفیفی بگذارد. بنابراین، معیار برای تعیین حد رفتارهای متذکره همان مقداری خواهد بود که برای از بین بردن مقاومت مجنی علیه مؤثر باشد، ولی در نهایت باید گفت که ارزیابی وقایع جرمی ونحوه حدوث آن از صلاحیت های قاضی موضوع می باشد.

همچنان اطلاق واژه های عنف، اکراه، تهدید و ارباب، بیانگر این است که رفتارهای مذکور می تواند شفاهی یا تحریری، مستقیم یا غیر مستقیم، صریح یا ضمنی صورت گرفته و حتی نحوه مبهم و مستور آن که مجنی علیه را برآن دارد تا از هرگونه احتمالات پیچیده و سنجش ناشده، احساس خوف نماید، و یا "به انجام امری در حال یا آینده تهدید شود" همه را شامل می گردد،<sup>۲</sup>

نکته:

تحلیل و تفسیری که راجع به مفاهیم واژه های عنف، تهدید، اکراه و ارباب مندرج ماده ۷۱۱ کود جزا، و نقاط اتفاق و اختلاف آنها در بالا انجام شد، بر فرض این بود که منظور قانونگذار

<sup>۱</sup> - فرهنگ فارسی معین، و لغت نامه دهخدا

<sup>۲</sup> الدر، ماهر، عبد شویش، شرح قانون العقوبات، ص

این است که هریک از واژه های متذکره، وضعیت های جدا گانه هستند، و هرگاه شخصی با استفاده از یکی از این وضعیت ها، پول یا مال منقول دیگری را به طور آشکار اخذ نماید، غاصب شناخته می شود.

سوال: نظر شما در رابطه به واژه های متذکره چیست، آیا با تحلیل ما موافق هستید یا تحلیل دیگری دارید؟

### مبحث دوم: عناصر تشکیل دهنده ی جرم غصب اموال منقول:

جرایم در مجموع به شمول جرم غصب، دارای سه عنصر (قانونی، مادی و معنوی) می باشد، عنصر قانونی عبارت از جرم پنداشتن یک عمل توسط قانون است. ماده ۷۱۱ کود جزا، عنصر قانونی جرم غصب اموال منقول را تشکیل می دهد. عنصر مادی و معنوی جرم غصب اموال منقول نیاز به توضیح بیشتر داشته و ذیلا بیان می گردد:

#### گفتار اول: عنصر مادی جرم غصب اموال منقول:

همانند سایر جرائم، میتوان گفت که عنصر مادی جرم غصب نیز متشکل از فعل، نتیجه و رابطه سببیت بوده، و این عناصر قرار ذیل شرح می گردد:

#### مطلب اول: فعل

منظور از فعل، همان رفتار جرمی است که شامل اجرای عمل و امتناع از اجرای عمل می باشد. رفتار جرمی در ارتکاب جرم غصب اموال منقول عبارت از اخذ مال غیر به طور آشکار است، مشروط بر اینکه با استفاده از یکی از شیوه های ذیل صورت گرفته باشد: (عنف، اکراه، تهدید یا ارباب).

در ارتکاب جرم غصب، شرط نیست مرتکب اوصاف ویژه ای داشته باشد، بلکه ممکن است این جرم توسط هر شخصی، ارتکاب یابد.

اما موضوع جرم غصب اموال منقول در ماده ۷۱۱ کود جزا، به دو چیز (پول یا مال منقول) منحصر گردیده است یعنی که سائر اشیاء، موضوع جرم غصب اموال منقول، قرار نمی‌گیرد. برای مثال: هرگاه شخصی با استفاده از عنف، اکراه، تهدید یا ارباب، دختری دیگری را به نکاح خود درآورد، یا جبراً مجنی علیه را از یک امتیاز معنوی محروم گردانیده و امتیاز را بخود گیرد، اینگونه رفتارها، غصب پنداشته نمی‌شود، بلکه وصف یا اوصاف جرمی دیگری را بخود خواهد گرفت.

در رابطه به (پول و مال) باید گفت که:

پول عبارت از بانک‌نوت است. اطلاق کلمه پول در ماده ۷۱۱ کود جزا، و عدم تقیید آن به پول افغانی، به این معنی است که هر نوع پول خواه پول افغانی یا غیر افغانی (دالر، کلدار، یورو، تومان و غیره) موضوع جرم غصب اموال منقول، قرار گرفته می‌تواند.

همچنان، مال در کود جزا، تعریف نشده است، اما قانون مدنی در ماده ۴۷۲ خویش، مال را چنین تعریف کرده است که: «مال عبارت است از عین و یا حقی که نزد مردم قیمت مادی داشته باشد.» از این تعریف فهمیده می‌شود که مال دارای دو عنصر می‌باشد: ۱- عین دارای قیمت مادی، و ۲- حق دارای قیمت مادی.<sup>۱</sup> که تفصیل آن در فصل سرقت بیان و تمام مواردی که پیرامون مال - در فصل جرم سرقت - بیان شده است، بر جرم غصب اموال منقول نیز صدق می‌کند، مانند:

- تعریف مال.
- اشیایی که حقوق مالی بر آنها مرتب می‌شود.
- مشخصات مال، چون مادی بودن و ملکیت غیر بودن.

<sup>۱</sup> - جزئیات آنرا میتوان در فصل سرقت، مبحث چهارم، گفتار دوم، مطلب سوم، مراجعه کرد.

- اندازه‌ی ارزش مادی مال.
- مالی که مالک آن مشخص نیست.
- مالی که میان گیرنده و شخص دیگری، مشترک است.
- مال متنازع فیه.
- مالی که ملکیت خود گیرنده است اما نزد شخص دیگری به امانت، عاریت یا رهن گذاشته شده است.

برای دریافت معلومات فوق، به فصل اول، مبحث چهارم، گفتار دوم، مطلب سوم این جزوه آموزشی مراجعه شود.

### فعالیت شماره (۲۲)

#### سوال مباحثوی:

هرگاه شخصی به منظور به دست آوردن مالی که خودش مستحق آن است، با استفاده از عنف، اکراه، تهدید یا ارباب، شخص حایز را به تسلیمی آن وا دارد، مانند مجبور گردانیدن مدیون به تسلیمی دین توسط دائن، یا مجبور گردانیدن جانی به پرداخت جبران خساره توسط متضرر، و یا مواردی امثال آنها. وصف جرمی اینگونه اعمال چیست؟

#### پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۲۲)

بدست آوردن مال خود با استفاده از عنف، اکراه، تهدید یا ارباب، شخص حایز، غصب نیست.

#### مسایل مرتبط:

- در مثال بالا اگر شخص با استفاده از عنف، اکراه، تهدید یا ارباب، چیزی زاید از استحقاق خود را بدست می‌آورد، در قسمت زاید، غاصب پنداشته می‌شود.

- اگر تهدید، از نوع تهدید ممنوع باشد مانند تهدید مندرج ماده ۶۲۳ کود جزا، در آنصورت، بدست آوردن مال، غصب نیست اما مرتکب جرم تهدید ممنوع، شناخته می شود.

- مثال تهدید مشروع این است که دائن یا عاریت دهنده، مدیون یا عاریت گیرنده را به شکایت پولیس یا اقامه دعوی، تهدید کند.

نجیب حسنی حقوقدان مشهور کشور مصر، نظر دیگری دارد؛ او می گوید: هرگاه هدف و وسیله رسیدن به هدف، هردو مشروع باشد، مانند بدست آوردن دین یا مال عاریت با استفاده از تهدید مدیون یا عاریت گیرنده به اقامه دعوی یا تنفیذ جبری قضائی، در اینصورت، بدست آوردن مال توأم با تهدید، غصب پنداشته نمی شود.

اما اگر هدف مشروع و تهدید غیر مشروع باشد، مانند تهدید مدیون یا عاریت گیرنده به ارتکاب جنایت علیه نفس یا مال و یا نفس یا مال غیر، در اینصورت، بدست آوردن مال توأم با همچون تهدید، غصب پنداشته می شود. همچنان تهدید غیر مشروع جانی به پرداخت جبران خساره، نیز غصب پنداشته می شود. (نجیب محمود حسنی، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، ص ۹۷۹/۲)

در روشنائی این دو نظریه، وقتی به کود جزای افغانستان دقت کنید، می یابید که در ماده ۷۱۱، مال مغصوبه با عبارت "مال منقول دیگری" قید شده است، مفهومی این است که مال خود شخص به هیچ صورت، مال مغصوبه بوده نمی تواند خواه بدست آوردن آن توأم با تهدید مشروع یا غیر مشروع، یا توأم با حيله و یا هر وسیله دیگری باشد. اما جرم "تهدید" مندرج ماده ۶۲۳ کود جزا، یک جرم مستقل است که شخص با تحقق شرایط آن، مؤاخذه می گردد.

شمارا جمع به نظر نجیب حسنی چه می گوید.

ناگفته نباید گذاشت که استفاده از وسایل چون عنف، تهدید، اکراه یا ارباب، شرط تحقق جرم غصب اموال منقول است، در حالی که استفاده از همچون وسایل، در ارتکاب غصب اموال غیر منقول (زمین) شرط گذاشته نشده است.

### مطلب دوم: نتیجه

جرم غصب اموال منقول از جرایم نتیجه‌جوی است؛ نتیجه در ارتکاب این جرم، عبارت تسلط یافتن مرتکب بر پول یا مال منقول غیر می‌باشد. هرگاه رفتار جرمی نظر به عوامل خارج از اراده‌ی مرتکب، به نتیجه نرسد؛ یعنی پول یا مال منقول غیر، در حیطه‌ی تصرفات مالکانه‌ی او قرار نگیرد، عمل او شروع به ارتکاب جرم غصب اموال منقول، پنداشته می‌شود.

اما پرسش این است که آیا جرم غصب از جمله جرایم عمدی مطلق است یا مقید؟ به موجب صراحت بند ۲ ماده ۷۱۳ ک. ج در صورتی که موضوع جرم غصب سند، مهر امضاء و نشان انگشت باشد وقوع نتیجه در آن شرط نیست، بناء، غصب در این حالت مشمول جرایم عمدی مطلق بوده و به مجرد اخراج سند از حیازت مجنی علیه به حیازت مرتکب، خواه منفعتی از آن بدست آرد یا نه؟ و همچنان مجرد گذاشتن امضا یا مهر روی ورق، خواه بعد از آن سند مذکور در حیازت مجنی علیه باقی بماند و یا به حیازت مرتکب انتقال یابد، جرم محقق می‌شود<sup>۱</sup>. یعنی احراز علم مرتکب به نامشروع بودن عمل، برای وقوع جرم کفایت می‌کند، اگرچه مرتکب خواهان حصول نتیجه باشد یا نباشد؟ و یا نتیجه حاصل گردد یا نگردد؟. پس می‌توان گفت که در حالت متذکره، داشتن عمد خاص برای کسب مسؤولیت جزایی مرتکب، ابتداءً در جرم غصب مورد توجه نیست. به عبارت دیگر، تحقق نتیجه در وقوع این جرم شرط نیست.

اما در صورتی که موضوع غصب، مال اعم از پول یا اشیای دیگری باشد، در این حالت جرم غصب مثل جرم سرقت و از جمله جرایم مقید به نتیجه است، طوریکه تحقق آن منوط به این

<sup>۱</sup> - مرجع قبلی ۹۷۱/۲.



است که رفتار مادی مرتکب نتیجه خاصی را در پی داشته باشد. و چنانچه نتیجه تحقق نیابد و مرتکب قبل از رسیدن به نتیجه مورد نظر گرفتار شود، در صورت وجود سایر شرایط، شروع به ارتکاب غصب، تحقق یافته و مرتکب طبق احکام شروع به ارتکاب جرم؛ مستوجب مجازات خواهد بود. چنانچه در ماده ۷۱۱ ک. ج این گونه تصریح شده است: "شخصی که با استفاده از عنف، اکراه، تهدید یا ارباب به طور آشکار پول یا مال منقول دیگری را اخذ نماید، مرتکب جرم غصب اموال منقول شناخته می شود".

### مطلب سوم: رابطه سببیت:

جرم غصب اموال منقول از جرایم نتیجه‌جوی است، و تحقق رابطه سببیت در جرایم نتیجه‌جوی شرط تحقق جرم است. رابطه سببیت، رفتار جرمی را با نتیجه‌ی جرمی، ربط می‌دهد؛ به این معنی که نتیجه باید در اثر رفتار جرمی مرتکب، تحقق یافته باشد نه رفتار دیگری.

### گفتار دوم: عنصر معنوی:

جرم غصب اموال منقول از جرایم عمدی است. در این جرم، وجود سوء قصد عام، برای تحقق عنصر معنوی کافیت، و وجود سوء قصد خاص، ضروری نیست.

منظور از سوء قصد عام، وجود علم و اراده نزد مرتکب می‌باشد؛ علم به اینکه مال متعلق به شخص دیگری است و او در آن هیچ حقی ندارد. وجود اراده به این معنی است که مرتکب، رفتار جرمی (استیلاء بر مال منقول) توأم با عنف، اکراه، تهدید یا ارباب را با اراده آزاد خود انجام می‌دهد نه تحت تأثیر کدام اکراه یا اجبار بیرونی.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> نجیب حسنی ۹۷۸/۲.

وجود سوء قصد خاص در ارتکاب جرم غصب اموال منقول، ضروری نیست؛ یعنی شرط نیست که غاصب قصد وارد نمودن فشار روانی یا کوچاندن مجنی علیه از منطقه یا تضعیف جایگاه او نزد مردم و امثال آنرا داشته باشد.

سوال قابل طرح این است که اگر شخصی جرم غصب مال منقول را با قصد خاص انجام بدهد، آیا عمل او وصف خاصی پیدا می‌کند؟ برای مثال: دو شخص که در یک منطقه بر یکدیگر زور آزمائی می‌کنند، هر گاه یکی از آنها به قصد اینکه طرف مقابل خود را تضعیف کند، در مسیر راه او ایستاده و به کمک چند نفر رفقایش، واسطه نقلیه او را به زور می‌گیرند.

پاسخ این است که کود جزا، غصب اموال منقول با قصد خاص را پیش‌بینی نکرده است، بنابراین، غصب با قصد خاص عین حکم غصب با قصد عام را خواهد داشت.

نکته: چنانچه در بحث سرقت نیز یاد آوری شد، در جرم سرقت، عبارت (به قصد تملک) من حیث "قصد خاص" ذکر شده است، اما در جرم غصب، از داشتن و یا نداشتن قصد تملک مال مغصوبه، صراحتی وجود ندارد. بنابراین، اطلاق عبارت "اخذ مال منقول دیگری" بدون ذکر "قصد تملک" این مفهوم را افاده می‌کند که عمل مرتکب به مجرد تحت حیات آوردن مال غیر از طریق عنف، اکراه، تهدید یا ارعاب، غصب پنداشته می‌شود<sup>۱</sup>، هر چند مرتکب، قصد حیات ناقص را داشته و یا استیلاء بر مال مغصوبه توسط او به گونه عارضی صورت گرفته باشد، مانند اینکه شخصی موتر دیگری را به زور از نزد وی می‌گیرد و استفاده می‌کند سپس آنرا رها یا به مالکش بر می‌گرداند. این عمل از دیدگاه کود جزای افغانستان، غصب است.

قابل یاد آوریست که: وجود «انگیزه» در ارتکاب جرم غصب مثل سایر جرایم تأثیری در تغییر ماهیت عمل جرمی نداشته و باعث رفع مسؤولیت جزایی مرتکب نمی‌گردد؛ مانند غصب از

<sup>۱</sup> - چنانچه در غصب اموال غیر منقول نیز مطلق استفاده از زمین‌ها را نیز در جرم غصب شامل گردانیده است.

ثروتمندان برای کمک به فقراء، اما قاضی می‌تواند طبق ماده ۴۶ و با نظر داشت ماده ۲۰۸ کود جزا، وجود انگیزه را در تعیین حد اقل و حد اکثر جزا، مؤثر بداند.

### گفتار سوم: تفاوت میان جرم غصب اموال منقول و جرم سرقت:

میان جرایم علیه اموال، منجمله جرم غصب اموال منقول و جرم سرقت، نقاط اشتراکی و افتراقی زیادی وجود دارد. این شباهت‌ها و تفاوت‌ها گاهی باعث می‌شود که محاکم در تعیین وصف جرمی، به خطا بروند؛ سرقت را وصف غصب بدهند یا عکس آن عمل کنند. بنابراین، لازم به نظر رسید که نقاط اشتراکی و افتراقی میان این دو جرم، قرار زیر روشن شود:

### مطلب اول: نقاط اشتراکی میان جرم غصب اموال منقول و جرم سرقت:

جرم غصب اموال منقول یا جرم سرقت، در چهار نطقه زیر باهم اشتراک دارد:

۱. موضوع هر دو جرم، مال منقول است.
۲. در هر دو جرم، رضایت مالک مال، منتفی است
۳. مقدار ارزش مال مغصوبه یا مسروقه، تعیین نشده است. بنابراین، مال با کمترین ارزش، می‌تواند موضوع جرم غصب یا سرقت، قرار گیرد.
۴. هر دو جرم، از جرایم عمدی نتیجوی است.

### مطلب دوم: نقاط افتراقی میان جرم غصب اموال منقول و جرم سرقت:

جرم غصب اموال غیر منقول در نقاط زیر با جرم سرقت افتراق دارد:

۱. در جرم سرقت به آشکار بودن یا خفیه بودن فعل جرمی اشاره نشده است، اما در جرم غصب قید "اشکار" در تعریف غصب تصریح گردیده است.
۲. "قصد تملک" شرح تحقق جرم غصب نیست، اما جرم سرقت بدون قصد تملک، متحقق نمی‌شود.

۳. در جرم غصب، مجنی علیه در انتقال مال خود به غاصب، نقش ایجابی دارد، به این معنی که انتقال مال به غاصب در اثر تن دادن مجنی علیه به تهدید یا اکراه، صورت می‌گیرد،<sup>۱</sup> اما در جرم سرقت، تهدید یا اکراهی وجود ندارد و نقش مسروق منه در انتقال مال به سارق، سلبی است. اما آنچه در ماده ۷۰۳ کود جزا، تحت عنوان "سرقت به اثر اکراه یا تهدید به استعمال سلاح" آماده است آنرا قبلاً انتقاد کردیم و گفتیم این ماده نباید شامل موارد سرقت می‌گردید، زیرا اگر گرفتن مال غیر، توأم با اکراه و تهدید را سرقت بنامیم، پس غصب چیست؟

### گفتار چهارم: فرق بین جرم غصب و جرم تهدید:

جرم غصب مندرج ماده ۷۱۱ و جرم تهدید مندرج ماده ۶۲۳ کود جزا، نقاط اشتراکی و اختلافی دارند که نخست نقاط اشتراکی، سپس نقاط افتراقی آنها را در زیر بیان می‌کنیم.

جرم غصب و جرم تهدید، سه نقطه‌ی اشتراکی دارد:

۱. رفتار مادی هردو جرم، توأم با تهدید جسمی یا روحی صورت می‌گیرد.
  ۲. در هر دو جرم، تهدید من حیث یک وسیله برای رسیدن به یک غایت که همانا بدست آورد چیزی است، بکار برده می‌شود.
  ۳. در هر دو جرم، مجنی علیه در برابر جانی، تن می‌دهد.
- نقاط افتراقی جرم غصب و جرم تهدید قرار ذیل است:

۱. موضوع جرم غصب، فقط دادن پول یا مال منقول توسط مجنی علیه است، اما موضوع جرم تهدید فراتر از آن است؛ دادن چیزی (پول، مال منقول یا هر چیز دیگر)، اجرای یک عمل یا امتناع از اجرای یک عمل.

<sup>۱</sup> ماهر، عبد شویش، قسم خاص، ص ۳۰۴

۲. در جرم غصب، تهدید فقط متوجه مجنی علیه می‌شود، اما در جرم تهدید، شخص سوم نیز مورد تهدید واقع شده می‌تواند.
۳. میزان تهدید در جرم غصب، تعیین نشده است، بناء این تهدید می‌تواند کوچک، متوسط یا بزرگ باشد، اما در جرم تهدید، میزان تهدید نباید کمتر از جنایت باشد.
۴. جرم غصب از جرایم نتیجوی است، به این معنی که اگر تهدید صورت گیرد اما پول یا مال منقول بدست نیاید، عمل مرتکب جرم تام نیست بلکه شروع به جرم غصب است، اما جرم تهدید از جرایم مطلق می‌باشد، یعنی اگر تهدید به قصد مطالبه یک شی یا اجرای یک فعل یا امتناع از آن صورت گیرد اما شی مطالبه شده بدست نیاید یا اجرای فعل یا امتناع از آن صورت نگیرد، جرم تهدید، تحقق یافته است.

### فعالیت شماره (۲۳)

#### سوالات مباحثوی:

- ۱- شخص (الف) شخص (ب) را به قیمت جانش تهدید کرد و از او خواست مبلغ یک میلیون افغانی به وی بدهد، شخص (ب) از ترس جان خود، مبلغ مذکور را به تهدید کننده، تسلیم نمود. به نظر شما، تهدید کننده کدام یک از جرایم زیر را مرتکب شده است؟
- الف) جرم غصب پول مندرج ماده ۷۱۱ کود جزا. ب) جرم تهدید مندرج ماده ۶۲۳ کود جزا.
- ۲- در قضیه فوق، اگر پول مطالبه شده بدست تهدید کننده نیاید، عمل او چی وصف جرمی دارد؟

#### پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۲۳)

پاسخ احتمالی ارایه نگردیده است، لذا اشتراک کننده‌های باید پاسخ یقینی را دریافت کنند.

### مبحث سوم: مجازات غصب اموال منقول:

هرگاه تمام شرایط لازمه ارتکاب غصب در مورد مرتکب فراهم شود، قانونگذار، مرتکب غصب را نظر به ارزش مال مغصوبه، مستوجب مجازات دانسته است و چنانچه در بالا نیز اشاره شد، در رابطه به تعیین جزا، قانونگذار چگونگی ارتکاب غصب را عامل مؤثری پیش‌بینی نکرده است، لذا در جرم غصب اموال منقول خواه در اثر تهدید عادی صورت گرفته باشد یا در اثر اکراه مادی، در همه احوال، معیار در تعیین جزا، ارزش مال مغصوبه است. ماده ۷۱۲ کود جزا، در زمینه چنین تصریح می‌کند: "مرتکب جرم غصب اموال منقول، با نظر داشت مقدار یا ارزش مال غصب شده، قرار ذیل مجازات می‌گردد:

۱- در صورتی که پول یا ارزش مال تا یک هزار افغانی باشد، به جزای نقدی از پنج هزار تا ده هزار افغانی. قابل ذکر است که مبلغ "یک هزار" مقدار حد اکثری این مورد است، مقدار حد اقلی آن از یک افغانی شروع می‌شود. بنابراین، جزای غصب یک افغانی، می‌تواند از پنج هزار تا ده هزار افغانی باشد.

۲- در صورتی که پول یا ارزش مال بیش از یک هزار تا ده هزار افغانی باشد، به حبس قصیر.

۳- در صورتی که پول یا ارزش مال بیش از ده هزار افغانی تا یک صد هزار افغانی باشد، به حبس متوسط.

۴- در صورتی که پول یا ارزش مال بیش از یک صد هزار افغانی باشد، به حبس طویل". در این مورد ملاحظه می‌شود که جزای غصب مالی که ارزش آن (۱۰۰'۰۰۱) است برابر است با جزای غصب مالی که ارزش آن (۱۰۰'۰۰۰'۰۰۰'۰۰۰) است، مثلاً.

با ارزیابی موارد چهارگانه فوق می‌توان به این نتیجه رسید که قانونگذار مورد اول را جرم قباحت، دوم و سوم را جرم جنحه و مورد چهارمی را جرم جنایت شناخته است.

نگاه قانونگذار در تعیین جزای غصب اموال منقول، در مقایسه با قانون جزای ۱۳۵۵ این است که در قانون جزا، مجازات براساس ماهیت ارتکاب عمل مجرمانه‌ی غصب تعیین گردیده بود، به عبارت دیگر، معیار در تعیین جزا، حجم خطر و میزان تأثیر رفتار مادی مرتکب بر مجنی علیه بود نه ارزش مال مغضوبه؛ یعنی هرگاه غصب در اثر تهدید صورت می‌گرفت طبق فقره (۱) ماده ۴۶۵ قانون جزا، مجازات آن حبس طویل تا هفت سال بود، و اگر غصب در اثر عنف یا اکراه صورت می‌گرفت، جزای آن حبس طویل تا ده سال تعیین شده بود. اما نظر قانونگذار در کود جزا، تغییر کرده و جزای غصب مال منقول را نظر به ارزش مال مغضوبه تعیین کرده است، صرف نظر از اینکه فشار وارده بر مجنی علیه چی بود.

#### تفکر انتقادی

کود جزا در مورد محکومیت سارق به رد مال مسروقه در ماده ۷۱۰ تصریح کرده است، اما راجع به غاصب، ساکت است. آیا قاضی می‌تواند رد مال مغضوبه را به رد مال مسروقه قیاس و عین حکم را صادر می‌کند؟

پاسخ احتمالی تفکر انتقادی:

مطابق ماده هشتم کود جزا، «تشخیص جرم و تعیین جزاء به اساس قیاس جواز ندارد.»

در صورتی که مدعی حق العبدی وجود داشته باشد و رد مال خود را از غاصب مطالبه کند، محکمه مطابق مواد ۷۶۵ تا ۷۷۳ قانون مدنی<sup>۱</sup> حکم می‌نماید، اما اگر در قضیه جزایی غصب، مدعی حق العبدی وجود نداشته یا مطالبه‌ی رد مال مغضوبه از طرف مغضوب منه، صورت نگرفته باشد، مشکل در جای خود باقی می‌ماند، و این یکی دیگر موارد نقد بر کود جزا است.

### مبحث چهارم: جرم اخذ جبری سند، امضاء، مهر یا نشان انگشت:

جرم اخذ جبری سند، امضاء، مهر یا نشان انگشت، یا به عبارت دیگر؛ جرم غصب سند، امضاء، مهر یا نشان انگشت، در ماده ۷۱۳ کود جزا تنظیم شده است. نخست اصطلاحات "سند و امضاء" را تعریف، سپس راجع به وصف جرمی عمل مندرج ماده مذکور بحث خواهیم کرد.

### گفتار اول: تعریف اصطلاحات:

از جمله اصطلاحات مندرج ماده ۷۱۳ کود جزا، دو اصطلاح نیاز به تعریف دارد؛ یکی سند و دیگری امضاء.

<sup>۱</sup> - مواد ۷۶۵-۷۷۳ قانون مدنی: غاصب برد آنچه غصب نموده مکلف می‌باشد. اگر ضرری باثر غصب عاید گردد، مرتکب بر علاوه رد عین مال مغضوبه در محل غصب، به جبران خساره نیز مکلف می‌باشد. در صورتیکه مال مغضوبه از طرف غاصب استهلاک گردد و یا کلاً یا بعضی آن نزد وی هلاک شود و یا به سبب تعدی یا بدون تعدی وی تلف گردد، بضمان مال مغضوبه مکلف دانسته میشود. هرگاه مال مغضوبه نزد غاصب تغییر نماید، مغضوبه منه می‌تواند، عین مال مغضوبه را با جبران خساره عاید یا بضمان آنرا از غاصب مطالبه نماید. زواید مال مغضوبه متعلق بمالک آن بوده، در صورتیکه زواید هلاک گردد یا از طرف غاصب استهلاک شود، غاصب بضمان آن مکلف می‌باشد. هرگاه مال مغضوبه عقار باشد، غاصب برد آن به مالک یا اجرت مثل آن مکلف می‌باشد. در صورتیکه غاصب در عقار بنا آباد نموده باشد و یا اشجار غرس کرده باشد، مالک می‌تواند اشجار و بنا را قلع نماید، و یا قیمت آنها را در صورت موافقه غاصب مقلوعاً بپردازد.

در صورت تلف شدن عقار یا وارد شدن نقض بر قیمت آن، گرچه غاصب متعدی نباشد، بضمان مکلف می‌گردد. حکم، غصب غاصب، مانند حکم غاصب می‌باشد، در صورتیکه مال مغضوب نزد وی تلف گردیده یا آنرا اتلاف نماید، هر دو غاصب در برابر مغضوب منه مکلف بضمان میباشد. هرگاه غاصب دوم مال مغضوب را به غاصب اول رد نماید، تنها خود وی بری الزمه گردیده و در صورت رد مال به مغضوب منه، هر دو غاصب بر الزمه شناخته میشوند. هرگاه غاصب مال مغضوبه را معاوضه یا تبرع نماید که در نتیجه آن تمام یا قسمتی از مال مذکور تلف گردد، غاصب و متصرف الیه هر دو مسؤول شناخته شده، مغضوب منه می‌تواند از هر یکی که خواسته باشد، ضمان مال را مطالبه نماید. آنچه درازاله تصرف مساوی غصب باشد، تابع حکم غصب می‌گردد.



## مطلب اول: تعریف سند:

سند، نوشته‌ای است که حقی را ثابت می‌کند، خواه ابتداء برای اثبات حق تهیه شده باشد یا بعداً مورد استناد قرار گیرد. اطلاق کلمه‌ی "سند" در ماده ۷۱۳ کد جزا، این مفهوم را افاده می‌کند که بین سند رسمی و عرفی و حتی سند "صحیح و باطل"<sup>۱</sup> فرقی وجود ندارد، و همه انواع آن یکسان است، بدین گونه چتر کلمه "سند" وسیعتر گردیده و تمامی انواع اسناد که دارای قیمت ادبی یا اعتباری بوده و یا هر ورقه‌ی که حالت قانونی و یا اجتماعی معینی را ثابت می‌سازد، شامل کلمه "سند" می‌گردد، لذا هر گاه شخصی سندی را جبراً اخذ نماید که متضمن اقرار به زوجیت و نسب بوده و یا دربرگیرنده اعتراف به جرمی باشد، مرتکب جرم اخذ جبری سند یا غصب سند شناخته می‌شود<sup>۲</sup>. درین میان فرقی نمی‌کند که سند اخذ شده ملکیت شخص مجنی‌علیه باشد یا شخص دیگری که آنرا طور امانت نزد مجنی‌علیه گذاشته است.

## مطلب دوم: امضاء:

امضا، هر علامت یا دستخط ویژه‌ای است که به صاحب آن نسبت داده شده و تعریف کننده‌ی شخصیت او باشد<sup>۳</sup>، طوری که با دیدن آن در پای هر نوشته یا سندی، ثابت گردد که این امضا

<sup>۱</sup> - قانون مدنی افغانستان در ماده‌های ۹۹۱ و ۹۹۵ سند رسمی و عرفی را تعریف و در مورد آنها چنین می‌گوید:

ماده ۹۹۱ :- سند رسمی ورقه‌ای است که موظف عمومی یا کارکنان خدمات عامه به اساس احکام قانون در حدود صلاحیت اختصاص خویش آنچه را بحضور شان گذارش می‌یابد یا از اشخاص ذیعلاقه کسب میکنند، در آن درج و ثبت نموده باشند. در صورتیکه ورق مذکور صفت سند رسمی را کسب ننموده، مگر اشخاص ذی‌علاقه به آن امضاء، مهر یا نشان انگشت نموده باشند، حیثیت سند عرفی را دارد.

ماده ۹۹۵ :- صدور ورق عرفی از طرف امضا کننده اعتبار داده میشود، مگر اینکه شخص از امضاء، مهر و نشان انگشت خود صراحتاً انکار نماید. مگر اینکه قانون خاص طور دیگری حکم نموده باشد. در مورد خلف و وارث قسم بعدم علم کفایت میکند.

<sup>۲</sup> - نجیب حسینی ۹۶۷/۲ - ۹۶۸.

<sup>۳</sup> - مرجع قبلی.

متعلق به او بوده و سند مذکور از جانب وی صادر گردیده است، یا او به آنچه که در سند مذکور درج گردیده است، متعهد می‌باشد.

در قانون مدنی ملاحظه می‌گردد که در بسا موارد، قانون گذار میان امضاء، مهر و نشان انگشت، فرقی نمی‌گذارد و از حیث اعتبار قانونی، همه را در یک ردیف قرار می‌دهد.<sup>۱</sup> کود جزا نیز برای اخذ جبری سند، امضاء، مهر یا نشان انگشت، مجازات یکسان در نظر گرفته است، زیرا تأثیرات آنها در اثبات حقوق و وقائع حقوقی، یکی می‌باشد.

### گفتار دوم: وصف جرم عمل مندرج ماده ۷۱۳ کود و مسایل مرتبط به آن:

در رابطه به وصف جرمی عمل مندرج ماده ۷۱۳ کود جزا، و مسایل مرتبط به آن، چند سوال قابل طرح است:

یکم: آیا عمل مندرج ماده ۷۱۳ کود جزا، غصب اموال منقول است؟

در ماده ۷۱۱ کود جزا، موضوع جرم غصب اموال منقول را پول و مال منقول تشکیل می‌دهد. آیا سند، امضاء، مهر و نشان انگشت، مال است که بتواند موضوع جرم غصب قرار گیرد؟ یک پاسخ احتمالی این می‌تواند باشد که اگر حقوق مالی بر آنها مرتب شود، مانند اینکه مدیون با استفاده از عنف، اکراه، تهدید یا ارباب، دائن را وادار به دادن سند برای دین سازد، این سند موضوع جرم غصب اموال منقول قرار می‌گیرد و عمل مرتکب، غصب محسوب می‌شود. اما اگر هیچ حقوق مالی بر یک سند، امضاء، مهر یا نشان انگشت، مرتب نشود، مانند شخصی که دیگری را به دادن سند مبنی بر اقرار زوجیت یا نسب، مجبور سازد، یا شخصی که دیگری را مجبور به اعتراف به جرم سازد و نشان انگشت او را بگیرد. همچون اسناد نمی‌تواند موضوع جرم غصب قرار گیرد و مرتکب را نمی‌توان غاصب پنداشت، زیرا مطابق ماده ۷۱۱ کود جزا، غصب بر مال واقع می‌شود، و اسناد متذکره، مال نیستند و حقوقی مالی نیز بر آنها مرتب نمی‌شود. این پاسخ یک اشکال را مطرح می‌کند و آن اینکه اگر ما بین غصب سند

<sup>۱</sup> - به طور مثال مراجعه گردد به: فقره دوم ماده ۲۹۱ و ماده های ۹۹۱ و ۹۹۵ قانون مدنی.

متضمن حقوق مالی و غیر مالی تفکیک قابل شویم و اولی را تابع مجازات غصب (م ۷۱۲) و دومی را تابع مجازات مندرج ماده ۷۱۳ بسازیم، منجر به عدم تناسب میان جرم و جزا می شود. زیرا جزای مندرج مواد ۷۱۲ اندک است و جزای مندرج ۷۱۳ شدید. چگونه امکان دارد که اخذ جبری سندی که متضمن حقوق مالی است جزای اندک داشته باشد و اخذ جبری سندی که متضمن حقوق مالی نیست جزای شدیدتر؟ بنابراین، به نظر می رسد که ماده ۷۱۳ بر تمام انواع سندها قابلیت تطبیق را دارد چه متضمن حقوق مالی باشد و یا خیر. ذکر این جرم در باب غصب این تفسیر را توجیه می کند، چون اگر فقط بالای اسناد غیر مالی تطبیق می شد، نیازی نبود تا تحت در خلال مواد غصب ذکر شود. احتمال سومی این می تواند باشد که ماده ۷۱۳ را فقط بر اسناد متضمن حقوق مالی قابل تطبیق بدانیم، البته این احتمال نیز بعید به نظر می رسد چون الفاظ ماده ۷۱۳ به شکل عام و مطلق از سند صحبت می کند بدون تفکیک بین سند مالی و غیر مالی.

دوم: از صراحت فقره های (۱) و (۲) ماده ۷۱۳ کد جزا چنین فهمیده می شود که قصد معنوی نزد مرتکب اخذ سند، امضاء، مهر یا نشان انگشت، حصول مفاد برای خود و ایقاع ضرر بر مجنی علیه است، و به همین معیار، جزا را تخفیف یا تشدید کرده است. مفاد و ضرر می تواند مادی یا معنوی باشند، در حالی که نظر به صراحت ماده ۷۱۱ کد جزا، در جرم غصب تنها مفاد مادی (پول و مال منقول) می تواند مطرح باشد، نه مفاد معنوی. طوریکه قبلاً شرح گردید، اگر در اثر اخذ جبری سند، امضاء، مهر یا نشان انگشت، چه مفاد مادی برای مرتکب حاصل شود و یا نشود، عمل او اخذ جبری سند، امضاء، مهر یا نشان انگشت پنداشته می شود.

سوم: جرم اخذ جبری سند، امضاء، مهر یا نشان انگشت، از جرایم مقید (نتیجوی) است یا از جرایم مطلق (غیر نتیجوی)؟ پاسخ این است که: از صراحت فقره (۲) ماده ۷۱۴ کد جزا، معلوم می شود که جرم اخذ جبری سند، امضاء، مهر یا نشان انگشت، از جرایم مطلق (غیر نتیجوی) است، زیرا اگر شخصی به مقصد حصول مفاد، دیگری را جبراً وادارد به دادن سند، امضاء، مهر یا نشان انگشت سازد اما هیچ مفادی برایش عاید نگردد؛ یعنی هیچ نتیجه ای بدست نیاید، عمل او جرم پنداشته شده و به

حبس متوسط مجازات می‌گردد. متنها، حصول نتیجه، موجب تشدید مجازات (حبس طویل) می‌گردد. فقره (۱) ماده ۷۱۳ کود جزا.

در فقره (۲) ماده ۷۱۳ کود جزا، عبارت "مفادی به مرتکب عاید، و ضرری به مجنی‌علیه وارد نگردیده باشد" ممکن است افاده حصر را ننماید، زیرا حصول مفاد یا وقوع ضرر مبنی بر اخذ جبری سند، امضاء، مهر یا نشان انگشت، ممکن است صورت‌های دیگری نیز داشته باشد، مانند اینکه:

۱ - مفادی برای مرتکب عاید، و ضرری بر مجنی‌علیه وارد گردد. (که در اغلب حالات متصور است).

۲ - مفادی برای مرتکب عائد، و ضرری بر مجنی‌علیه وارد نگردد. (مانند غصب امضا یا نشان انگشت منحيث شاهد، در همچو سندی که حق شخص دیگری را به شخص دیگری ثابت می‌سازد).

۳ - ضرری بر مجنی‌علیه وارد اما مفادی برای مرتکب عائد نگردد. (مانند گرفتن چک از نزد مجنی‌علیه و عدم صرف آن از جانب بانک برای جانی)

۴ - نه ضرری بر مجنی‌علیه وارد و نه مفادی برای مرتکب عاید گردد. (مانند گرفتن امضای مجنی‌علیه در پای سندی که جانی نتواند از آن بهره‌برد)

در مثال‌های دوم، سوم و چهارم، هرچند مجنی‌علیه از نظر روانی متضرر می‌گردد، اما از نگاه مادی ضرری به وی نمی‌رسد، اما بازهم با استناد به فقره (۲) ماده ۷۱۳ کود جزا، می‌توان گفت که از دیدگاه کود جزا، در تمامی این حالات جرم اخذ جبری سند، امضاء، مهر و نشان انگشت، جرم مطلق بوده و مجرد اخذ اجباری آنها، قابل مجازات است.

فعالیت شماره (۲۴)

**قضیه فرضی:**

مدیونی که برای دائن خویش، سند مبنی بر مدیونیت داده بود، آنرا جبراً از نزد او اخذ نمود، و برای دفع اتهام و تبریر عمل خویش چنین استناد می‌کند که او مرتکب جرم اخذ جبری سند نشده است، زیرا سند مذکور ملکیت خود او می‌باشد. نظر شما چیست؟

**پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۲۴)**

مدیون مذکور، مرتکب اخذ جبری سند شده است، و استدلال او باطل است، زیرا سند مثبت مدیونیت که او به دائن داده است، ملکیت دائن محسوب می‌شود و او ملکیت غیر را جبراً اخذ نموده است. (نجیب محمود حسنی، شرح قانون العقوبات، القسم، ص ۹۶۸/۲)

نظر شما راجع به این پاسخ چیست؟

**مبحث پنجم: چپاول گری (نهب):**

چپاول گری جرم مندرج ماده ۷۱۴ کود جزا است که قانونگذار آنرا "نهب" نیز نامیده است. برای این جرم تعریف مشخصی ارائه نشده است بلکه هر عملی که مال منقول دیگری بصورت غیر قانونی اخذ شده باشد و وصف راهزنی، سرقت یا غصب بر آن صدق نکند، چپاول گری محسوب می‌شود.

چند نکته مهم در رابطه به جرم چپاول گری قابل ذکر است:

اول: موضوع جرم چپاول گری را "پول و مال منقول" تشکیل می‌دهد، بنابراین، اموال غیر منقول، موضوع جرم چپاول گری قرار نمی‌گیرند.

دوم: رفتاری جرمی چپاول گری عبارت است از اخذ مال منقول دیگری در ماورای حالات جرایم راهزنی، یا سرقت و یا غصب. بنابراین، هرگاه مال منقول دیگری به شکل غیر قانونی اخذ

می گردد، نخست شرایط جرایم راهزنی، سرقت و غصب با آن مطابقت داده شود، در صورت تحقق شرایط مذکور حسب احوال حسب مناسب به آن داده شود، اما اگر هیچکدام از شرایط متذکره وجود نداشت، برای جرم وصف جرمی چپاول گری داده می شود.

سوم: وجود قصد تملک نزد مرتکب در جرم چپاول گری، شرط تحقق جرم دانسته نشده است. بنابراین، ممکن است اخذ مال منقول دیگری به صورت غیر قانونی به مقاصد دیگری غیر از تملک، چون استعمال، استفاده، بهره برداری و امثال آنها، جرم چپاول گری محسوب شود.

چهارم: برای تشخیص وصف جرمی چپال گری، شارنوال یا قاضی باید نسخه رفتار جرمی مرتکب را در قالب جرم راهزنی، سرقت و غصب باندازد، هرگاه رفتار مذکور وصف جرمی هیچ یک از جرایم متذکره را بخود نگیرد، در آنصورت می توان فکر کند که آیا این رفتار، جرم چپاول گری است یا خیر؟

#### فعالیت شماره (۲۵)

قضیه فرضی:

خانمی در کنار جاده، پیاده روان بود، موتورسایکل سواری از کنار او عبور کرده و دستکول دستی او را گرفت و فرار کرد. برای تشخیص وصف جرمی عمل موتورسایکل سوار مذکور، باهم مذاکره نمایید سپس بگویید که او مرتکب کدام جرم شده است.

پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۲۵)

پاسخ احتمالی از طرف نویسندگان این مقاله نگردیده بلکه پاسخ حقیقی برای اشتراک کنندگان محول گردیده است.

#### فعالیت شماره (۲۶)

## کار گروهی:

اشتراک کننده‌ها به گروه‌ها تقسیم شوند و هر گروه برای جرم چپاول گری، حد اقل سه قضیه فرضی پیدا کنند.

پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۲۶): پاسخ احتمالی ارائه نشده بلکه پیدا کردن قضایای فرضی جرم چپاول گری به اشتراک کننده‌ها محول گردیده است.

## نتیجه گیری فصل دوم:

بعد از مطالعه، بررسی، تحلیل، تجزیه و مباحثه راجع به موضوعات مندرج فصل دوم این جزوه آموزشی (مواد ۷۱۱ تا ۷۱۳ کود جزا) به نتایج زیر رسیدیم.

۱. جرم غصب اموال منقول از جرایم عمدی نتیجه‌جوی است.
۲. موضوع غصب اموال منقول مندرج ماده ۷۱۱ کود جزا، منحصر به دو چیز می‌باشد: پول و مال منقول. بنابراین، هر آنچه‌ای که مال محسوب نمی‌شود یا حقوق مالی بر آن مرتب نمی‌شود، موضوع جرم غصب اموال منقول، قرار نمی‌گیرد.
۳. استفاده از عنف، تهدید، اکراه یا ارباب و آشکار بودن رفتار جرمی غاصب، علایمی هستند که غصب را از سرقت تفکیک می‌کنند، زیرا سرقت، عمل پنهانی است و عنف، تهدید، اکراه یا ارباب در آن بکار برده نمی‌شود.
۴. غصب اموال منقول به مقصد حصول مفاد مادی صورت می‌گیرد، حصول مفاد معنوی را نمی‌توان غصب شمرد.
۵. معیار در تعیین جزای غصب اموال منقول، ارزش مادی مال مغضوبه است؛ مقدار جزا نظر به بلند رفتن ارزش مال مغضوبه، بلند می‌رود، و بالاخره به یک حد معین که همانان ارزش بیش از یک صد هزار افغانی است به حبس طویل متوقف می‌شود.

۶. اخذ جبری سند، امضاء، مهر یا نشان انگشت، زمانی غصب محسوب می‌شود که حقوقی مالی بر آن مرتب شود.

۷. جرم اخذ جبری سند، امضاء، مهر یا نشان انگشت، از جرایم مطلق (غیر نتیجه‌جوی) است؛ تحقق نتیجه (حصول مفاد) یا عدم تحقق آن، شرط تکمیل جرم نیست بلکه جرم به مجرد وقوع فعال مادی (اخذ جبری سند، امضاء، مهر یا نشان انگشت) تکمیل می‌گردد. منتها، تحقق نتیجه، موجب تشدید مجازات می‌شود.



## فصل سوم

### جرم غصب زمین و اموال غیر منقول

#### اهداف:

در پایان جلسه‌ی آموزش، اشتراک‌کننده‌گان قادر خواهند بود تا:

- ☞ مواد کود جزا، مربوط به جرم غصب زمین و اموال غیر منقول را تحلیل و تجزیه کنند؛
- ☞ جرم غصب زمین و اموال غیر منقول را تعریف، و عناصر تشکیل دهنده‌ی آنرا تشخیص درست نمایند؛
- ☞ قضایای جزایی مربوط به غصب زمین و اموال غیر منقول را در پرتو کود جزا، وصف جرمی صحیح بدهند؛
- ☞ مرتکبین جرم غصب زمین و اموال غیر منقول را مطابق به احکام کود جزا، مجازات عادلانه نمایند؛
- ☞ ملاحظات مطروحه در کود جزا پیرامون جرم غصب زمین و اموال غیر منقول را شناسائی، تحلیل و ارزیابی نموده، با حل نمودن قضایای فرضی و سوالات مباحثی، و با وارد نمودن تفکرهای انتقادی، قدرت تحلیل و ارزیابی حقوقی خویش را قویتر و ظرفیت و توانایی‌های مسلکی خویش را بلند ببرند.

## عناوین:

- تاریخچه جرم انگاری غصب اموال غیر منقول در افغانستان.
- تعریف جرم غصب زمین و اموال غیر منقول.
- عناصر جرم غصب زمین:
  - عنصر مادی.
  - عنصر معنوی.
- جزای جرم غصب زمین.
  - جزای حالت عادی جرم غصب زمین.
  - جزای حالات مشدده جرم غصب زمین.
- آثار حقوقی صدور حکم جزایی در مورد غصب.
- تعدد جرم در غصب زمین.
- جرایم در حکم غصب.

## فصل سوم

### جرم غصب زمین و اموال غیر منقول

#### مقدمه:

نکته قابل توجه این است که کود جزا، ماده ۷۱۵ را با "غصب زمین و اموال منقول" عنوان می‌کند اما احکام آن منحصر به غصب زمین است و در مورد غصب اموال غیر منقول مانند غصب خانه، غصب دکان و امثال آنها، هیچ حکمی بیان نکرده است.

واژه غصب و مخصوصاً "غصب زمین" معمولاً یک اصطلاح مربوط به حقوق مدنی است، فقهاء نیز به دلیل عدم امکان انتقال آن از یک محل به محلی دیگر، نگاه جرمی به آن نداشته اند و با راه حل های مدنی به عمل "غصب" پاسخ داده اند؛ به همین خاطر، عکس العمل در برابر غصب را تا حد "وجوب ضمان" تعیین کرده اند. اما از دیدگاه قانونگذار، راه حل های مدنی در این مورد پاسخگو نبوده و شاید گسترش این نوع تجاوز بر اموال و مالکیت، قانونگذار را وادار نموده تا احکام اختصاصی را در این مورد وارد بستر حقوق جزایی (کود جزا) نماید. به همین منظور، نه تنها اموال منقول، بلکه اموال غیر منقول نیز به عنوان هدف مهم و ارزشمند، مورد حمایت قانونگذار قرار گرفته و احکام مشخصی را به منظور تأمین حمایت قانونی از اموال و ملکیت های عقاری در مواد ۷۱۵ تا ۷۱۹ کود جزا، پیش بینی کرده است.

### مبحث اول: تاریخچه جرم انگاری غصب اموال غیر منقول در افغانستان:

قبل از قانون جزای ۱۳۵۵، احکام جزایی خاصی در مورد غصب زمین وجود نداشت، با انفاذ قانون جزا، این تعدی با اشکال گوناگون آن در مواد ۲۷۰، ۲۷۹ و ۴۷۰ قانون جزا جرم شناخته شد، سپس با تصویب ضمیمه شماره ۴ منتشره جریده رسمی شماره ۱۲۴۴ سال ۱۳۹۵ قانون جزا، احکام غصب در این ضمیمه پیش‌بینی گردید. بعد از آن احکام جزایی غصب، وارد قانون تنظیم امور زمینداری منتشره جریده رسمی شماره ۱۲۵۴ سال ۱۳۹۶ گردیده و به اساس آن، احکام مندرج ضمیمه شماره ۴ قانون جزا، ملغی گردید. سپس با انفاذ کود جزا و مطابق اجزای ۳۱ و ۳۳ ماده ۹۱۶ این قانون، تمام احکام مربوط به غصب زمین و اموال غیر منقول مندرج قوانین قبلی، ملغی، و احکام جزایی مندرج باب نهم، فصل دوم کود جزا، جاگزین آن گردید.

### مبحث دوم: تعریف جرم غصب زمین و اموال غیر منقول:

غصب از دیدگاه فقه عبارت است از: اخذ مال منقول متقوم ملکیت غیر، بطور آشکار که کلاً یا قسماً از تصرف مالک خارج گردیده باشد.<sup>۱</sup>

کود جزای افغانستان، تعریفی از غصب زمین و اموال غیر منقول ارائه نکرده است. آنچه در ماده ۷۱۵ این قانون تصریح شده است، مصادیق غصب زمین است. مانند:

- تصرف در زمین های دولتی، عامه، شخصی، مرعی یا وقفی، بدون داشتن اسناد مدار اعتبار یا حکم قانون.
- تصاحب زمین های دولتی، عامه، شخصی، مرعی یا وقفی، بدون داشتن اسناد مدار اعتبار یا حکم قانون.

<sup>۱</sup> زین العابدین، ابن نجیم، الحنفی، البحر الرائق، شرح کنز الدقایق، ج ۲، ص ۱۲۳

- به همین ترتیب، مصادیق دیگر آن عبارت است از استفاده، انتقال، رهن، تضمین، اجاره یا کرایه زمین های دولتی، عامه، شخصی، مرعی یا وقفی، بدون داشتن اسناد مدار اعتبار یا حکم قانون، که مجموعاً هشت مصداق می شود.

با نظر داشت مصادیق فوق، غصب زمین را می توان چنین تعریف کرد: غصب زمین عبارت است از هرگونه تصرف مالکانه در زمین دولتی، عامه، شخصی، مرعی یا وقفی، بدون داشتن اسناد مدار اعتبار یا حکم قانون.

با دقت در متن ماده ۷۱۵ کود جزا، به نظر می رسد؛ آنچه در این ماده راجع به غصب زمین و اموال غیر منقول ذکر شده، ممکن است میان احکام غصب مدنی و جزائی، التباسی را به وجود آورد، زیرا انواع تصرفات مالکانه ی غیرمجاز در زمین غیر، در قانون مدنی نیز وجود دارد. بنابراین، تعریف غصب با شاخص های پیش بینی شده در این ماده، می تواند محل ایراد باشد؛ چون تمامی این شاخص های در نظر گرفته شده، دارای ماهیت مدنی بوده و درست نیست که یک عنوان مجرمانه را با مفاهیم کاملاً حقوقی که پیامد آن تنها مسئولیت مدنی است، تعریف کرد. به همین جهت، می توان گفت که تعریف غصب در ماده ۷۱۵ کود جزا، فاقد عناصر اساسی است و نمی تواند بازگو کننده ی حالت "جرمی" ارتکاب غصب زمین باشد، زیرا ماده ۷۱۵ کود جزا، تعریف غصب زمین و مصادیق آنرا از جزء ۳۹ ماده سوم قانون تنظیم امور زمینداری<sup>۱</sup>، رو نویسی نموده و حاوی همان اجزا و عناصر می باشد.

### مبحث سوم: عناصر جرم غصب زمین:

جرم غصب زمین مانند سایر جرایم عمدی دارای عناصر قانونی، مادی و معنوی می باشد؛ عنصر قانونی همان تصریح قانونی است که یک عمل را جرم می پندارد و برای آن جزا تعیین می کند. عنصر قانونی جرم غصب زمین را ماده ۷۱۵ تا ۷۱۹ کود جزا تشکیل می دهد. عنصر مادی و عنصر معنوی جرم غصب زمین را در زیر توضیح می دهیم.

<sup>۱</sup> - قانون تنظیم امور زمینداری منتشره جریده رسمی شماره ۱۲۵۴ مؤرخ ۱۳۹۶/۱/۲۶،

**گفتار اول: عنصر مادی جرم غصب زمین:**

عنصر مادی جرم عبارت است از ارتکاب عمل مخالف قانون یا امتناع از اجرای عملی که قانون به آن حکم نموده است به نحوی که ارتکاب یا امتناع منجر به نتیجه جرمی گردیده و رابطه سببیت میان عمل و نتیجه موجود باشد.<sup>۱</sup>

نظر به تعریف فوق، ویا در نظر داشت ماده ۷۱۵ کود جزا، اجزای عنصر مادی عبارت است از: فعل، موضوع فعل، کیفیت فعل، نتیجه و رابطه سببیت که هر کدام قرار ذیل شرح می‌گردد.

**مطلب اول: فعل:**

رفتار جرمی در ارتکاب جرم غصب زمین، همان رفتارهای مندرج ماده ۷۱۵ کود جزا است که عبارت است از "تصرف، تصاحب، استفاده، انتقال، رهن، تضمین، اجاره و کرایه زمین غیر".

کود جزا، تعریفی از این رفتارها ارایه نکرده است، اما به دلیل اینکه منشأ حقوقی دارند، باید به سراغ مفاهیم مدنی آنها رفت.

۱- تصرف: تصرف شامل تصرفات حقوقی (عقد و ایقاع) و تصرفات مادی (یعنی تصرف در ذات شیء مانند تخریف خانه) می‌گردد. تصرفات حقوقی اشکال زیاد دارد. ماده سیزدهم قانون تنظیم امور زمینداری، برخی انواع آنرا ذکر نموده است که شامل خرید، فروش، هبه، ترکه، تقسیم، تبادل و رهن می‌گردد. تصرف می‌تواند بشکل قانونی یا به گونه‌ی عدوانی اعمال شود.<sup>۲</sup> تصرف مندرج ماده ۷۱۵ کود جزا، از نوع عدوانی آن است.

<sup>۱</sup> - ماده ۳۳ کود جزا.

<sup>۲</sup> لنگرودی جعفری، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق

۲ - تصاحب: واژه تصاحب معمولاً به اموال مباح نسبت داده می‌شود، طوری که ماده ۱۹۸۵ قانون مدنی<sup>۱</sup> نیز این کار را کرده و چنین تصریح می‌کند: "شخصی که مال منقول مباح را قبل از دیگران بدست آرد، مالک آن شناخته می‌شود." بنابراین؛ مالی که صاحب نداشته باشد، تصاحب می‌شود، اما مالی که صاحب داشته باشد، تملک می‌شود. به نظر می‌رسد که منظور ماده ۷۱۵ کود جزا از واژه "تصاحب"، تملک است، یعنی خود را صاحب ملکیت غیر می‌سازد و آنرا از خود می‌داند.

۳ - استفاده: بمعنای فایده گرفتن از منافع مال است چه به شکل مشروع یا نا مشروع باشد، مانند سکونت کردن.

۴ - انتقال: مفهومی انتقال ملکیت مال از یک دست به دست دیگر، از طرق مختلف می‌باشد. نظر به صراحت مواد ۳۶ و ۶۳ تا ۶۶ قانون تنظیم امور زمینداری، انتقال زمین از طرق فروش، هبه، تملیک، وصیت یا وقف، صورت گرفته می‌تواند.

۵ - رهن: یکی از موارد تصرف است. رهن از جمله عقود توثیق - عقودی که دین را تحکیم می‌بخشد - است.<sup>۲</sup> رهن عبارت است از: حبس مال و نگهداری آن، در مقابل حق مالی‌ای که امکان استیفای آن از مدیون وجود داشته باشد.<sup>۳</sup>

۶ - تضمین: یکی از آثار رهن است که سبب تحکیم و تضمین دین می‌گردد و منظور از آن، کفالت کردن و التزام به ادای دین از جانب مدیونی است که در تأدیه دین کوتاهی کرده است.<sup>۴</sup>

۷ - اجاره: عبارت است از: "تملیک منفعت مورد نظر از عینی که به اجاره داده می‌شود توسط اجاره دهنده برای اجاره گیرنده به عوضی که قابلیت بدل را دارا باشد".<sup>۱</sup> عوض می‌تواند نقدی یا عینی باشد.

<sup>۱</sup> - قانون مدنی

<sup>۲</sup> ماده ۱۶۶۵ قانون مدنی

<sup>۳</sup> ماده ۷۰۱ مجله الأحكام العدلیه

<sup>۴</sup> احمد مختار و دیگران، معجم اللغة العربیة المعاصرة ج ۱، واژه شماره ۳۱۴۴.

۸- کرایه: دریافت وجه نقدی در بدل اعطای عین به شخص دیگر است. برخی ها به این نظر اند که میان اجاره و کرایه، فرقی وجود ندارد.

رفتارهای مادی فوق الذکر با تحقق دو شرط، جرمی محسوب می‌شود:

۱. تصرف در زمین ملکیت غیر صورت گرفته باشد. زمین‌های ملکیت غیر را تحت عنوان (موضوع جرم غصب زمین) بیان خواهیم کرد.

۲. متصرف، اسناد مدار اعتبار یا مجوز قانونی، در اختیار نداشته باشد. اسناد مدار اعتبار در ماده هجدهم قانون تنظیم امور زمینداری به تفصیل بیان شده است.

شخصیت مرتکب: شخصیت مرتکب در برخی جرایم مانند اختلاس، رشوت و سوء استفاده از صلاحیت وظيفوی، بخشی از عناصر متشکله مادی جرم را تشکیل داده و در تحقق جرم تأثیر گذار می‌باشد؛ زیرا "برخی موقعیت‌ها و مناسبت‌ها برای مرتکبین، ارتکاب جرم را تسهیل می‌نماید"<sup>۲</sup>. ولی در جرم غصب، شخصیت مرتکب مورد توجه قانون گذار قرار نگرفته و از اجزای عنصر مادی به شمار نمی‌رود. بنابراین، رفتارهای تشکیل دهنده جرم غصب توسط هر شخصی می‌تواند ارتکاب یابد چون موظفین خدمات عامه و یا غیر موظفین، اشخاص با نفوذ و زورمندان یا فرد عادی.

<sup>۱</sup> ماده ۱۳۲۲ قانون مدنی

<sup>۲</sup> گروه تحقیقی، معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، بررسی جرایم علیه اموال دولت، ج ۲، ص ۴۸، چاپ اول، سال ۱۳۸۹، انتشارات جاودانه، ایران.



## مطلب دوم: موضوع جرم:

موضوع جرم مندرج ماده ۷۱۵ کد جزا، زمین است؛ هر نوع زمین اعم از زمین دولتی، عامه، شخصی، مرعی و وقفی تشکیل و براساس جزء ۱ ماده سوم قانون تنظیم امور زمینداری، زمین شامل تمام انواع زمین هایی است که در این قانون پیش بینی گردیده است<sup>۱</sup>.

نکته قابل ذکر این است که سایر اموال غیر منقول مانند خانه، دکان، سرای و امثال آنها، موضوع جرم مندرج ماده ۷۱۵ کد جزا، قرار نگرفته است، با وجود اینکه عنوان ماده مذکور از زمین و اموال غیر منقول نام برده شده است.

<sup>۱</sup> چون نظر به ماده ۷۱۵ ک.ج زمین بخشی از عنصر مادی جرم غصب را تشکیل می دهد ناگزیریم طور مختصر موارد آن را که در کد جزا از آن یاد شده است ذکر نماییم :

مطابق ماده ۳ قانون تنظیم امور زمینداری ، انواع ذیل شامل تعریف زمین دانسته شده :

- زمین زراعتی

- زمین نیمه زراعتی

- زمین صالح الزراعه

- زمین غیر زراعتی

- زمین بایر

- زمین دولتی : زمین های ذیل دولتی شناخته می شود :

۱- زمین های باغی و آبی که در دفتر اساس زمین های دولتی ثبت باشد و یا در نتیجه عملیه سروی و تصفیه، دولتی تثبیت گردد.

۲- زمین للمی، بکر و بایر، دشت ها، کوه ها، تپه ها، دامنه های کوه ها، جبه زار، جنگل زار، نی زار، چمنی، بلند آبه و سایر زمین هایی که در دفاتر دولتی ثبت باشد.

۳- زمین و ملکیت هایی که قبل از انفاذ این قانون بیش از چهل سال در تصرف دولت باشد.

- زمین شخصی: قطعه یا قطعات زمین است که مطابق اسناد مدار اعتبار در ملکیت اشخاص حقیقی یا حکمی قرار داشته باشد.

- زمین وقفی : زمینی است که جهت استفاده در امور خیریه یا خاص وقف گردیده باشد.

- زمین مشاع

- زمین عامه : زمینی است که ملکیت دولت و اشخاص نبوده مطابق احکام قانون از آن استفاده جمعی صورت می گیرد و تحت استفاده انفرادی قرار نداشته و از طرف دولت نظارت و تنظیم می گردد.

- زمین مرعی : زمین هایی است که ملکیت عامه بوده و دارای پوشش نباتات علوفه یی و بوته های طبیعی می باشد و غرض چرانیدن مواشی مطابق احکام قانون مورد استفاده قرار می گیرد.

بنا بر قاعده «مطلق، عمومیت دارد»؛ اطلاق کلمه "زمین" در ماده مذکور این معنی را می‌رساند که زمین با انواع مختلف آن (زراعتی، غیر زراعتی، باغی، آبی، للمی، جبه زار، سنگ زار، نی زار، بکر و بایر و امثال آنها، مشمول موضوع جرم غصب زمین است.

زمین‌های مندرج ماده ۷۱۵ کود جزا، از حیث ملکیت به پنج نوع تقسیم شده است که عبارت از زمین‌های دولتی، عامه، شخصی، مرعی و وقفی، می‌باشند.

زمین‌های دولتی، شخصی و عامه بالترتیب در اجزای ۵۳، ۵۴ و ۵۵ ماده سوم قانون تنظیم امور زمینداری، و زمین‌های وقفی در جزء ۱۵ و زمین‌های مرعی (عامه و خاصه) در اجزای ۵۶ تا ۵۸ ماده سوم قانون مذکور تعریف شده اند.

د) وسیله جرم: استفاده از وسیله‌ی خاصی مانند، تهدید، اکراه، عنف، ارباب و امثال آنها، شرط تحقق ارتکاب جرم غصب زمین نیست، در حالی که غصب اموال منقول مندرج ماده ۷۱۱ کود جزا، بدون یکی از آنها تحقق یافته نمی‌توانست.

### مطلب دوم: نتیجه

جرم غصب زمین از جرایم نتیجوی است؛ نتیجه در ارتکاب این جرم، عبارت تسلط یافتن مرتکب بر زمین غیر (زمین دولتی، عامه، شخصی، مرعی یا وقفی) می‌باشد. هرگاه رفتار جرمی نظر به عواملی خارج از اراده‌ی مرتکب، به نتیجه نرسد؛ یعنی زمین در حیطه‌ی تصرفات او قرار نگیرد، عمل او شروع به ارتکاب جرم غصب زمین، پنداشته می‌شود.

### مطلب سوم: رابطه سببیت

جرم غصب زمین از جرایم نتیجوی است، و تحقق رابطه سببیت در جرایم نتیجوی شرط تحقق جرم است. رابطه سببیت، رفتار جرمی را با نتیجه‌ی جرمی، ربط می‌دهد؛ به این معنی که نتیجه باید در اثر رفتار جرمی مرتکب، تحقق یافته باشد نه در اثر رفتار یا عامل دیگری.

## گفتار دوم: عنصر معنوی

جرم غصبِ زمین از جرایم عمدی است. در این جرم، وجود سوء قصد عام، برای تحقق عنصر معنوی کافیسست، "سوء قصد عام عبارت است از تعلق اندیشه خلاف قانون بر انجام عمل مجرمانه"<sup>۱</sup>. منظور از سوء قصد عام، وجود علم و اراده نزد مرتکب می‌باشد؛ علم به اینکه زمین متعلق به شخص یا اشخاص دیگری است و او در آن هیچ حقی ندارد. و وجود اراده نزد مرتکب به این معنی است که مرتکب، رفتار جرمی (تصرف در زمین غیر) را با اراده آزاد خود انجام می‌دهد نه تحت تأثیر کدام قوه‌ی خارجی.

وجود سوء قصد خاص نزد مرتکب در تحقق جرم غصب زمین، ضروری نیست، زیرا برای قانونگذار مهم نیست که مرتکب به چه منظوری بر ملک غیر تصرف می‌کند.

نکته قابل ذکر این است که در جرم غصب زمین مندرج ماده ۷۱۵ کود جزا - همانند غصب اموال منقول- مندرج ماده ۷۱۱، از داشتن یا نداشتن "قصد تملک مال مغصوبه" و "عدم رضایت مالک" صراحتی وجود ندارد، عدم تصریح همچون قیود، این مفهوم را افاده می‌کند که عمل مرتکب به محض (تصرف، تصاحب، استفاده، انتقال، رهن، تضمین، اجاره یا کرایه‌ی زمین غیر)، غصب پنداشته می‌شود، هرچند این تصرفات از جانب مرتکب به گونه عارضی صورت گرفته باشد، و قصد تملک نزد او موجود نباشد. مانند اینکه شخصی زمین دیگری را که در کشور آلمان زندگی می‌کند و سال‌هاست که بلا زرع باقی مانده و برای صاحب آن هیچ مهم نیست که کسی آنرا زرع کند یا بلا زرع باقی بماند. اینگونه تصرف مطابق ماده ۷۱۵ کود جزا، غصب زمین محسوب می‌شود، زیرا در ماده مذکور، "قصد تملک" یا "عدم رضایت مالک" قید نگردیده است.

## فعالیت شماره (۲۷)

<sup>۱</sup> گروه تحقیقی، معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، بررسی جرایم علیه اموال دولت، ج ۲ ص ۷۳

**قضیه فرضی:**

شخص (الف) که یک باب خانه در کارته پروان شهر کابل دارد، در اثر نا امنی ها به کشور هندوستان پناهنده شده است. شخص (ب) که یک زورمند است خانه او را در تصرف خود گرفته و آنرا ماهوار بمبلغ ۱۰۰۰'۰۰۰ افغانی به کرایه داده است. شما عمل شخص مذکور را بشکل گروهی بررسی کنید؛ اگر عمل او جرم است، وصف جرمی آنرا به رویت کود جزا، مشخص ساخته و جزای آنرا نیز معلوم کنید؟

**پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۲۷)**

پاسخ احتمالی ارایه نشده است بلکه پاسخ یقینی به کار گروهی داخل صنف محول گردیده است.

**مبحث چهارم: مجازات جرم غصب زمین:**

قانونگذار، مجازات ارتکاب غصب زمین را در دو حالت عادی و مشدده تقسیم نموده است که هر یک را در گفتارهای جدا گانه بحث می‌کنیم.

**گفتار اول: جزای حالت عادی جرم غصب زمین:**

قانونگذار، جزای حالت عادی جرم غصب زمین را در فقره های ( ۱ تا ۷) ماده ۷۱۶ کود جزا تصریح کرده است، و مواردی چون حبس (فقره ۱)، تخلیه زمین و تسلیم نمودن اسناد ادعای مالکیت زمین به مالک (فقره ۲)، پرداخت قیمت زمین فروخته شده به مالک (فقره ۳)، پرداخت منفعت ناشی از اجاره یا کرایه زمین به مالک آن (فقره ۴)، تأدیه پول ناشی از فروش زمین های عامه یا وقفی به خزانه دولت (فقره ۵)، جبران خساره زمین تخریب یا خساره‌مند شده (فقره ۶) و مسترد نمودن زمین (فقره ۷) را شامل آن ساخته است. سوال قابل طرح این است که آیا موارد فقره های (۲ تا ۷) ماده ۷۱۶، مسایل حقوقی اند یا جزایی؟ پاسخ این سوال را در گفتار سوم، ارائه خواهیم کرد. اما قبل از آن، موارد متذکره را قرار ذیل شرح می‌کنیم:

- فقره (۱) ماده ۷۱۶ کود جزا: معیار در تعیین جزای حبس مرتکب غصب زمین، ارزش زمین مغصوبه است که کمترین آن حبس قصیر و بیشترین آن حبس طویل تا ده سال می‌باشد.

- فقره (۲): در این فقره فقط از تخلیه زمین مغصوبه نام برده شده، و از جزئیات آن چیزی گفته نشده است مانند اینکه اگر غاصب بر زمین مغصوبه بنا و تأسیسات اعمار نموده باشد، تخلیه آن چگونه صورت می‌گیرد؟

### فعالیت شماره (۲۸)

#### سوال مباحثوی:

شخصی زمینی را غصب و بر روی آن تعمیری دارای بیست طبقه بمبلغ ۱۵۰'۰۰۰'۰۰۰ افغانی بنا کرده است، آیا غاصب، زمین و تعمیر را تخلیه و به مالک زمین تسلیم می‌کند یا چگونه؟ برای دریافت پاسخ، اشتراک کننده‌ها به گروه‌های پنج نفری تقسیم شوند، سپس هر گروه پاسخ خود را در حضور همه ارائه کند و در اخیر، به کمک آموزگار، نتیجه گیری صورت گیرد.

#### پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۲۸)

از اینکه فقره (۲) ماده ۷۱۶ کود جزا، در مورد جزئیات تخلیه زمین مغصوبه، ساکت است، ما نیازمند مراجعه به ماده ۲۲۰۴ قانون مدنی هستیم.

فقره (۳): این فقره فقط از پرداخت قیمت زمین مغصوبه به خریدار نام برده است، اما مشخص نکرده است که اگر خریدار در زمین مذکور بنا و تأسیسات اعمار کرده باشد، در آنصورت تکلیف چی خواهد بود؟

فقره (۴): در این فقره مشخص نیست که آیا زمین به نرخ روز به اجاره یا کرایه داده شده یا نازلتر از نرخ روز؟ همچنان اگر خود غاصب زمین مغضوبه را مورد استفاده قرار داده و منفعت بدست آورده باشد، آیا منفعت متذکره مثل منفعت ناشی از اجاره، قابل بازپرداخت است؟

فقره (۵): از حکم مندرج این فقره چنین استنباط می‌شود که قانون شهرک‌های که زمین آن غصب و به مردم به فروش رسیده است را از اشخاص ذوالید استرداد نمی‌کند و ضمناً آنرا برای آنها مشروعیت می‌دهد.

فقره (۶): در این فقره صلاحیت تعیین قیمت جبران خساره به اهل خبره محول شده است. سوال قابل طرح این است که آیا اهل خبره، خساره را به اساس نرخ روز "صدور قرار قضائی مبنی بر تعیین قیمت جبران خساره" سنجش می‌کنند یا به نرخ روزی که زمین تلف یا خساره‌مند شده است؟

فقره (۷): در این فقره، مشخص نیست که استرداد زمین مغضوبه در خلال چه مدتی بعد از صدور حکم قطعی، صورت می‌گیرد؟ در حالی که در فقره (۲) تصریح شده است که تخلیه زمین در خلال مدت سه ماه از تاریخ صدور حکم قطعی، صورت می‌گیرد.

### گفتار دوم: جزای حالات مشدده جرم غصب زمین:

ارتکاب غصب در سه حالت ذیل، مشدده شناخته شده و در صورت تحقق این حالات، مرتکب به حد اکثر مجازات جرم مرتکبه در این فصل، (یعنی به حد اکثر مجازات جرمی که ارتکاب یافته است) نه حد اکثر مجازات جرم غصب مندرج در این فصل) محکوم می‌گردد. برای مثال:

- اگر جرم مندرج جزء ۱ فقره (۱) ماده ۷۱۶ کود جزا، با یکی از شیوه‌های مندرج اجزای ۱ تا ۳ ماده ۷۱۷، صورت گرفته باشد، مرتکب به حد اکثر حبس قصیر (یک سال)، محکوم می‌شود.

- اگر جرم مندرج جزء ۲ فقره (۱) ماده ۷۱۶ کود جزا، با یکی از شیوه‌های مندرج اجزای ۱ تا ۳ ماده ۷۱۷، صورت گرفته باشد، مرتکب به حبس متوسط دو سال، محکوم می‌شود.

- اگر جرم مندرج جزء ۳ فقره (۱) ماده ۷۱۶ کود جزا، با یکی از شیوه های مندرج اجزای ۱ تا ۳ ماده ۷۱۷، صورت گرفته باشد، مرتکب به حد اکثر حبس متوسط (پنج سال)، محکوم می شود.

- اگر جرم مندرج جزء ۴ فقره (۱) ماده ۷۱۶ کود جزا، با یکی از شیوه های مندرج اجزای ۱ تا ۳ ماده ۷۱۷، صورت گرفته باشد، مرتکب به حبس طویل ده سال، محکوم می شود.

### شرح اجزای ۱ تا ۳ ماده ۷۱۷ کود جزا:

۱. استفاده از زور اجبار، اکراه، ارعاب یا تهدید: استفاده از "زور" اصطلاح حقوقی نبوده بلکه یک اصطلاح عرفی است، از همین رو نمی توان معادل آن را در حقوق عرفی یافت، برای اینکه بتوانیم برای آن مفهوم حقوقی بدهیم باید بگوییم که منظور از "زور"، استعمال قوه است و از مصادیق اجبار و اکراه مادی می باشد.

۲. تداوم غصب با وجود اطلاع، اخطار شفاهی یا کتبی از سوی ادارات ذی ربط دولتی: تسلسل "اطلاع" و "اخطار" یکی پی دیگر، شرط تحقق حالت مشدده نیست، بلکه رسیدن یکی از آنها "اطلاع" یا "اخطار" برای غاصب، حالت مشدده، تحقق می یابد.

۳. دستور دادن، امر کردن، تمویل کردن، وادار کردن یک یا بیش از یک شخص به غصب زمین: در اصل موارد "دستور دادن، امر کردن، تمویل کردن و وادار کردن" شخص دیگری به ارتکاب جرم غصب، از مصادیق معاونت در ارتکاب جرم است (فقره ۲ ماده ۵۹ کود جز)، هر چند قانونگذار سعی کرده است با تغییر عبارات، آنها را به عنوان موارد مستقلی ذکر نماید، زیرا در هر یک از این موارد "دخالت در عمل مجرمانه به شکل سببیت"<sup>۱</sup> است.

با آن هم، نکته‌ی شایان ذکر این است که باید حالات "دستور دادن، امر کردن و وادار کردن" که اجبار را افاده می کند، از حالت "تمویل کردن" جدا می شد. چون هرگاه دستور، امر، و وادار کردن منجر به سلب

<sup>۱</sup> ماده ۵۹ کود جزا.

اراده آزاد مرتکب گردد، شخص مباشر، قابل مجازات نخواهد بود<sup>۱</sup> ولی در صورت "تمویل کردن"، تمویل کننده و مباشر هردو مستوجب مجازات می‌باشند.

### گفتار سوم: آثار حقوقی صدور حکم جزایی در مورد غصب:

طبق حکم فقره (۲) ماده ۷۱۶ کد جزا، قانونگذار برخی از آثار حقوقی را تحت احکام جزائی، پیش‌بینی کرده، که محکوم علیه مکلف است، به ایفای وجایب مشخصی بپردازد که عبارت اند از:

- تخلیه زمین و تسلیم کردن اسناد ادعای مالکیت زمین به مالک قانونی، در خلال سه ماه از تاریخ صدور حکم قطعی.
- پرداخت قیمت زمین مغضوبه به خریدار، در صورت فروش در خلال سه ماه، از تاریخ صدور حکم.
- پرداخت منافع ناشی از اجاره یا کرایه زمین مغضوبه به مالک زمین، در خلال سه ماه از تاریخ صدور حکم.
- تأدیه پول اخذ شده‌ی زمین مغضوبه عامه یا وقفی به خزانه دولت، در صورت فروش جهت اعمار سرپناه.
- جبران خساره وارده بر زمین مغضوبه در صورت تخریب یا خساره‌مند شدن زمین.
- استرداد زمین و باطل شمردن اسناد ادعای مالکیت آن.

با ملاحظه موارد فوق الذکر، طرح نکات ذیل عاری از فایده نخواهد بود:

اول: با دقت نظر در موارد فوق الذکر، به این نتیجه می‌رسیم که تمام این موارد دارای ماهیت حقوقی اند نه ماهیت جزایی. بنابراین، طرح این موارد در کد جزا و در خلال روند محاکمه جزایی، خالی از اشکال نیست.

<sup>۱</sup> چنانچه در فقره ۲ ماده ۶۲ کد جزا آمده است "در مواردی که فاعل (مباشر) جرم به دلیل وجود موانع مسئولیت جزایی مجازات نشود این امر مانع مجازات شریک و معاون جرم نمی‌گردد"



**دوم:** ابطال اسناد ادعای مالکیت زمین نیاز به یک روند رسیدگی حقوقی داشته و در پروسه جزایی نمی‌توان به ابطال یک سند حقوقی حکم کرد. چون صلاحیت ابطال اسناد حقوقی را محکمه حقوقی (ذیصلاح) دارد نه محکمه جزایی رسیدگی کننده به جرم غصب. به همین جهت، ایجاب می‌کند که رسیدگی به دعوای جزایی غصب، مسبوق به یک دعوای حقوقی باشد.

### گفتار چهارم: تعدد جرم در غصب زمین:

اصل و قاعده عمومی در ارتکاب اغلب جرایم، این است که هرگاه شخصی، مرتکب جرایم متعدد شود، ارتکاب "جرایم متعدد" یا از نوع تعدد مادی جرایم مرتبط اند یا از نوع تعدد مادی جرایم غیر مرتبط که در صورت اول، جزایهای هر دو جرم با هم تداخل نموده و شدیدترین آنها بر مرتکب تطبیق می‌شود، اما در صورت دوم، هر یک از جزایهای یکی پی دیگر بر مرتکب قابل تطبیق می‌باشد.

اما قانونگذار در تعدد جرم در غصب زمین مندرج ماده ۷۱۸ کد جزا، که تعدد مادی جرایم مرتبط است، استثناء قاعده تعدد جرایم غیر مرتبط را بر آن تطبیق نموده است. بنابراین، هرگاه ارتکاب جرم غصب زمین با دادن رشوت، و یا فریب یا تزویر اسناد و یا با سوء استفاده از وظیفه یا موقف و یا با سوء استفاده از نفوذ، صورت گرفته باشد، مرتکب علاوه بر مجازات جرم مرتکبه، به جزای جرم غصب زمین نیز محکوم می‌گردد.

### گفتار پنجم: جرایم در حکم غصب:

در رابطه به جرایم در حکم غصب مندرج ماده ۷۱۹ کد جزا، نکاتی چند قابل تذکر است:

**اول:** در عبارت "تجاوزیا به هر نحوی تصرف مالکانه کند" دو کلمه قابل بحث است: ۱- "تجاوز": این کلمه مبهم است و معنی مشخصی را افاده نمی‌کند. ۲- تصرف مالکانه: واضح و مشخص است؛ تصرفات مالکانه شامل دو نوع تصرفات می‌شود: الف- تصرفات ناشی از ملکیت تام، مانند فروختن، هبه کردن، وصیت کردن، رهن داد و وقف کردن. ب- تصرفات ناشی از ملکیت ناقص، مانند تصرفات اجاره یا کرایه گیرنده، عاریت گیرنده و تصرفات موقوف علیه.

دوم: تصرفات مالکانه در دشت‌ها، نظر به ماده ۷۱۹ کود جزا، جرم غصب زمین نیست بلکه جرم در حکم غصب زمین است که جزای آن حبس متوسط می‌باشد. سوال قابل طرح این است که آیا به تصور شما دشت نمی‌تواند زمین دولتی، عامه یا خصوصی مندرج ماده ۷۱۵ کود جزا باشد؟ اگر پاسخ تان بلی است، در آنصورت ماده ۷۱۹ و ۷۱۵ کود جزا باهم تداخل پیدا می‌کنند.

سوم: نظر به ماده ۷۱۹ کود جزا، تصرف مالکانه در علفچرها در حکم غصب زمین است، در حالی تصرف مالکانه در مرعی (عامه و خاصه) مطابق ماده ۷۱۵ کود جزا، جرم غصب زمین است. به نظر شما آیا علفچر و مرعی باهم فرق دارند یا هر دو به معنی چراگاه هستند، متنها علفچر واژه فارسی و مرعی واژه عربی است؟ اگر معنای هر دو واژه یکی باشد، آیا میان ماده ۷۱۵ و ۷۱۹ کود جزا، تداخل وجود ندارد؟

برای صحت این ادعا، به تعریف مرعی (عامه و خاصه) مندرج اجزای ۵۷ و ۵۸ ماده سوم قانون تنظیم امور زمینداری مراجعه کنید.

## نتیجه گیری فصل سوم:

بعد از مطالعه، بررسی، تحلیل، تجزیه و مباحثه راجع به موضوعات مندرج فصل سوم این جزوه آموزشی (مواد ۷۱۵ تا ۷۱۹ کد جزا) به نتایج زیر رسیدیم.

۱. غصب زمین هرچند با موضوعات مدنی ارتباط تنگاتنگی داشته و همواره در قوانین مدنی مورد بحث قرار می‌گیرد، اما کد جزای افغانستان به منظور حمایت هرچه بیشتر زمین، به محتوای قانون مدنی اکتفا ننموده و غصب آنرا جرم انگاری و برای آن مجازات تعیین نموده است.
۲. مطالعه مواد مرتبط به غصب زمین در کد جزا، نشان می‌دهد که منظور از غصب زمین، اعمال هرگونه تصرف غیر قانونی در زمین دولتی، عامه، شخصی، مرعی یا وقفی، می‌باشد.
۳. عنصر مادی جرم غصب زمین را عمل غیر قانونی مرتکب مانند: (تصرف، تصاحب، استفاده، انتقال، رهن، تضمین، اجاره و کرایه) تشکیل می‌دهد.
۴. استفاده از وسایل مجبره، ترساننده یا فریبنده، شرط تحقق عنصر مادی این جرم نیست، منتها استفاده از این وسایل می‌تواند موجب تشدید مجازات شود.
۵. جرم غصب زمین از جرایم عمدی است و برای تحقق این جرم، وجود سوء قصد عام (علم و اراده) کافیست.
۶. داشتن قصد تملک یا علم برضایت یا عدم رضایت مالک شرط تحقق عنصر معنوی جرم غصب زمین نیست.
۷. معیار در تعیین اندازه جزای جرم غصب زمین، ارزش زمین مغضوبه است، و حد اقل مجازات آن، حبس قصیر و حد اکثر آن حبس طویل ده سال است.
۸. کد جزا، موارد ذیل را از جمله آثار حقوقی صدور حکم جزایی در مورد غصب زمین شناخته است:
  - أ. تخلیه زمین و تسلیم کردن اسناد ادعای مالکیت زمین به مالک قانونی در خلال سه ماه از تاریخ صدور حکم قطعی.
  - ب. پرداخت قیمت زمین مغضوبه به خریدار، در خلال سه ماه از تاریخ صدور حکم قطعی.

- ج. پرداخت منافع ناشی از اجاره یا کرایه زمین مغصوبه به مالک زمین، در خلال سه ماه از تاریخ صدور حکم قطعی.
- د. تأدیه ی پول اخذ شده ی از فروش زمین عامه یا وقفی جهت اعمار سرپناه به دیگران، به خزانه دولت.
- ه. جبران خساره وارده بر زمین مغصوبه در صورت تخریب یا خسارمند شدن زمین.
- و. استرداد زمین مغصوبه و باطل شمردن اسناد ادعای مالکیت آن.

## نتیجه گیری عمومی:

بعد از مطالعه، بررسی، تحلیل، تجزیه و مباحثه راجع به موضوعات مندرج فصل‌های اول، دوم و سوم این جزوه آموزشی مندرج (مواد ۶۹۹ تا ۷۱۰، و مواد ۷۱۱ تا ۷۱۳، و مواد ۷۱۵ تا ۷۱۹ کود جزا) که بالترتیب احکام سرقت، غصب اموال منقول و غصب زمین را تنظیم کرده است، به نتایج زیر رسیدیم:

۱. سرقت عبارت از گرفتن مال منقول غیر، بدون رضایت او به مقصد تملک بطور خفیه می‌باشد. با وجود اینکه کلمه "بطور خفه" در تعریف سرقت مندرج ماده ۷۹۹ کود جزای افغانستان تصریح نگردیده است، ولی از صراحت ماده ۷۱۱ کود جزا که کلمه "بطور آشکار" را در تعریف غصب درج کرده است، معلوم می‌شود که کلمه "بطورخفیه" در تعریف سرقت، مضمّن است.
۲. موضوع سرقت را مال منقول تشکیل می‌دهد. بنابراین، مال غیر منقول، موضوع جرم سرقت قرار نمی‌گیرد.
۳. منظور از "مال" در تعریف سرقت مندرج ماده ۶۹۹ کود جزا، هر آن عین یا حقی است که نزد مردم قیمت مادی داشته باشد؛ منظور از "عین"، اموال مادی محسوس است، و منظور از "حق" حق دارای ارزش مادی است. بنابراین، تجاوز بر حقوق معنوی فاقد ارزش مادی، سرقت پنداشته نمی‌شود.
۴. "قصد تملک" نزد مرتکب، شرط تحقق جرم سرقت است، و اگر مرتکب، مال غیر را بدون رضایت او و بطور خفیه، به قصد استعمال می‌گیرد، مرتکب سرقت پنداشته نمی‌شود.
۵. "عدم رضایت مالک"، نیز شرط تحقق جرم سرقت است. بنابراین، اگر مالک، مال را به رضایت خود به کسی تسلیم نماید، و تسلیم شونده از برگرداندن آن امتناع ورزد، ممتنع، سارق محسوب نمی‌شود، هرچند نیت تملک را نیز داشته باشد.

۶. سرقت از جمله جرایم عمدی مقید به نتیجه است. نتیجه عبارت از تسلط یافتن بر مال غیر است. ایراد ضرر بر مجنی علیه و غنایم شدن سارق، از جمله آثار سرقت است نه شرایط تحقق آن.
۷. سوء نیت عام، عنصر معنوی جرم سرقت را تشکیل می دهد که شامل علم و اراده می باشد؛ علم به مالکیت غیر و در آوردن آن در ملکیت خود. و منظور از اراده، انجام رفتار مادی به اراده خود بدون کدام قوهی خارجی.
۸. جرم سرقت از حیث شدت و خفت به جنایت و جناحه تقسیم گردیده و در حالات دیگری، ممکن است وصف "قباحت" را به خود بگیرد.
۹. جرم سرقت حسب احوال، به حالات عادی، حالات مشدده، و اجتماع احوال مشدده، تقسیم شده است. اجتماع احوال مشدده مندرج ماده ۷۰۴ کود جزا، با اجتماع چهار حالت مشدده مندرج ماده ۷۰۲ کود جزا، تحقق می یابد. انتفای یکی از حالات متذکره موجب نفی اجتماع احوال مشدده می شود. همچنان اجتماع سه حالت با حالت پنجم و ششم مندرج ماده ۷۰۲ کود جزا، اجتماع احوال مشدده را تشکیل نمی دهد.
۱۰. سارق علاوه بر مجازات تعیین شده برای جرم سرقت، به رد مال مسروقه نیز محکوم می گردد.
۱۱. جرم غصب اموال منقول از جرایم عمدی نتیجوی است.
۱۲. موضوع غصب اموال منقول مندرج ماده ۷۱۱ کود جزا، منحصر به دو چیز می باشد: پول و مال منقول. بنابراین، هر آنچهی که مال محسوب نمی شود یا حقوق مالی بر آن مرتب نمی شود، موضوع جرم غصب اموال منقول، قرار نمی گیرد.
۱۳. استفاده از عنف، تهدید، اکراه یا ارباب و آشکار بودن رفتار جرمی غاصب، علایمی هستند که غصب را از سرقت تفکیک می کنند، زیرا سرقت، عمل پنهانی است و عنف، تهدید، اکراه یا ارباب در آن بکار برده نمی شود.
۱۴. "قصد تملک" شرط تحقق جرم غصب نیست. نابراین اگر کسی با استفاده از وسایل مجبره، مال منقول غیر را به قصد استعمال از وی می گیرد، عمل او غصب مال منقول پنداشته نمی شود.

۱۵. برای تحقق جرم غصب اموال منقول، رضایت یا عدم رضایت مالک شرط نیست. بنابراین، هرگاه شخصی دیگر را تهدید کند و تهدید شوند به دادن مال خود به تهدید کننده راضی شود، عمل تهدید کننده، غصب مال منقول است.
۱۶. معیار در تعیین جزای غصب اموال منقول، ارزش مادی مال مغضوبه است؛ مقدار جزا نظر به بلند رفتن ارزش مال مغضوبه، بلند می‌رود، و بالاخره به یک حد معین که همانان ارزش بیش از یک صد هزار افغانی است به حبس طویل متوقف می‌شود.
۱۷. اخذ جبری سند، امضاء، مهر یا نشان انگشت، زمانی غصب محسوب می‌شود که حقوقی مالی بر آن مرتب شود.
۱۸. جرم اخذ جبری سند، امضاء، مهر یا نشان انگشت، از جرایم مطلق (غیر نتیجوی) است؛ تحقق نتیجه (حصول مفاد) یا عدم تحقق آن، شرط تکمیل جرم نیست بلکه جرم به مجرد وقوع فعال مادی (اخذ جبری سند، امضاء، مهر یا نشان انگشت) تکمیل می‌گردد. منتها، تحقق نتیجه، موجب تشدید مجازات می‌شود.
۱۹. کود جزای افغانستان، ماده‌ی ۷۱۵ را "غصب زمین و اموال غیر منقول" عنوان کرده است اما تمام مواد بعدی، احکام غصب زمین را تنظیم کرده و در مورد سایر اموال غیر منقول مانند غصب خانه، غصب دکان و امثال آنها، هیچ حکمی وجود ندارد.
۲۰. عنصر مادی جرم غصب زمین را عمل غیر قانونی مرتکب مانند: (تصرف، تصاحب، استفاده، انتقال، رهن، تضمین، اجاره و کرایه) تشکیل می‌دهد.
۲۱. استفاده از وسایل مجبره، ترساننده یا فریبنده، شرط تحقق عنصر مادی جرم غصب زمین نیست، منتها
۲۲. داشتن قصد تملک یا علم بر رضایت یا عدم رضایت مالک شرط تحقق عنصر معنوی جرم غصب زمین نیست.
۲۳. معیار در تعیین اندازه جزای جرم غصب زمین، ارزش زمین مغضوبه است، و حد اقل مجازات آن، حبس قصیر و حد اکثر آن حبس طویل ده سال است.

۲۴. آثار حقوقی صدور حکم جزایی در مورد غصب زمین در فقره های (۲ تا ۷) ماده ۷۱۶ کد جزا، تنظیم گردیده است.



## مآخذ:

### الف) قوانین:

- کود جزا، منتشره جریده رسمی شماره ۱۲۶۰، مؤرخ ۲۵ ثور ۱۳۹۶
- قانون مدنی، منتشره جریده رسمی شماره ۳۵۳، مؤرخ ۱۵/۱۰/۱۳۵۵.
- قانون کار، منتشره جریده رسمی شماره ۹۶۶ مؤرخ ۱۶ قوس ۱۳۸۷.
- قانون تنظیم امور زمینداری، منتشره جریده رسمی شماره ۱۲۵۴ مؤرخ ۲۶ حمل سال ۱۳۹۶.
- قانون حمایت حقوق مخترع و مکتشف، منتشره جریده رسمی شماره ۹۵۶، مؤرخ ۱۳۷۸/۵/۵.
- قانون جزای مصر.
- قانون مجازات اسلامی ایران.

### ب) مآخذ فارسی:

- ثقت الاسلام، محی الدین، معمار و قانون، چاپ اول ۱۳۹۲، ناشر: البرز فردانش.
- صادقی، حسین میر محمد، جرایم علیه اموال و مالکیت جاب چهل و سوم، نشر میزان، ۱۳۹۴.
- فرهنگ عمید.
- فرهنگ فارسی معین.
- فوزیه عبد الستار، قسم عام، ۲۰۱۲.
- گروه تحقیقی، معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، بررسی جرایم علیه اموال دولت، چاپ اول، سال ۱۳۸۹، انتشارات جاودانه، ایران.
- لغت نامه دهخدا.
- لنگرودی جعفری، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق.

- محمودی جانکی، فیروز، رهنمود ماکس پلانگ برای حقوق جزای اختصاصی افغانستان ۱۳۹۱.
- ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای اختصاصی، جرایم علیه اموال، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۷.

### ج) مأخذ عربی:

- ابن منظور، جمال الدین، محمد، لسان العرب، دار صادر، بیروت.
- ابوزهرة، محمد، الجريمة والعقوبة في الفقه الاسلامي، دار الفكر العربي، القاهرة.
- احمد مختار و ديكران، معجم اللغة العربية المعاصرة ج ۱، واژه شماره ۳۱۴۴.
- البورنوي، محمد صدقي، موسوعة القواعد الفقهية، انتشارات التوبة، رياض، چاپ اول ۱۹۹۷ م.
- جندي، عبد الملك بك، الموسوعة الجنائية.
- حسني، نجيب، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، دار نافع للطباعة والنشر، ۱۹۸۷، القاهرة.
- حسني، نجيب، شرح قانون العقوبات، القسم العام طبع ۲۰۱۲.
- زين العابدين، ابن نجيم، الحنفی، البحر الرائق، شرح كنز الدقايق.
- الدرہ، ماهر، عبد شويش، بي تا، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص.
- الزيلعي، عثمان بن علي، تبين الحقائق، المكتبة الشاملة.
- سرور، احمد فتحی، الوسيط في قانون العقوبات، القسم الخاص.
- العوده، التشريع الجنائي الاسلامي مقارنة بالقانون الوضعي، دار الكاتب العربي، بيروت.
- فتح القدير.
- قاموس المحيط.
- الكاساني، بدائع الصنائع.
- لسان العرب.
- ماهر شاوش، شرح قانون العقوبات. PDF.

- مجله الأحكام العدلیه
- مغنی المحتاج.

(د) مآخذ انترنتی:

۱. [http://hoquq.iict.ac.ir/article\\_۳۱۱۸۵.html](http://hoquq.iict.ac.ir/article_۳۱۱۸۵.html)
۲. <https://www.yasa.co/blog/the-concept-violence-in-article-۸۲-the-islamic-penal-code>
۳. <http://safirsolh.ir/%D۸%AC%D۸%B۱%D۹%۸۵%D۸%AA%D۹%۸۷%D۸%AF%DB/%۸C%D۸%AF>